

هشت سال دفاع مقدس ملت بزرگ ایران





مقدمه

سپاس بیکران خداوند حکیم و صلوات فراوان بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش.

یکی از حوادث بسیار مهم پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران، جنگ هشت ساله صدام حسین به نمایندگی از ابرقدرتها و کفر جهانی علیه اسلام ناب محمدی ملت ایران است.

دفاع جانانه رزمندگان اسلام در مدت هشت سال، مقدس شد زیرا

قرآن می فرماید

۷۶ آیه النساء سوره مبارکه

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ﴿٧٦﴾

کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می کنند؛ و آنها که کافرند، در راه طاغوت [= بت و افراد طغیانگر]. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید! (و از آنها نهراسید!) زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتش) ضعیف است.

یعنی فرق جنگ کفار با مومنین آن است که مومنین در راه خدا می جنگند پس جنگش مقدس است ولی کفار در راه طاغوت می جنگند پس جنگشان بیهوده است

امام امت در رابطه با این مسئله فرمودند:

مسأله، مسأله این نیست که ما می‌خواهیم فقط جنگ بکنیم یا می‌خواهیم دفاع بکنیم. ما می‌خواهیم دفاع مقدس بکنیم، یعنی ما می‌خواهیم از آبروی اسلام، از آبروی کشور اسلامی دفاع بکنیم، این یک دفاعی است که عقل و اسلام هر دو با آن موافقند، همه می‌گویند که باید دفاع کرد.

وقتی در دفاع هشت ساله رزمندگان اسلام، فرماندهی کل قوا را نایب امام زمان به عهده دارد این دفاع، مقدس می‌شود زیرا فرماندهی وصل به خاندان امامت و نبوت می‌شود و در حقیقت آنها فرمانده هستند.. لذا کشته شده‌های این دفاع مقدس، شهید محسوب می‌شوند و مجروحان آن، جانباز و اسرای آن، آزاده هستند. و خانواده‌های شهداء، چشم و چراغ ملت می‌باشند.

این هشت سال جنگ بی‌شبهت به جنگهای دفاعی مسلمانان صدر اسلام نبود. زیرا از یک طرف ایران به نمایندگی از اسلام ناب محمدی است و اگر دشمن موفق می‌شد نظام اسلامی را شکست دهد در حقیقت اسلام از بین می‌رفت ولی با استقامت ملت ایران و مجاهدتهای ایثارگران و رزمندگان و فرماندهان و شهدا و همه ملت ایران خواب دشمن تعبیر نشد و دشمن شکست خورد و انقلاب اسلامی برای سالیان سال بیمه شد. موفقیت نظام اسلامی باعث شد دشمن از شکست دادن این نظام در جنگ نظامی، مایوس شود.

مهمترین عامل پیروزی رزمندگان اسلام که بعداً عامل پیروزی حزب الله لبنان در جنگ سی و سه روزه رژیم صهیونیستی همچنین عامل پیروزی حماس و رزمندگان فلسطین در حمله رژیم مذکور به غزه، شد همان ایمان به خدا و توکل بر او و توسل به اهل بیت علیه السلام و شهادت طلبی و اطاعت از رهبری بود.

از طرف دیگر معجزات و کراماتی که خداوند به دفعات متعدد به حمایت از رزمندگان اسلام نشان می

مخصوصاً ایجاد رعب در دل دشمن که در فتح خرمشهر، دشمن دسته دسته می آمد و تسلیم می شد شبیه همان معجزاتی است که در جنگ بدر و خندق و حنین و خیبر و غیره نشان داد.

اگر چه در این جنگ، ایران اسلامی جوانان بسیار خوب و نخبه ای را از دست داد که اگر الان بودند یقیناً توسعه همه جانبه کشور زودتر و بیشتر انجام می شد همچنین از نظر اقتصادی بیش از هزار میلیارد دلار به کشورمان خسارت وارد شد اما این جنگ برکات فراوانی را برای ملت ایران به ارمغان آورد.

امام امت در رابطه با تبیین ابعاد مختلف هشت سال دفاع مقدس فرمودند:

این جانب به نویسندگان و گویندگان و تحلیلگران و نقاشان و همه هنرمندان پیشنهاد می کنم تا همیشه بخصوص در این هفته {دفاع مقدس} آنچه در توان دارند در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم به این سلحشوران عظمت آفرین و ملت ایران و اسلام بزرگ نمایند و بدین ترتیب به گوشه ای از وظیفه اسلامی، انسانی، ملی، میهنی خود عمل نمایند {صحیفه نور ج 18 ص 123}

باشد که بتوانیم قطره ای از دریای مجاهدتهای فراوان رزمندگان اسلام با پشتیبانی ملت و با رهبری امام امت را تبیین نمائیم.

دفتر امام جمعه پلدختر - مهر 88

فهرست:

شروع جنگ تحمیلی

مجاهدتهای ملت ایران

شهداء و خانواده معظم آنان

جانبازان

آزادگان

رزمندگان اسلام

آثار و برکات هشت سال دفاع مقدس

حزب بعث عراق عامل طولانی ترین جنگ قرن

حزب بعث عراق در 17 ژوئیه 1968 با انجام یک کودتا، حکومت را در دست گرفت و حسن البکر را به عنوان رئیس جمهور و رئیس شورای رهبری انقلاب برگزید و وی را به درجه مارشالی مفتخر گردانید.

حسن البکر، رئیس جمهور عراق در ژوئیه 1979 به مناسبت جشنهای ژوئیه، تمامی مسئولیتهای حزبی و دولتی خود را به جانشین خود یعنی صدام حسین تکریتی که در حقیقت زمام امور کشور عراق را حتی در زمان معاونت البکر قبضه کرده بود، واگذار کرد.

حسن البکر در سال 1982 در سن 68 سالگی به علت ابتلا به بیماری سرطان درگذشت. صدام حسین که همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران رسماً به قدرت رسیده بود، برای آمریکاییان جایگزین مناسبی برای شاه در منطقه بود تا بتواند عهده دار وظیفه ژاندارمی منطقه شود و در فرصت مناسب علیه انقلاب اسلامی از وی استفاده گردد.

دستگاه تبلیغاتی رژیم بعث عراق از آغاز درصدد برآمد تا در تلاشی همه جانبه مطهر جمهوری اسلامی را در افکار عمومی عراق به شکل منفی ترسیم کند تا در صورت وقوع جنگ این القائنات ذهنی را در سطح مردم و نظامیان توسعه بخشد تا مردم و ارتش عراق را برای ایستادن در برابر سپاه توحید آماده کند.

روند رویدادها و پشتیبانی همه جانبه آمریکا در طول هشت سال دفاع مقدس گواه استوار و محکمی بر این مدعاست و صدام حسین نه تنها به عنوان عامل سرکوب انقلاب اسلامی به خدمت گرفته شد، بلکه توانست به طور بی سابقه ای پای آمریکاییان را به منطقه (خلیج فارس) به صورت روزافرونی باز کند.

شروع جنگ تحمیلی

در 31 شهریور 1359 رژیم بعثی عراق با تصمیم و طرح و با هدف برانداختن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران جنگی تمام عیار را علیه این کشور آغاز کرد. رئیس جمهور عراق با ظاهر شدن در برابر دوربین های تلویزیون عراق با پاره کردن قرارداد 1975، آن قرارداد را یکطرفه زیر پا گذاشت و آغاز تجاوز رژیم بعثی را اعلام کرد تا مگر بتواند مطامع و خواسته های جاه طلبانه خود را از طریق جنگی ظالمانه و ناخواسته بر مردم ایران تحمیل کند.

جنگی نابرابر در شرایطی به ایران اسلامی تحمیل شد که از جانب استکبار جهانی بویژه آمریکا تحت فشار شدیدی قرار داشت و در داخل کشور نیز جناحهای وابسته به غرب و شرق با ایجاد هیاهوی تبلیغاتی و ایجاد درگیری های نظامی در صدد تضعیف دولت و تفرقه افکنی بودند و نیروهای نظامی کشور نیز به خاطر تبعات قهری انقلاب هنوز مراحل بازسازی و ساماندهی راه به طور کامل پشت سر ننهاد و هیچ گونه آمادگی برای مقابله با یک تهاجم گسترده و سراسری به طول 1200 کیلومتر را با دشمن نداشتند.

امریکا برای به سازش کشاندن جمهوری اسلامی و در نهایت تسلیم آن ، فرصت حاصله از رخداد جنگی تحمیلی عنیمت شمرد و حمایت های پنهان و آشکار لازم را در کلیه زمینه های سیاسی ، نظامی و اقتصادی از رژیم بعثی عراق به مورد اجرا گذاشت.

از سوی دیگر اتحاد جماهیر شوروی سابق ، با ترکیب حکومتی وقت ، که متحد عراق محسوب می شد، به خاطر ماهیت مستقل و غیروابسته انقلاب اسلامی که شعار نه شرقی نه غربی را در سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده و در رابطه با اشغال افغانستان موضعگیری مستقلانه ای اتخاذ کرده و تجاوز این ابرقدرت را محکوم کرده بود، خصومتش را با ارائه کمکهای مختلف نظامی و اقتصادی به رژیم عراق مضاعف گردانید.

ارتش عراق که براساس محاسبات عجولانه خود از وضعیت و شرایط داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ، فتح یک هفته ای تهران را تعقیب می کرد، در روزهای نخست تجاوز، بدون آن که بامانعی جدی در مرزها برخورد کند، تا دروازه های اهواز و خرمشهر پیش تاخت و با مشاهده این وضعیت ، به تداوم تجاوز علاقه مندتر شد. تحت چنین اوضاع و احوال ،امام(رض) به فروش آمد و ندای ملکوتیش دلهای شیفتگان انقلاب و جمهوری اسلامی را مطمئن و آرام نمود و ملت شجاع ایران را جهت دفاع از کیان نظام مقدس جمهوری اسلامی و کشور ایران آماده کرده بدینسان دشمن که در روزهای اول تجاوز مقاومتی جدی و چشمگیر در برابر خود مشاهده نکرده بود، به هنگام هجوم به خرمشهر با مقاومت قهرمانانه مردم این شهر و رزمندگان اسلام رو به رو شد و این واقعیت را پذیرفت که آنچه را محاسبه و پیش بینی شده بود، فرضیه ای بیش نبوده و بین خیالپردازها و واقعیات فاصله بسیار وجود دارد.

خلق حماسه ها آغاز شد، و علی رغم کارشکنی های رئیس جمهور وقت ، در جایگاه فرماندهی کل قوا مقاومت سرسختانه دلاوران اسلام و فرزندان قرآن اوج گرفت . سراسر جبهه ها، آوردگاه تن و تانک بود عشق و ایمان به مبداء و معاد عشقی بی پایان و فناپذیر به خدا و امدادهای الهی ، و اعتقاد و ایمان به مبداء و معاد عاملی بود تا دلاورمردان جمهوری اسلامی مرگ را با آغوش باز بپذیرا شوند، و شهادت را کمال مطلوب بدانند.

دفاع مقدس و همه جانبه مردم مسلمان و انقلابی ایران اعم از واحدهای جنگ های چریکی و پارتیزانی که توسط (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) سازماندهی شده بود و عناصر (واحد جنگهای نا منظم تحت فرماندهی شهید دکتر چمران (وزیر دفاع و نماینده امام خمینی (ره) در شورای عالی

دفاع (، واحدهای کلاه سبزه‌های نیروی زمینی ارتش و تکاوران نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، گروهی چریکی تحت سرپرستی و نظارت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب و نیز برخی از گروه‌های عشایری مسلح (که بیشتر در نواحی مرزی شمالغرب و غرب کشور مستقر بودند) با حملات متعدد و زنجیره‌ای علیه واحدها، سنگرها و خودروها و نفرات جلودار و نیز گشتیهای قوای متجاوز عراق آغاز گردید.

همزمان با مقاومت این نیروها، واحدهای توپخانه، هواپیماها و هلیکوپترهای بمب افکن و موشک انداز ارتش جمهوری اسلامی ایران خطوط و نیروهای پیش‌تاز ارتش متجاوز عراق و نیز خطوط و واحدهای عقبه و پشتیبانی ارتش عراق، پلها، انبارهای مهمات، ستونهای تانک و زرهپوش، خودروهای حامل نفرات و مهمات و تجهیزات و نیز تاسیسات و پایگاههای اقتصادی و نظامی رژیم عراق را در عمق آن کشور و نیز نواحی اشغال شده در خاک ایران را آماج حملات کوبنده خود قرار دادند که حمله حدود 140 فروند از هواپیماهای جنگنده ارتش اسلام در یکی از نخستین روزهای دفاع مقدس از جمله جالبترین آنهاست.

مجموعه این عملیاتها و امدادهای الهی شگفت انگیز و ربی که خدای متعال در دل دشمن انداخت مانع شد تا نیروهای عراقی در مناطقی که قابل پیشروی به نظر می‌رسید مکث و تامل کنند و این امر باعث شد مناطقی مثل دزفول و اندیمشک و تاسیسات نظامی و اقتصادی آنها سالم بماند و اهواز از خطر محاصره دشمن در امان بماند.

وضعیت نظام اسلامی ایران در هنگام تجاوز صدامیان

از آنجا که نظام جمهوری اسلامی در تعارض مستقیم با قدرتهای سلطه‌گر قرار داشت، لذا از همان ابتدا با مقابله جدی آنان مواجه شد که به عنوان مثال: می‌توان به کودتاها، عملیاتهای براندازی، درگیریهای داخلی و شورشهای محلی در قالب ادعای خود مختاریها اشاره کرد.

در جریان یک مبارزه سیاسی در مقابل پناهندگی شاه به آمریکا، سفارت آمریکا در تهران به تصرف دانشجویان پیرو خط امام در آمد. این واقعه شکل جدیدی به رویارویی ایران با این قدرت استکباری بخشید، آمریکا تاب چنین تحقیری را نداشت، لذا با حمله نظامی به طبس تلاش کرد این حقارت را جبران نماید لیکن به صورتی مفتضحانه شکست خورد. از این رو آمریکا در یک بررسی منطقه ای جهت مهار گسترش انقلاب اسلامی و نیز جبران شکستهای پی در پی خویش، ابتدا اقدام به تحریم اقتصادی و تسلیحاتی ایران نمود و سپس توسط رژیم بعثی عراق به عملیات نظامی علیه ایران پرداخت.

در عراق نیز صدام با روحیه قدرت طلبی و سلطه گری، حسن البکر را طی کودتایی از صحنه قدرت راند و با طمع رهبری جهان عرب و پر کردن خلاء قدرت در منطقه و به دست آوردن امتیازات از دست داده در قرارداد 1975، خود را به عنوان وسیله ای که غرب می تواند توسط او به اهداف سلطه گرانه اش دست یابد معرفی کرد. به همین منظور نیز در اولین اقدام به سرکوبی شیعیان عراق دست زد و همزمان به بمب گذاری در تاسیسات نفتی ایران توسط گروههای ضد انقلاب مبادرت کرد. در عین حال جنگ تبلیغاتی شدیدی علیه ایران اسلام آغاز کرد و در تلویزیون دولتی به بهانه باز پس گیری سه جزیره ابوموسی و تنبهای بزرگ و کوچک حملات مستقیم و غیر مستقیم تبلیغاتی را متوجه ایران کرد، و سرانجام پس از یک دوره مذاکرات مسئولین عراقی با مسئولین آمریکایی و حضور برخی فرماندهان ارشد نظامی شاه در عراق، وزارت امور خارجه آن کشور به صورت رسمی در 59/6/26 طی یادداشتی قرارداد 1975 الجزایر را لغو نمود و ارتش عراق نیز در تاریخ 1359/6/31 حمله سراسری خود را به مرزهای جمهوری اسلامی آغاز کرد.

این امر در حالی صورت پذیرفت که امام خمینی (ره) از ماهها قبل از آغاز حمله عراق جهت آمادگی و افزایش توان نظامی ایران تلاش می نمودند.

ایشان در مورخه 31 شهریور 1359 در پیامی به مناسبت باز شدن مدارس درباره آغاز جنگ تحمیلی فرمودند:

(این جنگ، جنگ با اسلام است به هواداری کفر، و یک همچنین جنگی بر خلاف رضای خداست. و

خدای تبارک و تعالی نخواهد بخشید بر این کسانی که بر ضد اسلام قیام کنند به واسطه همراهی با کفر).

همچنین امام(رض) اولین فرمان خود را درباره جنگ در تاریخ 1359/7/1 صادر فرمودند .

بسم الله الرحمن الرحيم

1- باید اطاعت از شورای فرماندهی بدون کوچکترین تخلف انجام گیرد و متخلفین با سرعت و قاطعیت باید تعیین و مجازات شوند.

2- باید اشخاص و مقامات غیر مسئول از دخالت در امر فرماندهی خودداری کنند و فرمانده کل قوا به نمایندگی این جانب و شورای فرماندهی ، مسئول امور جنگی هستند.

3- در شرایط فعلی اقدام دادگاههای ارتش در اموری که شورای فرماندهی صلاح نمی داند بدون اطلاع این جانب ممنوع اعلام می گردد.

4- رادیو و تلویزیون موظفند اخباری را نقل کنند که صد در صد صحت آن ثابت می باشد و برای عدم اضطراب و تشویش اذهان ، اخبار را از غیر منابع موثق نقل نمایند.

5- نیروهای انتظامی موظف هستند کسانی را که دست به شایعه سازی می زنند از هر قشر و گروهی که باشند، فوراً دستگیر و به دادگاههای انقلاب تسلیم و دادگاههای مذکور آنان را در حد ضد انقلابیون مجازات نمایند. مردم مبارز ایران موظف هستند شایعه سازان را به دادگاههای انقلاب معرفی و با نیروهای انتظامی همکاری نمایند.

6- روزنامه ها در وضع فعلی موظفند از نشر مقالات و اخباری که قوای مسلح را تضعیف می نماید جدا خودداری نمایند که امروز تضعیف این قوا عملاً و شرعاً حرام و کمک به ضد انقلاب است . من کرارا از نیروهای مسلح عزیز پشتیبانی نموده ام و امروز که آنان در جبهه جنگ با صدام کافر هستند، تشکر می کنم و از زحمات آنان قدردانی می نمایم و از خداوند متعال توفیق و پیروزی برای آنان طلب می نمایم.

7- اکیدا همه قشرهای ملت و ارگانهای دولتی موظف شرعی هستند که دست از مخالفت های جزیی که دارند، بردارند و با مخالفت خود کمک به دشمنان اسلام ننمایند.والسلام)

10 خصوصیت استثنائی هشت سال دفاع مقدس

ده خصوصیت استثنائی که هشت سال دفاع مقدس را به فرهنگ جاودانه تبدیل کرد

هرچند جنگ به دلیل این که ماهیتی خون و خون ریزی، کشت و کشتار دارد امر ناپسند و ناخوشایندی است و به هیچ وجه تقدس ندارد ولی دفاع هشت ساله رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در برابر جنگ تحمیلی دولت حزب بعث عراق به دلیل داشتن خصوصیت ویژگی استثنایی نه تنها از قداست، نورانیت و معنویت برخوردار بوده بلکه نامی و عنوانی جز (دفاع مقدس) زیبنده آن نخواهد بود، چراکه دفاع مقدس پیش از آنکه دفاع باشد فرهنگ و مکتب جهادی درس آموز فراتر از زمان و مکانی است که در آن اتفاق افتاده است و این حقیقت، زمانی قابل فهم خواهد بود که دفاع مقدس همانگونه که بوده مورد تحلیل قرار بگیرد، از همین رو به تحلیل اجمالی ده خصوصیت دفاع مقدس می پردازیم؛

1- نصرت الهی رمز پیروزی

نخستین خصوصیت معنوی که از آغاز تا پایان جنگ در متن دفاع مقدس وجود داشت (نصرت الهی و امداد غیبی) بود، چرا که اگر توان و موقعیت سیاسی و نظامی، و امنیتی ایران و نیز توان و موقعیت نظامی، سیاسی عراق را در آغاز جنگ به درستی ملاحظه و مقایسه کنیم با همه وجود می یابیم آنچه که ایران را در برابر تجاوز و جنگ تحمیلی در برابر عراق هشت سال ننگه داشت و اجازه نداد عراق به هیچ یک از اهدافش دست پیدا کند فقط نصرت الهی و امداد غیبی و ایمان به آیه (۷) سوره محمد (إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَیُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ) بوده است و گرنه با برتری نظامی که عراق در برابر ایران داشت می توانست تمام خوزستان را که مورد نظرش بود اشغال نماید و ضمیمه خاکش نماید و انقلاب اسلامی را که ۱۹ ماه بیشتر از عمرش نمی گذشت را ساقط نماید .

۲- آرمان خواهی دفاع مقدس

دومین خصوصیتی که هشت سال دفاع در جنگ تحمیلی را قداست، حرمت و نورانیت داده است و آن را از جنگ به فرهنگ تبدیل نمود (آرمان خواهی) رزمندگان در دفاع مقدس بوده است، به این معنا

حزب بعث در تاریخ (۱۳۵۹-۶-۳۱) طولانی ترین و پرهزینه ترین و وسیع ترین جنگ تحمیلی (۵/ ابرابر جنگ جهانی اول، دوبرابر جنگ دوم) در برابر ایران آغاز کرده است و هشت سال طول کشید، عراق ۷۲۳۶۳ نفر اسیر و ۳۹۵۱۴۸ کشته و ۳۶۶ فروند هواپیما ۹۰ هلیکوپتر سرنگون، و ۵۶۱ میلیارد دلار هزینه جنگ نمود و در مقابل ایران در مقام دفاع ۲۱۳ هزار شهید، ۱۴۰ هزار جانباز، ۳۲۰ هزار مجروح، ۴۰ هزار آزاده، و ۶۲۷ میلیارد دلار هزینه متحمل شد.

ولی تفاوت در چنین هزینه سنگین جانی و مادی را بایست در انگیزه مدافعین جستجو کرد، آنچه که انگیزه متجاوزان عراقی را تشکیل می داد اشغال خاک پاک ایران اسلامی و دست یابی به اروند رود بود و با این همه هزینه و کشته نه تنها دست آوردی برای آنان نداشت بلکه محکومیت بین المللی حاصل آن بود، که در قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، دولت عراق متجاوز معرفی شد، حاکمان حزب بعث نیز سرنوشت خفت باری پیدا کردند و به زباله دان تاریخ انداخته شدند، کشته شدگان عراقی در هشت سال از جنگ نیز نظر دولت فعلی عراق از شناسنامه کشور عراق پاک شدند و هیچ امتیازی به خانواده آنان داده نشد. ولی آنچه که انگیزه رزمندگان ایرانی را تشکیل می داد و حاضر بودند بیش از این هم هزینه کنند دفاع از نظام مقدس جمهوری اسلامی، تمامیت کشور، دفاع از ناموس بوده است و همین موجب شد شهدای بلند مرتبه، جانبازان، آزادگان، و ایثار گرانس عزیز و محترم بمانند، اسوه آیندگان قرار بگیرند.

(۳)- فرماندهی مقتدایی عارف و واصل الی الله

سومین خصوصیتی که موجب قداست پیدا کردن دفاع هشت ساله شده و به آن حرمت داده است (فرماندهی امام عارف و سالک الی الله) بوده است، چراکه: فرماندهی سپاه متجاوز حزب بعث عراق را شخصی بنام صدام به عهده داشت که:

اولا: از نظر خانوادگی بی حسب و نسب است چراکه صدام حسین در سال ۱۹۳۷ در روستای العوجه تکریت در کشور عراق و در خانواده‌ای چوپان به دنیا آمد. مادرش او را صدام نام نهاد که در عربی به معنای فردی است که بسیار آسیب می رساند. پس از تولد صدام از نگهدارنش سر باز زد. صدام تا سه سالگی در خانواده دایی، خیرالله طلفاح زندگی کرد. مادرش، صبحه طلفاح المسلط بار دیگر ازدواج

کرد و صدام دارای سه برادر ناتنی شد. پس از بازگشت صدام نزد مادر، ناپدریش رفتار خشنی با او داشت و او را اذیت می‌کرد. در ده سالگی از تکریت فرار کرده و به بغداد رفت تا با عمویش که یک سنی متعصب بود زندگی کند. بستگان تکریتی وی که اکثراً چوپان بودند، بعدها تأثیرگذارترین و پرنفوذترین مشاوران و حامیان او شدند. بنابر اظهارات خود صدام، او چیزهای زیادی از عمویش یادگرفت. او با راهنمایی عمویش به یک دبیرستان ملی‌گرا رفت. در سال ۱۳۳۶ (۱۹۵۷ میلادی) و در ۲۰ سالگی به حزب انقلابی و پان‌عربی بعث که عمویش هم از طرفداران آن بود پیوست.

ثانیا: به دلیل احساس حقارت و کمبود شخصیت آنچنان خوی حیوانی و سفاک پیدا کرده بود که پس از آنکه در سال ۱۹۵۷ میلادی به حزب بعث عربی سوسیالیست پیوست. دیکتاتور معدوم عراق در سال ۱۹۶۸ در کودتایی که منجر به قدرت یافتن حزب بعث و ریاست این حزب بر عراق شد، شرکت کرد و به یک حریف قدرتمند در دوران احمد حسن البکر رئیس‌جمهور اسبق عراق تبدیل شد.

وی در سال ۱۹۶۹ به عنوان معاون رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق منصوب شد. صدام در ژوئیه ۱۹۷۹ در پی استعفای احمد حسن البکر به دلیل بیماری، رسماً به عنوان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و دبیرکل حزب بعث و رئیس شورای فرماندهی انقلاب و فرمانده عالی نیروهای مسلح عراق انتخاب شد. وی پس از به قدرت رسیدن در عراق، عملیات پاکسازی حزب بعث را آغاز کرد و ۲۳ مسئول ارشد این حزب را اعدام کرد و از آن زمان به بعد حتی یک لحظه هم از ترور مخالفانش کوتاه نیامد. سفاک و جانی فرماندهی سپاه عراق را به عهده داشت که اسمش مردم عراق را به وحشت می‌انداخت و جرئت مخالفت با او را نداشتند و به همین دلیل حضور مردم عراق در طول جنگ بیشتر از ایران بود، ولی در مقابل فرماندهی کل قوای سپاه ایران اسلامی پیر مرشد هشتاد ساله ای چون امام خمینی رضوان الله علیه به عهده داشت که از نظر سطح دانش فقیه جامع الشرایط و فیلسوف بی بدیلی بوده است که صدها مجتهد جامع الشرایط چون رهبر معظم انقلاب از کلاس درسش برخاستند و در عرفان عملی هم آنچنان وصل به عالم قدس بود که حقایق پنهان از عالم سیاست را می‌دید و پیش‌بینی می‌کرد از همین رو رزمندگان اطاعت از معظم له را اطاعت از حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء می‌دانستند و همه از سر عشق در جبهه‌ها حضور می‌یافتند و جانبازی و فداکاری می‌کردند از همین رو برخلاف همه جنگ‌های متداول جهان که حضور در جنگ اجباری است، ولی در دفاع مقدس نه

اجباری وجود داشت و نه فتوای به جهاد داده شد، بلکه سخنان پیر عارف جماران بود که دل ها را از جا می کند و جوانان خوش نفس را تا مرز شهادت پیش می برد و همین موجب قداست و حرمت پیدا کردن دفاع هشت ساله شد.

۴- ژنرال های بی ستاره جوان فرمانده لشکر و تیپ

چهارمین خصوصیت بی نظیر و استثنایی دفاع مقدس، فرماندهی لشکر و تیپ به عهده (ژنرال های بی ستاره جوانان) بوده است، که انچنان با نیروهای تحت فرمانشان بی شکل بودند عنوانی جز برادر و یا حاجی با خود نداشتند، عظمت و قداست این خصوصیت زمانی قابل فهم است که دونکته به درستی توضیح داده شود:

نکته اول: تیپ به مجموع هزار تا پنج هزار پانصد نفر، و لشکر به تشکیل یافته از چند تیپ که تعدادش ده هزار تایست و پنج هزار نفر است که فرمانده تیپ و لشکر را فرماندهی با درجه ستاره دار سرتیب تمام و یا سرلشکر از نظر اصول نظامی بایست عهده دار شود.

نکته دوم : کسی وارد ارتش می شود اگر بخواهد مراتب درجه داری نظام را طی کند چون طی کردن از درجه پایین تر و رسیدن به درجه بالاتر بین دو تا چهار سال طول می کشد شخص وقتی به باز نشستگی و به سن در حدود پنجاه سالگی می رسد به سرهنگ تمامی مفتخر می گردد مگر آنکه افتخارات تحصیلات و کار نامه های دیگری داشته باشد تا به صورت اعطایی به درجه ستاره داری چون سرتیپی، و سر لشکری و بالاتر مفتخر شود.

آنچه که دفاع مقدس را تبدیل به یک فرهنگ نموده این است فرماندهی تیپ و لشکر را جوانانی از نوزده تا بیست و هشت سال به عهده داشتند که هیچ یک سابقه نظامی نداشتند بلکه دانشجو، خبرنگار، کارمند، کارگر و معلم بودند به عنوان نیروی مردمی در جبهه حضور یافتند و از دل جبهه به صورت تجربی و خلاقیت شخصی اصول و فن نظامی را آموخته و استعداد ها خود را که ژنرال های چند ستاره نظامی پس از سی سال تجربه و آموزش نشان می دهند آنان در بین یک سال یا دو سال نشان دادند و قابلیت فرماندهی را به اثبات می رساندند و با عنوان معنا دار برادر در سمت فرماندهی لشکر و تیپ قرار می گرفتند، از همین رو فرماندهان نیروهای مردمی برادرانی چون محسن

رضایی ۲۷ سال، شمشانی ۲۵ سال رحیم صفوی، ۲۷ سال، شهید حسن باقری ۲۵ سال، خرازی، ۲۳ سال، شهید همت ۲۵ سال، باکری ۲۶ سال، متوسلیان ۲۷ سال، شهید زین الدین ۲۱ سال، قالی باف ۱۹ سال، شهید سلیمانی ۲۴ سال، سلامی ۲۰ سال، کشکولی ۲۵ سال، جعفری ۲۳ سال، مرتضی قربانی ۲۳ سال، بروجردی ۲۶ سال، قانی ۲۳ سال، فدوی ۱۹ سال، مصطفی ایزدی ۲۴ سال، که درکنار فرماندهان رشید ارتش جمهوری اسلامی بزرگترین عملیات چون کربلای ۵، طریق القدس، بیت المقدس را فرماندهی نمودند و این تجربه موفق نشان داد که اگر باور به استعداد و خلاقیت جوانان وجود داشته باشد آنان می توانند بی نام و نشان و بدون هیچ ستاره و درجه و مرتبه ای بزرگ ترین افتخار برای کشور و نظام خلق نمایند، همانگونه که در دفاع مقدس خلق نمودند.

(۵)- روحانیت عمامه بر سر لباس رزم برتن نقش آفرینان دفاع مقدس

پنجمین خصوصیت دفاع مقدس نقش آفرینی روحانیت با (عمامه ای بر سر و لباس رزم برتن) بوده است، روحانیت در دفاع مقدس با پوشیدن لباس رزم در خط مقدم و رویارویی مستقیم با دشمن حضور می یافت با عرضه همه داشته دینی که در حوزه آموخته بود رزمنده را سرمست از عشق و معرفت به حضرت حق می کرد و روحیه مضاعف به آنان می داد، و با برگشت از جبهه و عرضه آنچه که از ایثار و اخلاص رزمندگان به مردم آنان را بسیج در حمایت و پشتیبانی از رزمندگان می نمود، تلاش بی وقفه ای که در چنین گستردگی برای تاریخ تشیع و روحانیت سابقه نداشته است از همین رو شهدای روحانی در دفاع مقدس سه هزار ۵۰۱ شش برابر نسبت به کل شهداء از سایر طبقات و نهاد ها بوده است.

(۶)- یک شکلی و بی ریایی و اوج اخلاص در دفاع مقدس

ششمین خصوصیت ویژه ای که دفاع هشت ساله ایران مقابل تجاوز ارتش بعث عراق را مقدس کرد (یک شکلی و اوج تواضع و اخلاص) در بین رزمندگان به ویژه فرماندهان بود، چرا که درجه و مرتبه ای در میان نبود و آنچنان واژه قشنگ و زیبایی برادر جزء فرهنگ همه شده بود و همه رای ک شکل و یک رنگ کرده بود و هرگونه تکبر، خود برتری پس زده شده بود جز تواضع و فروتنی در بین آنان

دیده نمی شد، شهید سردار سلیمانی روایت می کند که: (شهید باکری فرمانده لشکر به تعویض روغنی لشکر مراجعه می کند رزمنده ای که می بایست این کار را انجام دهد مشغول شستن لباسش بوده است می گوید من دارم لباسم را می شویم، شهید باکری می گوید مشکلی نیست من لباسم را می شویم و شما روغن را عوض کن او می پذیرد بعد متوجه می شود که این آقا فرمانده لشکر بوده است که لباسش را شسته است) .

این روحیه از فرماندهان به افراد تیب ولشکر سرریز می شد و همه را یک دست به سمت نورانیت وصفای باطن پیش می برد.

(۷)- عقلانیت و تدبیر قاعده واصل حاکم بر تصمیم گیری

هفتمین خصوصیت دفاع مقدس که آن را تبدیل به فرهنگ نمود (عقلانیت و تدبیر) به عنوان قاعده و اصل حاکم بر تمام تصمیم گیری ها بود، چرا که در این هشت سال (۵۶ عملیات) بزرگ و کوچک انجام گرفت و در تمام این طرح های عملیاتی میزان و اصل برآن بوده است که با کمترین تلفات انسانی و خسارت نظامی موفق ترین عملیات حاصل شود، از همین رو در طراحی عملیات همه محاسبات و همه احتمالات از نظر نظامی در نظر گرفته می شد و با خرد جمعی فرماندهان هوایی، زمینی، سپاه و ارتش البته باتوکل به خدا و توسل به اهل بیت علیهم السلام اتخاذ تصمیم می شد و با اعلان رمز عملیات که با نام اسماء الهی و و ذوات مقدس اهل بیت علیهم السلام بود تهاجم به دشمن آغاز می شد، و حتی پذیرفتن قطعنامه از جانب حضرت امام خمینی رضوان الله علیه با مطالعه دقیق و محاسبه دقیق این عارف حکیم انجام گرفت که دشمن را در یک محاسبه غلط قرار داد که صدام مرتکب اشتباه دیگری بعد از اشتباه حمله به ایران شد و به کویت که از جمله حامیان مالی وی در هشت سال جنگ بود حمله کرد و همین موجب شد که تا توسط حامیان آمریکایی و اروپایی خودش ساقط شود و به دست جنایت کاران دیگر جنایت کاران دیگر به زباله دان تاریخ انداخته شود.

(۸)- اقتدار ملت در اوج مظلومیت و تنهایی

هشتمین خصوصیتی که دفاع مقدس هشت ساله را به فرهنگ تبدیل کرد و فراتر از زمان و مکان قرار داد (اقتدار در اوج مظلومیت) بوده است، چراکه:

اولاً: از نظر تامین هزینه مادی و مالی چهار کشور عربی حوزه خلیج فارس مهمترین تامین کننده کشور متجاوز عراق در جنگ هشت ساله بودند

ثانیا: از نظر لجستگي و تامین تسلیحاتی کشورهای، چین، روسیه، آلمان، فرانسه، آمریکا باهم به رقابت برخاسته بودند و در مدت هشت سال جنگ آنچنان کشور متجاوز عراق را پشتیبانی می کردند. بطوری که عراق با این سلاح های مدرن توانست نیروهای زمینی ارتش خود را از ۲۷ لشکر در سال ۶۵ به ۵۰ لشکر در سال ۶۸ افزایش دهد، علاوه بر آمریکا، برزیل، انگلیس و آرژانتین که در صنعت نظامی تقریباً پیشرفته بودند تسلیحاتی را در اختیار عراق قرار می دادند. ایتالیا و بلژیک با ارسال موشک های پیشرفته ضد زره و کمک به عراق در ساخت توپخانه دوربرد و بخش های دیگر ارتش این کشور از جمله حامیان عراق بودند. فرانسه نیز ۷/۴ میلیارد کمک مالی در اختیار رژیم بغداد قرار داد و همچنین به منظور تجهیز صدام هواپیماهای سوپر استاندارد و موشک های لیزری که از آخرین دستاوردهای صنعت نظامی فرانسه بود در اختیار ارتش عراق قرار گرفت.

آلمان نیز از دیگر کشورهایی بود که با ارسال مواد شیمیایی به یاری صدام شتافت به طوری که عراق را قادر ساخت تا ۶۰۰۰ تن بمب شیمیایی علیه ایران به کار گیرد بین شوروی نیز همچون آمریکا انواع کمک های تسلیحاتی، نظامی و مالی به صدام را جزو برنامه های خود قرارداد

در طول جنگ، صدام با دریافت بیش از ۶۰ میلیارد دلار از رژیم های غربی، نیازهای مالی اقتصاد وابسته خود را تامین می کرد. آمریکا در کنار کشورهای دیگر علاوه بر تجهیز عراق، با کارشکنی تلاش هایی را در جهت محکومیت ایران در سازمان های بین المللی و تلاش می کرد فریاد مظلومانه ملت ایران توسط مسؤولان سیاسی ایران به گوش کشور های دیگر نرسد، و این همه حمایت های مالی، تسلیحاتی، سیاسی دول غرب و شرق از دولت جنایت کار عراق در حالی انجام می گرفت که حاضر به فروختن سیم خاردار به ایران نمی شدند.

درچنین شرایط سخت تنگنای مالی و تسلیحاتی کشور ایران مظلومانه و تنها ی تنها در برابر بیش از ۸۵ کشور حمایت کننده کشور متجاوز عراق با هدایت قائد عظیم الشان خویش حضرت امام خمینی رضوان الله علیه تصمیم خودش را گرفت و با اتکاء به توانایی داخلی و اتکال بر قدرت لایزال الهی با اقتدار حاضر به عقب نشینی و معامله با دشمن به قیمت یک وجب از خاک پاک کشورش نشد بلکه جوانمردانه به پای تصمیم خود تا آخر ایستاد و مقاومت کرد.

(۹)-مردمی بودن دفاع مقدس

نهمین خصوصیتی که دفاع مقدس را مقدس و تبدیل به فرهنگ و مکتب درس آموز برای آیندگان و مدلی برای دفاع از تمامیت کشورها قرارداد (مردمی بودن دفاع مقدس) بوده است، چرا که تجاوز حزب بعث و عفری عراق در موقعیت و شرایطی انجام گرفته بود، ارتش که وظیفه و رسالتش دفاع از تمامیت ارضی کشور بود به دلیل انقلاب اسلامی از هم پاشیده شده بود، انسجام و آمادگی لازم برای دفاع همه جانبه نداشت، سپاه پاسداران نیز ارگان نظامی تازه تاسیسی بود که نیروی لازم در اختیار نداشت، تنها راهکار برای دفاع از تمامیت ارضی کشور و انقلاب تازه به بار نشسته، مردمی و همگانی شدن دفاع مقدس بوده است، که فقط با فراخوانی از طریق مساجد و حسینیه ها جذب نیروی داود طلب و عاشق شهادت که پدر و مادر و همسران رزمنده لباس رزم را برتن آنان می کردند آماده جهاد می نمودند، می توانست مانع پیشروی دشمن متجاوز شود.

از همین رو به سرعت سپاه پاسداران عهده دار جذب نیروی مردمی و آموزش کوتاه مدت در چگونگی استفاده از سلاح سبک و سنگین شد و توانست با این نیروی مردمی سد عظیم و ناگسستنی لشکرها و تیب هایی به وجود آورد و هشت سال در برابر دشمن متجاوز که ۸۵ کشور جهان از آن پشتیبای مالی و لجستکی می نمودند در ۵۶ عملیات بزرگ و کوچک به همراه ارتش غیور و دلاور بایستد و او را وادار به شکست خفت بار نماید.

(۱۰)-عطر معنویت تا وصل به عالم قدس

دهمین خصوصیتی که دفاع مقدس را فراتر از زمان و مکان و تکرار عاشورای سید الشهداء علیه

السلام قرار داده است) وصل شدن رزمندگان به عالم قدس(بوده است، چرا که توفیق تشرف به پوشش لباس رزمندگی میسر نمی شد مگر آنکه شخص رزمنده از هرگونه تعین، وابستگی دنیوی رها و سبکبال شده باشد، و چون رزمنده تحت فرماندهی فرمانده تیب و لشکری قرار می گرفت که وی خود ازهمین جنس و در اوج معنویت قرار داشت فرمانده و رزمنده مجاهد در کانال سلوک معنوی قرار می گرفتند که وصل شدن به عالم قدس بود که یکی از این دو سرنوشت ملکوتی و آسمانی برای آنان رقم می خورد: گروهی مصداق(مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ) شده و به لقاءالله و فیض شهادت می رسیدند و گروه دیگر مصداق «وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا:احزاب آیه ۲۳» می شدند و به مقام پر افتخار جانبازی، آزاده، یا ایثارگری نایل می گردیدند. تا سند زنده باقی بمانند پیام رسان شهدای هشت سال دفاع مقدس باشند، و این است که همه ما را و می دارد هرساله در مقام تجلیل از هشت سال دفاع مقدس برآییم و با بازخوانی آن به زوایای پنهان و پیدای درس آموز این سند افتخار امت اسلامی و این گنج معنوی دست یابیم و الگوی رفتار عملی خود قرار دهیم.

ادوار مختلف جنگ تحمیلی

دوره اول جنگ از شروع جنگ تحمیلی تا آزادی خرمشهر و دوره دوم آن را آزادی خرمشهر تا پایان جنگ می باشد.

این دو دوره به 6 مقطع (2 مقطع به دوره اول و 4 مقطع مربوط به دوره دوم) تقسیم شده است. دوره اول: دشمن پس از یک ارزیابی غلط از اوضاع ایران اسلامی و عدم شناخت از پشتوانه های مردمی انقلاب، با یک زمینه سازی وسیع اقدام به تهاجمی همه جانبه کرد و تا اندازه ای توانست در خاک ایران اسلامی نفوذ کند؛ اما با حضور نیروهای مدافع انقلاب، دشمن زمین گیر شد و پس از یک تحول سیاسی و نظامی و با برکناری عناصر غیرمومن به انقلاب، امکان حضور نیروهای مردمی در جبهه ها فراهم گردید. با این برتری نظامی، ابتکار هکل در دست نیروهای خودی قرار گرفت و طی یک سلسله عملیات، خرمشهر آزاد شد.

دوره دوم جنگ در حالی آغاز شد که دشمنان در جستجوی راههایی جهت مهار قدرت رزمندگان اسلام بودند. لذا این دوره شاهد حضور فعالیت قدرتهای خارجی در صحنه مستقیم نبرد و تلاشهای بی حد و حصر اقتصادی و سیاسی برای مهار نظامی ایران است. این امر در حالی صورت پذیرفت که دشمن منفعلانه با یک تغییر استراتژی شتابزده، شعار صلح خواهی را محور ادعاهای خویش قرارداده و عمده نیروهایش به پشت مرزهای بین المللی رانده شده بود.

الف - دوره اول

1-مقطع اول: آغاز حملات عراق

در 31 شهریور سال 1359 نیروهای عراق با آمادگی قبلی و زمینه سازی مناسب، حمله به مرزهای ایران را در طول نوار مرزی از آبادان تا قصر شیرین آغاز کردند. همزمان با این حمله، هواپیماهای دشمن بسیاری از مراکز نظامی و استراتژیک و فرودگاههای ایران و نیز 19 شهر را مورد بمباران قرار دادند. اهداف اصلی عراق در این تهاجم عبارت بودند از:

-حاکمیت بر اروندرود و بازپس گیری سه جزیره ایرانی خلیج فارس به منظور جبران قرارداد 1975

الجزایر .

-جدا سازی استان خوزستان و الحاق آن به عراق و یا استقلال آن به نام عربستان.

-تضعیف جمهوری نوپای اسلامی تا مرز سقوط

به منظور دستیابی به این اهداف عراق یک استراتژی جنگ سریع (سه روزه) را طراحی کرد با این تصور که نیرویی که توانایی مقابله با ارتش آن کشور را داشته باشد وجود ندارد.

عراق با انتخاب مناطق جغرافیایی و تقسیم آنها بین یگانهای رزمی، این استراتژی را در پناه یک جو تبلیغاتی شدید و دیپلماسی پرتحرک و نیز با در اختیار داشتن ستون پنجم، در حالی که پاسگاههای مرزی تاب مقاومت در برابر تهاجم دشمن را نداشتند، هجوم خود را آغاز کرد و به دلیل عدم آمادگی نیروهای ایرانی به راحتی وارد خاک جمهوری اسلامی شد. بدین ترتیب ارتش عراق طی 48 ساعت به نزدیکی شهرهای مرزی رسید. لیکن آنچه مورد ارزیابی و توجه دشمن قرار نگرفته بود میزان فداکاری مردم و مقاومت عناصر بومی بود. بدین شکل استراتژی جنگ سریع به شکست انجامید.

در این میان، به دلیل حضور نیروهای لیبرال در راس امور، از جمله وجود بنی صدر به عنوان ریاست جمهوری تحریمی داخلی علیه مدافعان انقلاب، صورت گرفت و با شهادت فرماندهان محلی و جوانان در شهرها، عراق موفق به تصرف بسیاری از شهرهای مرزی و سرانجام خرمشهر گردید. به این ترتیب گرچه عراق نتوانست به اهداف اولیه خویش دست یابد، لیکن قسمتهایی از خاک ایران را تصرف کرد. در این مرحله، عراق موضع سیاسی خود را تغییر داد و در تمامی مناطق اشغال شده اقدام به پدافند نمود و به ایران پیشنهاد آتش بس و مذاکره نمود. ایران هرگونه پذیرش آتش بس را، پیش از خروج نیروهای عراق رد کرد.

پس از پاسخ ایران، عراق تلاش کرد خطوط پدافندی خود را اصلاح نموده و برای یک جنگ دراز مدت، نقاط مناسب و حساس استراتژیک را به دست آورد. لذا همچنان به فشار خود به منظور تصرف آبادان و اهواز ادامه داد اما با مقاومت عناصر پراکنده محلی و مردمی که بدون سازمان خود را به جبهه رسانده بودند روبرو و متوقف شد. در این زمان عملاً فرصتی مناسب برای رزمندگان ایران فراهم شد تا به سازماندی و تقویت خود بپردازند.

در طی این فرصت ، ایران دست به انجام چندین عملیات محدود منظم زد .لیکن توفیق چندانی نیافت . ولی برخی عملیات محدود ایذائی که به صورت مشترک توسط یگانهای ارتش و سپاه و نیروهای مردمی انجامشد از موفقیت بیشتری برخوردار گردید .

امام خمینی (ره) با توجه به موضع منفی بنی صدر در قبال پیروزیهای رزمندگان ارتش اسلام در تاریخ 1360/3/21 وی را از فرماندهی نیروهای مسلح عزل و بلافاصله مجلس ، عدم کفایت وی را تصویب کرد. بدین ترتیب مقطع دوم جنگ آغاز شد .

2-مقطع دوم : دفع تجاوز عراق

با عزل بنی صدر، شرایط در جبهه های نبرد متحول گردید، به گونه ای که عملیات نسبتا بزرگی ، در همان شب عزل وی در جبهه های جنوب با رمز فرماندهی کل قوا خمینی روح خدا انجام گرفت که به پیروزی منجر شد. این پیروزی سرآغاز طراحی عملیاتهایی مشترک ارتش و سپاه با پشتیبانی نیروهای مردمی گردید. از طرف دیگر آمریکا با از دست دادن مهره موثر خود یعنی بنی صدر، گروههای سیاسی مخالف انقلاب را وادار کرد که علیه نظام اسلامی ایران وارد جنگ مسلحانه شوند. این حرکت نیروهای مخالف که به طور عمده در دانشگاه تهران تجلی یافته بود منجر به صدور فرمان انقلاب فرهنگی در دانشگاهها از سوی امام(رض) گردید؛ و با خلع بنی صدر، و انتخاب شهیدان رجایی و باهنر ایران از نظر سیاسی یکپارچه گردید .

تحت چنین شرایطی ، استکبار جهانی دستور حذف رهبران سیاسی مکتبی ایران را صادر کرد؛ و پس از آن بود که مردم جهان شاهد ترور بهترین یاران وفادار امام(رض) شدند؛ اما این شهادتها منجر به استقامت هر چه بیشتر اقشار مختلف مردم و نیز رسوا گشتن چهره منافقین و لیبرایها گردید . تنها پس از گذشت یک ماه از شهادت شهیدان رجایی و باهنر، بزرگترین عملیات مشترک ارتش و سپاه تحت عنوان ثامن الائمه آغاز شد. پیروزیهای پی در پی منجر به تقویت روح وحدت ملی در کشور گردید و عملا حضور ضد انقلاب در ایجاد درگیریها کاهش یافت و در پی آن ثبات ساختار سیاسی و اقتصادی جلوه گر شد. در این اثنا رزمندگان اسلام به طراحی عملیات بزرگ دیگری در اولین شب سال 1361 با نام فتح المبین دست زدند. متعاقب این عملیات اولین گردانهای تانک ،

توپخانه و پدافند هوایی و مهندسی از غنائم به دست آمده شکل گرفت.

عراق در پی شکستهای متوالی، داعیه صلح خواهی و آتش بس را سرداد در حالیکه منتظر حرکت رزمندگان در یک تهاجم بزرگ برای فتح خرمشهر بود. سپاهیان اسلام با یک تدبیر ماهرانه و توکل بر خدا از چند محور کارون و جاده اهواز - خرمشهر عملیات خود را طی سه مرحله آغاز و سرانجام در سوم خرداد سال 1361 وارد خرمشهر شدند. حرکت رزمندگان در این منطقه منجر به پاکسازی کامل مناطق جنوبی از نیروهای عراقی گردید.

بدین ترتیب با فتح خرمشهر دوره دوم جنگ که در طی آن آمریکا به صورت مستقیم وارد صحنه نبرد گردید، آغاز شد.

ب : دوره دوم

1-مقطع اول : تعقیب و تنبیه متجاوز

دوره اول جنگ، در حالی پایان پذیرفت که اغلب ضعفهای ناشی از بحران انقلاب در یک بسیج مردمی برطرف گردید، و ساختار نظامی ایران شکل خود را به خوبی بازیافت.

دشمن که توانایی انقلاب اسلامی را درک کرده بود در پی چاره ای

برای گریز از این مهلکه بود؛ لذا رئیس جمهور عراق دو هفته پس از بازپس گیری خرمشهر توسط رزمندگان اسلام به کلیه نیروهای خود دستور عقب نشینی به مرزهای بین المللی را داد، و در همین حال به دعوت از مجامع بین المللی پرداخت در حالی که هدف اصلی، تقویت بنیه نظامی ارتش عراق بود.

در همین راستا، اسرائیل به تهاجمی همه جانبه به منظور تصرف لبنان دست زد.

این اقدام همزمان با طرح سه شرط اساسی ایران به منظور خاتمه دادن به جنگ بود. این شرایط عبارت بودند از: خروج نیروهای اشغالگر، تعیین و تنبیه متجاوز و پرداخت غرامت.

در بین شرایط بالا، تنبیه متجاوز شرطی بود که استکبار حاضر به پذیرش آن نبود.

به همین منظور با طرح مساله حمله اسرائیل، عراق شعار صلح خواهی را با شعار اتحاد علیه اسرائیل در هم آمیخت و تلاش کرد ایران را در مقابل کشورهای اسلامی قرار دهد و با استفاده از این فرصت

به تحکیم مواضع خود پردازد. در این میان نیروهای ایرانی از طریق مرز سوریه سعی کردند به تجاوز اسرائیل پاسخی دندان شکن دهند. امام خمینی (ره) با هوشیاری تمام و طرح شعار (راه قدس از کربلا می گذرد) توجه نیروهای رزمنده را به جبهه های داخلی معطوف گرداند.

به همین منظور عملیات رمضان، در سال 1361 طراحی شد تا هدف تنبیه متجاوز به صورت عملی جلوه گر شود. اگر چه این عملیات دستاورد مهم نظامی در پی نداشت، لیکن عزم راسخ مردم ایران را متجلی نمود.

در این مقطع از جنگ، تلاش عراق تنها معطوف به ایجاد استحکامات در مرزها و آمادگی مقابله با نیروهای ایرانی بود.

هر چند در طی این مدت عملیتهای پراکنده کوچک و بزرگی صورت گرفت، اما هیچ یک جای پای بزرگی برای نیروهای ایرانی نگشود. ناگفته نماند که در این مقطع عناصر جاسوسی دشمن و تجهیزات ماهواره ای استکبار جهانی یکی از عوامل موثر بود، به همین جهت فرماندهی جنگ تصمیم گرفت به طراحی عملیاتی دست نزند که از دید دستگاههای جاسوسی دشمن پنهان بماند. نتیجه چنین عملیاتی تصرف جزایر مجنون بود که می توان پس از فتح خرمشهر آن را بزرگترین دستاورد سیاسی، اقتصادی و نظامی دانست. پس از این عملیات و اتمام ماموریت، نیروهای ایرانی از منطقه خارج شدند و تا فاصله زمانی یکسال عملیات بزرگی اجرا نشد.

در اواخر سال 1363 عملیات بدر به وقوع پیوست و پس از این عملیات نیروهای ایران تهاجمات ایدایی و پراکنده بسیاری انجام دادند که منجر به اشتغال دشمن از یک سو و فراهم کردن زمینه به منظور طراحی عملیات بزرگ بعدی گردید.

عملیات والفجر 8 که در 1364/11/20 صورت گرفت، تصرف بندر فاو عراق را در پی داشت و منجر به ایجاد مرز زمینی ایران و کویت شد. این ضربه آن چنان هولناک بود که عراق با تمام استعداد زرهی و هوایی خود طی 70 روز تلاش کرد بخشهای تصرف شده را باز پس گیرد، لیکن به دلیل اهمیت استراتژیک این منطقه علی رغم حمایتهای بین المللی اعم از ارائه سلاحهای شیمیایی و هواپیماهای پیشرفته، کاری از پیش نبرد. بدین ترتیب دستور العمل تهاجم دوباره، تحت عنوان دفاع

متحرک برای ارتش عراق صادر گردید.

2-مقطع دوم : رویارویی دوباره عراق

در مقطع اول از دوره دوم عراق در مقابل عملیات والفجر 8 و تصرف فاو به زانو در آمد و در بازپس گیری این منطقه نیز با شکست مواجه گردید.

از آنجا که نیروهای بسیج ایرانی در پایان ماموریت‌های عملیاتی 3 ماهه از یگانها جدا می شدند، عراق در چند جبهه و در ظرف مدت کمتر از سه ماه به بیش از 11 نقطه ، از مرزهای ایران حمله کرد و توانست در 26 اردیبهشت 1365 شهر مهران را تصرف کند. رزمندگان اسلام با شایستگی به تمام حملات دشمن پاسخ گفتند و با انجام عملیات متعدد مهران و حاج عمران را باز پس گرفتند. در زمستان همان سال نیروهای ایرانی عملیات بزرگ دیگری را طراحی کرده به مورد اجرا گذاشتند. عملیاتهای کربلای 3 و 4 و بلافاصله کربلای 5 آغاز گردید و شلمچه که بزرگترین دژ دفاعی عراق بود توسط ایرانیان تسخیر شد. متعاقب آنها عملیاتهای کربلای 8، نصر 4 و 7 صورت گرفت که منجر به تقویت شهر ماووت عراق گردید تا جایی که در تیر ماه 1366 قطعنامه 598 تصویب و بلافاصله پس از آن نیروهای بیگانه رسماً وارد خلیج فارس شدند. این اقدامات و فشارهای اقتصادی شدید، بمباران شدید شهرها و حتی فاجعه شکستن حریم امن مکه مکرمه ، هیچ کدام خللی در روند برنامه ها ایجاد نکرد و سرانجام در اواخر سال 1366، حلبچه نیز فتح شد.

امام خمینی (ره) در پیامی به همین مناسبت چنین فرمودند:

امروز روز حضور در حجله شهادت و میدان نبرد است . روز نشاط عاشقان خداست . روز جشن و سرور عارفان الهی است . امروز روز نغمه سرایی فرشتگان در ستایش انسانهای مجاهد ماست ... امروز باید لباس محبت دنیا را از تن بیرون نمود و زره مقدس جهاد و مقاومت پوشید و در افق طلیعه فجر تا ظهور شمس به پیش تاخت و ضامن بقای خون شهیدان بود، فرزندانم ! دشمن در بمباران شیمیایی مناطق مسکونی نهایت قساوت و درندگی خود را نشان داده است و با حمله شیمیایی به مردم بی دفاع عراق حتی پایه های حمایت حامیان خود را نیز سست کرده است . به سوی جبهه ها هجوم

برید تا ضربات پی در پی شما قرار و امان او را بگیرد که انشاء الله پیروز خواهید شد .)

3-مقطع سوم : تهاجم دوباره سراسری عراق

مقطع دوم ، از دوره دوم ، حدود یکسال و نیم به طول انجامید، در طی این مدت تهاجمات زمینی دشمن ، به شدت سرکوب شد، و علی رغم تمامی فشارهای اقتصادی و سیاسی و نیز بمباران شهرها، ایران از مواضع خود عقب نشینی نکرد.

عراق با استفاده از تبعات ، پیروزی در فاو، شلمچه و پس از 10 روز شهر ماووت را متصرف شد و در ادامه این تهاجمات با کمک منافقین شهر مهران و در فاصله چند روز جزایر مجنون را اشغال کرد و پس از گذشت زمانی اندک به مرز دهلران رسید.

این تهاجمات در حالی صورت پذیرفت که کشتیهای آمریکایی در خلیج فارس به سکوهای نفتی ایران حمله کرده و راه را بر کشتیهای غیر نظامی ایران بسته بودند. در این بین ، یک فروند هواپیمای مسافربری توسط ناوگان آمریکایی در خلیج فارس سرنگون گشت و کلیه مسافران و خدمه آن مظلومانه به شهادت رسیدند. با توجه به فشارهای شدید نظامی ، سیاسی و اقتصادی در تاریخ 1367/4/27 جمهوری اسلامی ایران قطعنامه 598 را مشروط به تنبیه و توبیخ متجاوز پذیرفت. با این اقدام غیر منتظره ایران ، تمام اهرمهای فشار بین المللی و محاصره های اقتصادی و سیاسی در تردید واقع گردیدند. قوای نظامی عراق که احساس قدرت مطلق می نمود ابزار خود (قطعنامه) را رود در روی خویش دید، لیکن به تهاجم خود ادامه داد، چرا که تصور می کرد خواهد توانست اهدافی را که در آغاز جنگ به دست نیاورده است به چنگ آورد، بنابراین دگرباره وارد سرزمین مقدس ایران اسلامی شد. بدین ترتیب مقطع چهارم پدیدار گردید.

4-مقطع چهارم : دفع دوباره تهاجم عراق

آخرین مقطع جنگ در موقعیتی شکل گرفت که تمامی شرایط علیه ایران بود.

فشارهای شدید اقتصادی ، تهاجم گسترده ناوهای آمریکایی موشکباران و بمباران شهرهای ایران ، حضور فعال منافقین در همراهی با دشمن ، و بسیاری موانع عظیم دیگر باعث گردید تا عراق به حملات پیاپی خود بيفزايد.

عراق در روزهای 30 و 31 مرداد 1367 حمله خود را به منظور تصرف اهواز و خرمشهر آغاز کرد. اما این شرایط یکی از حماسی ترین دوران دفاع مقدس را رقم زد. زیرا در همین ایام پیامامام(رض) باعث ایجاد جریانی مردمی گردید. در طی این جریان، جماعت کثیری اعم از رزمنده و غیر رزمنده به سمت جبهه ها هجوم آوردند و ظرف کمتر از چند روز نیروهای مهاجم عراقی را به آن سوی مرزها راندند.

منافقینی که در محور غرب فعالیت داشتند نیز محاصره و بکلی منهدم شدند.

عملیاتی در 1367/5/5 برای عبور از مرزهای عراق تدارک دیده

شد لیکن به فرمانامام(رض) و این که در پذیرش قطعنامه استوار هستیم، حملات مزبور متوقف شد. با حملات متهورانه نیروهای رزمنده در تاریخ 67/5/10، عراق پس از گذشت دو هفته فشار همه جانبه، قطعنامه را پذیرفت و با حضور نیروهای فعال سازمان ملل در تاریخ 67/5/29 توپخانه جنگ از آتش باز ایستاد.

این مقطع از جنگ نشان داد که ابتکار عمل در دست رزمندگان ایرانی قرار داشته و علی رغم کمبود امکانات، همچنان بر سر ارزشهای خویش استوار باقی مانده اند و این همان چیزی بود که دشمن از آن واهمه داشت.

نتیجه گیری :

تجاوز عراق به ایران که در سپتامبر 1980 آغاز شد و به مدت 8 سال ادامه یافت، طولانی ترین و بی سابقه ترین جنگ متعارف قرن حاضر به شمار می رود، چرا که جنگ جهانی اول و دوم مدتی کمتر از هشت سال ادامه یافتند، و جنگهای دیگر، مانند جنگ ویتنام شمالی و جنوبی نیز به عنوان یک جنگ متعارف همانند جنگ ایران و عراق شناخته نشده است. تاریخ از هشت سال جنگ برای ایران، شرف و آزادگی و مقاومت و ایمان به خدا را در صفحات خود ثبت کرد، اما از متجاوز و متحدان او که طی هشت سال او را یاری و تشویق کردند، جز به زشتی یاد نخواهد کرد. {روزها و رویدادها جلد 2}

نظام اسلامی وقطعنامه های سازمان ملل در مورد جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

دفاع مقدس و قطعنامه های شورای امنیت

پذیرش قطعنامه 598 شورای امنیت سازمان ملل متحد از سوی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ 27 تیرماه 1367 انعکاس ویژه ای در محافل سیاسی و خبری جهان داشت و این، هشتمین قطعنامه ای بود که شورای امنیت از ابتدای تجاوز علنی رژیم بعثی عراق به جمهوری اسلامی ایران، صادر کرده بود.

نگرشی بر قطعنامه های صادره به وضوح نزدیک شدن شورای امنیت به مواضع محکم و اصولی جمهوری اسلامی را نشان می دهد، که سرانجام پس از 8 سال دفاع مقدس، مواضع بر حق جمهوری اسلامی ایران بر جهانیان به اثبات رسید.⁽⁶²⁾

بیانیه نخست شورای امنیت

رژیم عراق در تاریخ 22 سپتامبر 1980 (31 شهریور 1359) (تجاوز آشکار و گسترده ای را علیه ایران آغاز کرد و همان روز دبیر کل سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد که مساعی خود را در جهت کمک به حل مسالمت آمیز برخورد میان دو کشور به کار بندد. روز بعد (23 سپتامبر) دبیر کل براساس ماده 99 منشور از شورای امنیت خواست که با توجه به خطر محتمل افزایش مخاصمه میان دو کشور برای صلح و امنیت جهانی فوراً تشکیل جلسه دهد. همان روز، شورای امنیت تشکیل جلسه داد و اولین موضعگیری خود را در قبال جنگ تحمیلی اعلام کرد. نتیجه جلسه شورای امنیت، بیانیه رئیس شورا بود. این برخورد با توجه به ماهیت تجاوز علنی عراق از سوی شورای امنیت، یک برخورد ضعیف بود. در اولین بیانیه شورای امنیت آمده بود:

(اعضای شورا پس از مشورت با یکدیگر عمیقاً نگران آنند که این برخورد (جنگ ایران و عراق) می تواند به طور فزاینده ای گسترش یابد، و از ایران و عراق می خواهند به عنوان اولین قدم به سوی راه حل منازعه از کلیه اقدامات مسلحانه همه اعمالی که ممکن است وضعیت خطرناک فعلی را وخیم تر کند دست بردارند و اختلافات خود را از طریق مسالمت آمیز حل نمایند. همچنین اعضای شورای امنیت از پیشنهاد کاربرد مساعی جمیله دبیر کل

حمایت می نماید).

این بیانیه با عکس العمل جدی روبرو نشد و علت اصلی این بود که عراق سرگرم کار خویش بود و جمهوری اسلامی ایران ضمن درگیری بسیار با مسائل داخلی بویژه ضد انقلاب مترصد فراهم آوردن ابتدایی ترین امکانات دفاعی از کشور و انقلاب نوپای اسلامی خود بود.

صدور قطعنامه 479

شورای امنیت پس از بیانیه 23 سپتامبر متوجه عدم کارایی آن شد و مبادرت به صدور قطعنامه 479 کرد:

این قطعنامه که در 5 بند تنظیم شده بود، آغازگر جنگ را معرفی و اعلام نکرده بود، و در آن از (تجاوز)، (تعیین متجاوز) و (تنبیه متجاوز) سخنی به میان نیامده بود و فاقد سه عنصر اساسی و اصلی مذکور بود، در صورتی که اگر شورا در نظر داشت تجاوز را احراز و متجاوز را تعیین کند، در این زمینه دستور العمل مشخص و معین) که از سوی جامعه جهانی پذیرفته شده بود) را داشت. و قطعنامه 479 بیشتر حالت (توصیه) داشت.

پس از صدور قطعنامه 479، دولت عراق طی نامه ای خطاب به دبیر کل اعلام داشت:

(موضع ما دقیقاً براساس روح قطعنامه 479 که طی جلسه شماره 2248 مورخه 28 سپتامبر 1980 (6 مهر 1359) تصویب شده است می باشد. در نتیجه ما طبقاً قطعنامه فوق الذکر شورای امنیت را می پذیریم و آمادگی و انتظار خود را برای اجرای آن در صورتی که طرف ایرانی نیز چنین کند، اعلام می داریم.)

جمهوری اسلامی ایران در اظهار نظر راجع به قطعنامه 479 اعلام داشت:

(تا زمانی که تجاوز عراق علیه جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد و نیروهای عراقی در داخل خاک ایران به اقدامات تجاوز کارانه و خرابکارانه ادامه می دهند، قطعنامه نمی تواند مورد قبول ایران واقع شود).

در نیمه دوم اکتبر 1980 شورای امنیت 5 جلسه دیگر بدون صدور قطعنامه یا بیانیه تشکیل داد. در جلسات 15 و 17 اکتبر، شهید محمد علی رجایی نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران شرکت کرد، اما این جلسات نیز نتیجه خاصی دربر نداشت. پس از صدور قطعنامه 479، شورای امنیت در سکوتی سنگین فرو رفت. این سکوت همزمان با پیشروی نیروهای

عراقی در داخل خاک ایران و تحکیم مواضع آنها در مناطق اشغالی بود. در 19 اکتبر 1980 (18 مهر 1359) عراق با موشکهای زمین به زمین به شهرهای ایران حمله کرد. مقاومت‌های مردمی در نقاط مورد هجوم و تحت اشغال بروز کرد، اما شورا همچنان در خواب سنگین خود بود. حتی عملیات ثامن الائمه که منجر به شکست محاصره آبادان شد (1360/7/5) نتوانست شورای امنیت را از سکوت بیرون آورد؛ اما عواملی به شرح ذیل موجب شکسته شدن سکوت شورای امنیت پس از 22 ماه و صدور قطعنامه 514 در 12 ژوئیه 1982 (1361/4/21) شد:

- 1 عملیات ثامن الائمه مه به شکست محاصره آبادان انجامید⁽⁶³⁾.
 - 2 عملیات طریق القدس که در 8 آذر 1360 انجام شد و بخشهای مهمی از جنوب ایران آزاد گردید⁽⁶⁴⁾.
 - 3 عملیات فتح المبین که از 1361/1/2 شروع شد و قسمتهای مهمی از خاک ایران اسلامی در مناطق غرب شوش و دزفول آزاد شد و نیروهای عراقی از منطقه رانده شدند.
 - 4 عملیات بیت المقدس که از نهم اردیبهشت 61 با برتری کامل قوای ایران شروع و با فتح و آزادسازی خرمشهر در سوم خرداد 1361 پایان پذیرفت.
- این عملیات ضربه سیاسی و روانی مهمی بر دشمنان ایران وارد کرد، زیرا تمامی تصورات آنان در مورد ناتوانی ایران در هم ریخت.
- پیروزیهای درخشان جمهوری اسلامی ایران در مناطق مختلف جنگ و نمایش قدرت نظامی ایران باعث گردید که شورای امنیت به درخواست اردن و حمایت آمریکا تشکیل جلسه دهد و در جلسه 2383 خود، قطعنامه شماره 514 را در 12 ژوئیه 1982 (1361/4/21) به اتفاق آرا تصویب کند.
- این قطعنامه علاوه بر مقدمه، در 6 بند تنظیم، که اشاره به بعضی از بندهای آن به وضوح تغییر موضع شورا نسبت به جمهوری اسلامی را نشان می دهد.
- 1 شورای امنیت خواستار آتش بس و خاتمه فوری کلیه عملیات نظامی است.
 - 2 خواستار عقب کشیدن نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی است.
 - 3 لذا از دبیر کل تقاضا می نماید که ظرف مدت 3 ماه در مورد اجرایی این قطعنامه گزارش خود را تسلیم نماید.

- 1- در این قطعنامه برای نخستین بار از برقراری آتش بس ، عقب نشینی نیروها و تشکیل نیروی پاسدار صلح و استقرار آنها سخن می رود.
- 2- در حالی که در قطعنامه 479 از دبیر کل خواسته شده بود ظرف 48 ساعت به شورای امنیت گزارش دهد، این مهلت در قطعنامه 514 سه ماه تعیین شده بود که نشان از این داشت که این باز شورای امنیت متوجه شده که مساله تجاوز عراق به ایران اسلامی به راحتی قابل حل نیست.
- 3- عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی که در بند 2 قطعنامه مطرح گردید، هنگامی مورد گفتگو قرار گرفت که قوای عراق از اکثر نقاط مهم و استراتژیک ایران بیرون رانده شده بود. به بیان دیگر زمانی صحبت از عقب نشینی نیروها به میان آمد که در مناطق جنوبی جبهه ، نیروهای ایران به مرزهای بین المللی رسیده بودند. به دلایلی که ذکر شد، قبول قطعنامه از طرف عراق و رد آن از طرف ایران قابل پیش بینی بود و این امر تحقق یافت . نهایت آن که جمهوری اسلامی ایران پس از تصویب قطعنامه 514 شورای امنیت دست به تحریم شورا زد و در جلسات آن شرکت نکرد.
- قطعنامه 522
- در فاصله قطعنامه شماره 514 تا قطعنامه بعدی (قطعنامه 522) دو عملیات عمده در جبهه های جنگ از طرف قوای ایران صورت گرفت . یکی عملیات رمضان که دو روز پس از قطعنامه 514 (یعنی در 23 تیر 61) در محور جنوب و جنوب غربی اهواز انجام شد دیگری عملیات مسلم بن عقیل که از تاریخ 61/7/9 در منطقه سومار غرب انجام پذیرفت و موجب آزادسازی مناطق زیادی از خاک ایران و نیز تسلط بر شهر مندلی عراق گردید. در نتیجه موجب نگرانی عمیق شورای امنیت شد که در نهایت منجر به صدور قطعنامه 522 (در تاریخ 4 اکتبر 1982 / 1361/7/12) گردید.
- این قطعنامه نیز مانند قطعنامه های قبلی جنبه (توصیه) داشت . با توجه به فاصله زمانی اندک بین این دو قطعنامه و با در نظر گرفتن این که در شکل ، متن و محتوا، قطعنامه 522 تفاوت چندانی با قطعنامه 514 نداشت ، و با عنایت به این که تحولات عمده و مهمی نیز در جبهه های جنگ رخ نداده بود، این نتیجه حاصل می شود که صدور قطعنامه 522 فقط پاسخی به فشار عراق و طرفدارانش در شورای امنیت بوده است ، شورا تحت تاثیر آنها

ناگزیر از صدور قطعنامه جدیدی شده که تکرار قطعنامه های پیشین بوده است . البته ، این قطعنامه نیز پذیرفته نشد. می توان گفت که اگر در میان قطعنامه های شورای امنیت قطعنامه 479 را ظالمانه ترین و غیر منصفانه ترین آنها بدانیم ، قطعنامه 522 را نیز باید کم ارزش ترین و کم اهمیت ترین آن باید به حساب آورد.

قطعنامه 540

در فاصله قطعنامه 522 تا قطعنامه 540 شش⁽⁶⁵⁾ عملیات توسط نیروهای جمهوری اسلامی ایران انجام شد که موفق ترین آنها عملیات والفجر 4 بود و شاید به همین دلیل شورا باز هم به فکر صدور قطعنامه ای دیگر افتاد و این بار قطعنامه 540 در جلسه 2493 شورا در تاریخ 31 اکتبر 1983 (1362/8/9) با 12 رای موافق ، سه رای ممتنع (پاکستان ، نیکاراگوئه و مالت) و بدون رای مخالف تصویب شد.

فاصله زمانی این قطعنامه با قطعنامه قبلی یک سال و بیست و هفت روز است و اگر بگوئیم که قطعنامه 540 بیشتر متعاقب عملیات والفجر 4 بوده ، و از آن متأثر شده است سخنی بگزار نیست . در آخرین پاراگراف بخش مقدماتی این قطعنامه شورا بررسی علل جنگ را پذیرفته بود.

هر چند این اعلام با سه اشکال عمده مواجه بود:

- 1- این مساله مهم (بررسی علل جنگ) در قسمت مقدماتی مطرح و در قسمت اجرایی برای آن مکانیسمی اختصاص داده نشده بود.
 - 2- با این که شورا پذیرفته بود که جنگی واقع شده ، اما از تجاوز و متجاوز سخنی به میان نیاورده بود.
 - 3- به مسئله ای با این اهمیت (تجاوز)، بسیار مبهم و گذرا اشاره شده بود.
- با این وجود نمی توان منکر شد که همین مقدار پیشرفت نیز چرخش مهم و امیدبخشی را در سلسله حرکات شورا پدید آورده بود.
- و قطعنامه 540 از یک جهت بی سابقه بود که در میان قطعنامه های شورای امنیت در مورد جنگ ایران و عراق به اتفاق آرا به تصویب نرسید و 3 کشور به آن رای ممتنع داده بودند. امام جمعه وقت تهران ، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در خطبه نماز جمعه تهران رد قطعنامه 540 را اعلام نمودند و توجه دادند که اصولا سیاست جمهوری اسلامی ایران در

قبال شورای امنیت تغییری نکرده است ، مگر آن که شورا سیاستهای خود را تغییر دهد .
البته عراق ضمن طرح ایرادات جزئی قطعنامه 540 را پذیرفت.
صدور قطعنامه 552

به دنبال انتساب چند حمله از طرف ایران به کشتیها در خلیج فارس ، شورای همکاری خلیج فارس در تاریخ 14 مه 1984 طی شکایتی به شورای امنیت خواستار گردید که شورا علیه اقدامات تلافی جویانه ایران و نقض حقوق کشتیرانی آزاد در خلیج فارس شدت عمل نشان دهد. لذا شورای امنیت پس از بررسی شکایت در جلسه 2546 مورخه اول ژوئن 1984 (63/3/11) با 13 رای موافق و دو رای ممتنع قطعنامه 552 را تصویب کرد.

بر این قطعنامه ایرادهای متعددی وارد بود، از جمله این که فلسفه وجودی آن به دنبال انتساب چند حمله به کشتیها، توسط جمهوری اسلامی ایران بود؛ اما این که این حملات از جانب جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته باشد، ثابت نشده بود .این در حالی بود که شورا در برابر حملاتی که عراق صراحتاً مسئولیت آنها را به عهده گرفته بود، عکس العمل مناسبی نشان نداده بود. یکی دیگر از ایرادهای وارده به قطعنامه 552 این است که از روح و مفاد قطعنامه و تصریح محکومیت حملات اخیر به کشتیهای بازرگانی در مسیر بنادر کویت و عربستان این چنین مستفاد می گردد که شکایت شورای همکاری خلیج فارس مورد تایید شورای امنیت قرار گرفته است ، لذا روشن بود که این قطعنامه نمی توانست کاملاً مورد قبول جمهوری اسلامی ایران واقع شود.

صدور قطعنامه 582

در فاصله صدور قطعنامه 540 تا قطعنامه 582 چندین عملیات دیگر توسط نیروهای ایران صورت گرفت که مهمترین آنها عملیات والفجر 8 بود که در تاریخ 64/11/20 در منطقه فاو آغاز و منجر به تصرف شهر فاو در خاک عراق و قسمتهای دیگری از منطقه مربوطه به وسعت 700 کیلومتر مربع گردید.

والفجر 8 یکی از موفق ترین عملیات های جنگی ایران بود که آثار نظامی ، سیاسی و روانی مهمی بر عراق و منطقه و حتی معادلات جهانی در قبال جنگ گذاشت . با این عملیات ارتباط دریایی مستقیم عراق با خلیج فارس قطع شد و نیروهای ایران به بصره و مرز عراق با کویت نزدیک شدند.

اثر این عملیات آن چنان بود که چند روز پس از آن ، شورای امنیت به درخواست عراق و سایر اعضای گروه هفت اتحادیه عرب⁽⁶⁶⁾ تشکیل جلسه داد.

جلسات شورا دو هفته به طول انجامید و طی آن عده ای از اعضای اتحادیه عرب و نیز دبیرکل اتحادیه (شاذلی قلیبی) در سخنرانیهای خود، ایران را متجاوز خواندند و خواستار اجرای فصل هفتم منشور در مورد جمهوری اسلامی ایران شدند. ایران در بحثهای شورا شرکت نکرد ولی نظرات خود را به طور مستقیم از طریق دبیر کل و بعضی از اعضای شورا مطرح کرد.

به هر حال قطعنامه ای که در اصل توسط گروه اتحادیه عرب پیشنهاد شده بود، با تغییراتی در عبارات و کلمات در تاریخ 24 فوریه 1986 (1364/12/5) در جلسه 2666 شورا به اتفاق آرا و به نام قطعنامه 582 تصویب گردید.
در بند چهارم این قطعنامه آمده بود:

- 4شورا درخواست دارد که مبادله اسرای جنگی ظرف مدت کوتاهی پس از توقف مخاصمات با همکاری کمیته بین المللی صلیب سرخ انجام گیرد.

برای اولین بار بود که مساله اسرای جنگی مطرح می شد و علت آن افزایش تعداد اسرای عراقی نسبت به تعداد اسرای ایرانی بود.

این قطعنامه نیز همانند قطعنامه های قبلی جنبه توصیه داشت . فاصله زمانی صدور قطعنامه 552 تا قطعنامه 582 یک سال و هشت ماه و بیست و پنج روز و تا قطعنامه 540 دو سال و 3 ماه و 26 روز است.

در خلال این مدت طولانی ، چندین عملیات نظامی از سوی ایران صورت گرفت که از آن میان عملیات خیبر و والفجر 8 نتایج چشمگیرتری داشتند. شورای امنیت به فاصله دو روز پس از شروع عملیات والفجر 8 بحث خود را در مورد جنگ عراق با ایران آغاز کرد که منجر به صدور قطعنامه 582 شد.

بدین ترتیب می توان گفت که عوامل مهم در تعیین زمان صدور قطعنامه 582 عملیات والفجر 8 و تصرف فاو به وسیله قوای ایران بوده است . جمهوری اسلامی ایران در اظهار نظر راجع به قطعنامه 582 اعلام داشت:

آن قسمت از قطعنامه که به کل موضوع جنگ و خاتمه خصومتها مربوط می شود، ناقص ، بی

اعتبار و غیر قابل اجرا است.

تا زمانی که شورا قادر نباشد به رغم اعمال نفوذ برخی از اعضای دائم که بر اتخاذ مواضع یکطرفه اصرار می ورزد مواضع عادلانه و صحیح مبتنی بر مسئولیت ادامه جنگ بر عهده شورا است.

شورا عراق را در حمله به خاک ایران محکوم نکرده است. قطعنامه به لزوم حل مسالمت آمیز اختلافات اشاره دارد، ولی از نقض همه جانبه این اصل توسط عراق در هجوم به ایران ذکری نکرده است.

در مورد کاربرد سلاح شیمیایی در قطعنامه برخورد ملایم تری از موضعگیری قبل شورا (بیانیه آوریل 1985) شده است. شوار در مورد حمله به هواپیمای مسافربری و تهدیدات امنیت هوایی و حمله به مناطق مسکونی می بایست موضعگیری محکمتری می کرد. به هر حال جمهوری اسلامی ایران امادهم است در زمینه رعایت مقررات بین المللی با دبیر کل سازمان ملل متحد همکاری نماید.

عراق اعلام داشت چنانچه دولت ایران قطعنامه 582 را رسم " و بدون قید و شرط قبول و اجرا کند، عراق نیز آماده است آن را اجرا نماید. به این ترتیب این قطعنامه نیز بی اثر ماند. صدور قطعنامه 588

مواردی که در رابطه با قطعنامه 588 می توان برشمرد به شرح زیر است:

عنوان قطعنامه چون گذشته (وضعیت ما بین ایران و عراق) است و جنبه توصیه بودن قطعنامه نیز بر جای خود می باشد. ضمن آن که از نظر حجم و تعداد کلمات به کار برده شده، این قطعنامه کوتاه ترین قطعنامه از مجموع قطعنامه های مورد مطالعه است. در پاراگرافهای اجرایی قطعنامه 588 مطلب تازه و جدیدی نیست جز آن که خواستار اجرای قطعنامه 582 شده است، درخواست دبیرکل برای شدت بخشیدن به تلاشهایش و اعلام ادامه بررسی شورا نیز تازگی ندارد. تنها در پاراگراف سوم عبارت سوم (بررسی گزارش دبیرکل و شرایط لازم برپا برقراری صلح با دوام بین دو کشور) حاوی مطلب جدیدی است.

می توان گفت که شورا با قطعنامه 588 آخرین اتمام حجت خود را برای پذیرش قطعنامه های از نوع آنچه تا زمان صادر کرده بود، انجام داده و راه را برپا تحولی اساسی و عظیم در

نگرش خود نسبت به کل موضوع جنگ همواره ساخته است.

قطعه نامه 598 نه یک شبهه به وجود آمد و نه محصول تفکری یک بعدی و یک جانبه بود. این قطعه نامه بنایی بود که برای ایجاد آن زمینه ای مناسب لازم داشت و قطعه نامه های 582 و 588 از جمله این زمینه ها بود، زیرا اولین عبارت قطعه نامه 598 اشاره به قطعه نامه 582 دارد. از این رو اهمیت قطعه نامه 588 و پیام ویژه آن به این لحاظ است و در جنبه های دیگر فاقد ارزش چندان است. قطعه نامه 588 در همان روز تصویب (8 اکتبر 1986 برابر با 1365/7/16) توسط دبیر کل به وزرای خارجه هر دو کشور ابلاغ شد.

عراق با ارسال نامه ای قطعه نامه 588 را پذیرفت و جمهوری اسلامی ایران توسط نامه ای که از سوی وزیر امور خارجه وقت دکتر علی اکبر ولایتی برای دبیر کل سازمان ملل ارسال شد، یکی از صریح ترین و مستدل ترین موضعگیری خود را در قبال قطعه نامه های شورای امنیت عموماً و قطعه نامه 588 خصوصاً اعلام کرد.

این نامه با شرح اقدامات تجاوز کارانه عراق و موضعگیریهای مقطعی و دور از حقیقت شورای امنیت تا آن روز، زمینه مناسبی ایجاد کرد تا شورای امنیت به طور جدی در موضع خود نسبت به جنگ تحمیلی تجدید نظر نماید. دبیر کل نظریات طرفین در مورد قطعه نامه 588 را به اطلاع شورای امنیت رساند.

به این ترتیب این قطعه نامه نیز سرنوشتی مشابه قطعه نامه های قبلی پیدا کرد. در فاصله صدور قطعه نامه 588 تا 598 عملیات متعددی در جبهه های جنگ صورت گرفت که مهمترین آن سلسه عملیات فتح، کربلا و نصر است. وجه مشترک اکثر این عملیات این بود که در داخل خاک عراق انجام می شد و اغلب توأم با موفقیت در رسیدن به اهداف تعیین شده بود. به این ترتیب تهدیدی بسیار فزاینده برای عراق به وجود آمده بود. بویژه با پیشروی نیروهای ایران به سوی بصره، شورای امنیت نسبت به جنگ بیشتر حساس می شد. در همین زمان نیروی هوایی عراق حملات خود را در منطقه خلیج فارس به روی تاسیسات انتقال نفت ایران و همچنین نفتکشها گسترش داد. همچنین با بهره برداری از پایگاه های برخی از کشورهای منطقه، عراق توانست به جزایر سیری و لارک حمله کند. در چنین فضایی بود که قطعه نامه 598 به عرصه ظهور رسید.

قطعه نامه 598

شورای امنیت پس از مشورت‌های فراوان و با توافقات اصولی به عمل آمده در 29 تیرماه 1366 (20 ژوئیه 1978) در جلسه شماره 2750 خود طرح قطعنامه ای را که قبلاً به روی کلمه به کلمه آن توافق شده بود به اتفاق آرا به تصویب رساند. طرح قطعنامه توسط اعضای دائم شورا تهیه و نظریات اعضای غیر دائم نیز تا حدودی ملحوظ شده بود. متن قطعنامه 598:

شورای امنیت ، با تایید مجدد قطعنامه (1986) 582 خود، با ابراز نگرانی عمیق از این که علی رغم در خواست‌هایش برای آتش بس ، منازعه بین ایران و عراق بشدت سابق با تلفات شدید انسانی و تخریب مادی ادامه دارد، با ابراز تاسف از آغاز و ادامه منازعه ، همچنین با ابراز تاسف از بمباران مراکز صرفاً مسکونی غیر نظامی ، حملات به کشتیرانی بی طرف یا هواپیماهای کشوری ، نقض قوانین بین المللی انسان دوستانه و دیگر قوانین ناظر بر درگیری مسلحانه ، بویژه کاربرد سلاح‌های شیمیایی برخلاف الزامات پروتکل 1925 ژنو، با ابراز نگرانی عمیق نسبت به احتمال تشدید و گسترش بیشتر منازعه مصمم گردید به تمامی اقدامات نظامی بین ایران و عراق خاتمه بخشد، معتقد گردید که می باید یک راه حل جامع ، عادلانه ، شرافتمندانه و پایدار بین ایران و عراق به دست آید.

با یادآوری مفاد منشور ملل متحد، بویژه تعهد همه دول عضو به حل اختلافات بین المللی خود از راه های مسالمت آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به مخاطره نیفتد، با حکم به این که در منازعه ما بین ایران و عراق زمینه صلح حاصل شده است ، با اقدام بر اساس مواد 39 و 40 منشور ملل متحد،

1- خواستار آن است که به عنوان یک قدم اولیه جهت حل و فصل (مناقشه) از راه مذاکره ، ایران و عراق یک آتش بس فوری را رعایت کرده ، به تمامی عملیات نظامی در زمین ، دریا و هوا خاتمه داده و تمامی نیروهای خود را بدون درنگ به مرزهای شناخته شده بین المللی بازگردانند.

2- از دبیر کل در خواست می کند که یک تیم ناظر ملل متحد را برای بررسی ، تایید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی نیروها اعزام نماید و همچنین از دبیر کل درخاست می نماید با مشورت طرفین درگیر، تدابیر لازم را اتخاذ نموده ، گزارش آن را به شورای امنیت ارائه نماید.

- 3مصرانه می خواهد اسرای جنگی آزاد شد و پس از قطع مخاصمات فعال کنونی ، بر اساس کنوانسیون سوم ژنو 12 اوت 1949، بدون تاخیر به کشور خود بازگردانده شوند.
 - 4از ایران و عراق می خواهد با دبیرکل در اجرای این قطعنامه و در تلاشهای میانجیگرانه برای حصول یک راه حل جامع ، عادلانه و شرافتمندانه مورد قبول دو طرف در خصوص تمام موضوعات موجود، منطبق با اصول مندرج در منشور ملل متحد، همکاری نمایند.
 - 5از تمامی کشورهای دیگر می خواهد که حداکثر خویشتنداری را مبذول دارند و از هرگونه اقدامی که می تواند منجر به تشدید و گسترش بیشتر منازعه گردد احتراز کنند و بدین ترتیب اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل نمایند.
 - 6از دبیرکل در خواست می نماید که با مشورت با ایران و عراق ، مساله تفویض اختیار به یک هیات بی طرف برای تحقیق راجع به مسئولیت منازعه را بررسی نموده و در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد.
 - 7ابعاد خسارات وارده در خلال منازعه و نیاز به تلاشهای بازسازی با کمکهای مناسب بین المللی پس از خاتمه درگیری تصدیق می گردد و در این خصوص از دبیرکل در خواست می کند که یک هیات کارشناسان را برای مطالعه موضوع بازسازی و گزارش به شورای امنیت تعیین نمایند.
 - 8همچنین از دبیرکل درخواست می کند که با مشورات با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه ، راههای افزایش امنیت و ثبات منطقه را مورد مذاقه قرار دهد.
 - 9از دبیرکل در خواست می کند که شورای امنیت را در مورد اجرای این قطعنامه مطلع نماید.
 - 10مصمم است برای بررسی اقدامات بیشتر جهت رعایت و اجرای این قطعنامه در صورت ضرورت جلسات دیگری مجددا تشکیل دهد.
- در تحلیل قطعنامه از نظر صوری در شکلی اهم نکات قابل توجه عبارتند از:
- 1عنوان قطعنامه 598 نظیر قطعنامه های پیشین (وضعیت ما بین ایران و عراق) نیست ، بلکه برای اولین بار قطعنامه تحت عنوان (منازعه بین ایران و عراق صادر شده است.
 - 2این قطعنامه چه از نظر شکلی و چه از نظر ماهوی توصیه نیست ، بلکه تصمیم برخاسته از اعتقاد شورای امنیت است واین موضوع علاوه بر محتوای قطعنامه ، در آغاز پاراگرافهای

1، 7، 8 و 10 قسمت مقدماتی و پاراگراف 10 اجرایی صراحت دارد. اگر چه در این مورد تناقضی وجود دارد و آن این که در بعضی موارد (اشاره به تعهد دولت به حل مسالمت آمیز اختلافات خود بندهای 3، 4، 5 و 6 قسمت اجرایی قطعنامه) حالت قطعنامه توصیه است، اما به هر حال حالت آمریت قطعنامه غائب است.

- 3 از نظر حجم و تعداد کلمات به کار برده شده، این قطعنامه مفصل ترین قطعنامه های صادره است.

- 4 این قطعنامه به اتفاق آرا صادر گردید.

- 5 از نظر فاصله زمانی، قطعنامه 598 با قطعنامه قبلی (588) آن نه ماه و نیم فاصله دارد.

این بدان معنا نیست که همچون فواصل سایر قطعنامه ها، شورای امنیت جنگ عراق با ایران را به جال خود رها کرده باشد، بلکه در تمام این مدت شورا به مشورت های فشرده خود برای تنظیم قطعنامه جامعی که فصل مشترک نظریات شورا، عراق و ایران باشد مشغول بود.

- 6 وضعیت جبهه های جنگ چنانکه ذکر شد، به صورتی بود که نگرانی شورا را باعث گردیده بود. به عبارت دیگر، اگر چه قطعنامه 598 حاصل مدتها مذاکره و مشورت بود، ولی مقطع زمانی صدور آن جالب است.

هم احتمال تشدید و هم احتمال گسترش جنگ موجب نگرانی شورا شده بود، مقصود از تشدید جنگ، نزدیک شدن قوای ایران به بصره و عملیات پی در پی در داخل خاک عراق بود و مراد از گسترش جنگ، نزدیک شدن قوای ایران به مرزهای عراق و کویت، همچنین درگیری در خلیج فارس گسترش یافته بود.

عکس العمل ایران

جمهوری اسلامی ایران قطعنامه 598 را نه رد کرد و نه قبول. از جمله استدلال های جمهوری اسلامی ایران توسط سخنگوی وقت شورای عالی دفاع، آیت الله هاشمی و رفسنجانی بیان شده است:

(پیش از این به علت جهت گیری ناعادلانه قطعنامه های شورای امنیت، ما این قطعنامه ها را

نمی پذیرفتیم . اما در این قطعنامه نکات مثبتی دیدیم که حاضر شدیم پیرامون آن آن مذاکره کنیم . جمهوری اسلامی ایران قطعنامه 598 را به طور کلی رد نکرده است ، چون در آن جای بحث می بیند. توقع دیگران این است که ما قطعنامه را کلاً رد کنیم یا بپذیریم ، نکته منفی آن این است که می گوید که به محض شروع مذاکره و پیش از شناسایی متجاوز و محاکمه آن ، آتش بس اعلام شود و ما این بند را قبول نداریم ، بند مربوط به معرفی متجاوز می تواند به عنوان تنها کلید حل مسائل به شمار آید و این نکته مثبتی است ، اما باید پیش از اعلام آتش بس انجام شود، ما به آمریکا سوءظن داریم و می دانیم به محض اعلام آتش بس آنان در عمل صادق نخواهد بود.

بنابراین ما نمی توانیم چنین مخاطره ای را بپذیریم . ما می گوییم اول متجاوز معرفی شود بعد راه حل مسائل جدی همواره خواهد شد . معلوم است که محاکمه و تنبیه متجاوز و باز پرداخت غرامت از همین اقدام آغاز خواهد شد. اگر این جابجایی در بندها انجام شود، راه همواره خواهد شد.

این موضعگیری نزدیک به یک سال ادامه داشت . بهترین منطق و دلیلی که برای اتخاذ این موضع (نه رد و نه قبول) می توان اقامه کرد است که جمهوری اسلامی ایران به دلیل عدم تحقق کامل نظریاتش قطعنامه را نپذیرفت.

اما به خاطر توجهی که به اصول مورد نظر ایران در قطعنامه شده بود و به دلیل این که با توجه به شرایط سیاسی و بین المللی بیش از این امکان امتیاز گرفتن از شورا وجود نداشت و اصولاً به خاطر (روز مبادا) قطعنامه را رد هم ننمود.

موضع عراق در قبال قطعنامه 598

در 22 ژوئیه 1978، اجلاس مشترک شورای فرماندهی انقلاب و رهبری حزب بعث به ریاست صدام برای بررسی قطعنامه 598 تشکیل ، و در همین جلسه قطعنامه مورد پذیرش و استقبال قرار گرفت و آمادگی عراق برای همکاری با دبیر کل و شورای امنیت در جهت اجرای آن و نیل به حل جامع ، عادلانه و شرافتمندانه منازعه اعلام گردید. نهایت آن که آمادگی ایران برای قبول جدی و با حسن نیت قطعنامه و اجرای آن و اطاعت بدون قید و شرط از آن ، شرط اساسی التزام عراق به قطعنامه عنوان گردید . در این جلسه قرار شد مواضع مذکور توسط وزیر امور خارجه عراق به دبیر کل و شورای امنیت اعلام گردد.

سخنگوی دولت عراق نیز در این خصوص اظهار داشت:

(عراق آماده است قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را که در آن دستور آتش بس فوری داده شده است، بپذیرد مشروط بر آن که ایران نیز اقدام مشابهی انجام دهد، تعهد عراق نسبت به این قطعنامه به پذیرش صریح و بدون قید و شرط ایران بستگی دارد) طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق نیز در ملاقات خود در تاریخ 23 ژوئیه با دبیر کل، مواضع عراق را تکرار کرد. همچنین سفیر عراق در آمریکا طی مصاحبه ای در همان روز، خبر از واکنش عراق نسبت به قطعنامه داد.

اما پاسخ رسمی عراق به قطعنامه 598 در تاریخ 14 اوت به دبیر کل اعلام شد که در آن جمله آمده بود:

(...عراق از قطعنامه 598 استقبال می نماید و آماده است برای اجرای آن با دبیر کل و شورای امنیت همکاری کند).

پذیرش کامل قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران

در مورد پذیرش کامل قطعنامه 598، رهبر فقید انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) پیام مهمی به ملت ایران فرستادند. در قسمتی از این پیام آمده بود:⁽⁶⁷⁾

(و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مساله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد، و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور - که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم - با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم، و خدا می داند که اگر نبود انگیزه ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود، اما چاره چیست؟ همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم... دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت و فردا امتحان دیگری است که پیش می آید... قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مساله جنگ نیست. با اعلام این تصمیم حربه تبلیغات

جهانخواران علیه ما کند شده است ... ملت ما هم نباید فعلا مساله را تمام شده بدانند. البته ما رسماً اعلام می کنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست ... در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و باید نبایدها کنند - که هر چند این مساله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست - اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست ... من باز می گویم قبول این مساله برای من از زهر کشنده تر است ، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم ، و نکته ای که تذکر آن لازم است در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران با اتکای خود تصمیم گرفتند. تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود... بدانید که پیروزی از آن شماست.)

سرانجام در تاریخ 17 ژوئیه 1988 (1367/4/26) (سفیر و جانشین نماینده دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، عین مرقومه حضرت آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت ایران را خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد برای وی ارسال ، و در خواست کرد که به عنوان سند شورای امنیت منتشر گردد.

فرازهایی از نامه ریاست جمهوری وقت درباره پذیرش قطعنامه 598 به این شرح است (68).

(درودهای گرم همراه با بهترین آرزوهای مرا برای موفقیت آن عالی جناب در تلاش برای برقرار صلح و عدالت بپذیرید. همان طور که بخوبی استحضار دارید، آتش جنگی که به وسیله رژیم عراق در 22 سپتامبر 1980 با تجاوز علیه تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید، اینک ابعاد غیر قابل تصویری به خود گرفته است که کشورهای دیگر و حتی غیر نظامیان بی گناه را نیز در شعله های خود گرفته است.

در چنین موقعیتی ، تلاشهای جنابعالی برای اجرای قطعنامه 598 (1987) حائز اهمیت ویژه ای است . جمهوری اسلامی ایران پیوسته کمک و پشتیبانی خود را نسبت به شما در حصول به این هدف مبذول داشته است . در این زمینه ما مصمم گردیدیم که رسماً اعلام داریم جمهوری اسلامی ایران به خاطر اهمیت حفظ جان انسانها و برقراری عدالت و صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی قطعنامه 598 (1987) شورای امنیت را می پذیرد. ما امیدواریم که اعلام رسمی این موضع جمهوری اسلامی ایران به شما در ادامه تلاشهایتان که همیشه مورد پشتیبانی و استقبال ما بوده است ، کمک نماید.)

در همین مورد آقای هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و سنخگوی

شورای عالی دفاع اظهار داشتند: (69)

(مصحلت انقلاب و ملت‌های ایران و عراق و منطقه این است که قطعنامه مذکور پذیرفته شود... ایران تابه حال خواستار آن بود که ابتدا کمیته تعیین متجاوز تشکیل شود، ولی با توجه به شرایط جدیدی که پیش آمده از آن شرط خود صرف نظر می‌کنیم ... متأسفانه تبلیغات جهانی، ما را جنگ افروز و جنگ طلب معرفی کرده، صدام و حزب بعث متجاوز که تمام قوانین را نقض کرده، ولی چون یک شعار مشخص دارد، یعنی قطعنامه را پذیرفته و حاضر به قضاوت بین‌المللی است، به صورت عوام‌فریبانه صلح طلب معرفی شده است، با این کار، یعنی قبول قطعنامه 598، ما نشان داده ایم که در این زمینه انعطاف پذیر هستیم ... ما قطعنامه را هرگز رد نکرده بودیم، بلکه شروطی روی آن گذاشتیم و این اواخر روشن شد که ممکن است حوادث تلخی در منطقه اتفاق افتد که نقطه عطف آن سقوط هواپیماهای ایرانی توسط آمریکا بود).

مقام معظم رهبری درباره قطعنامه مذکور فرمودند:

(پیروزی رزمندگان ما در جبهه‌های نظامی و سیاسی مصادیق بارزی از تحقق وعده خداوند در یاری کردن بندگان صالح اوست. دستاوردهای عظیم نظام اسلامی مرهون عمق ایمان اسلامی در دل امت مسلمان ایران و استحکام و اقتدار معنوی امام عظیم‌الشان است و همه تصمیم‌گیریها، عملکردها و جهت‌گیریهای ما باید با معیار و حکم اسلامی و ایمان مذهبی سنجیده شود و این امر ضامن پیشرفت نظام و دلگرمی مردم به مسئولین خواهد بود. کسانی که در جبهه‌های سیاسی مسئول دفاع از انقلاب و نظام اسلامی بودند، فضای سرد سیاسی و توطئه‌های گوناگون دشمنان اسلام در عرصه بین‌المللی را بیش از دیگران احساس کردند. آنان با فداکاریهای خود در کنار ارتش، سپاه، بسیج و آحاد ملت ما، دشمن را مبهوت کردند و من این پیروزی بزرگ سیاسی و بین‌المللی را به دست اندرکاران پیگیری قطعنامه 598 که تلاش قابل‌تحسینی را به انجام رساندند، تبریک می‌گویم (61)).

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای - 27 تیر 1367

برقراری آتش بس

پس از پذیرش رسمی قطعنامه 598 از طرف ایران و انجام مذاکرات با دبیر کل سازمان ملل متحد، آتش بس میان طرفین از تاریخ 29 مرداد 1367 (20 اوت 1988) برقرار شد. شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ 18 مرداد 1367 قطعنامه 619 را تصویب کرد که به موجب آن گروه ناظران نظامی ایران و عراق و سازمان ملل متحد (یونیماک) تشکیل و عازم مرزهای ایران و عراق شد. نیروهای یونیماک حدود 400 نفر بودند که از 25 ملیت مختلف تشکیل شده بود و در دو کشور مستقر شدند. وظایف نیروهای یونیماک عبارت بود از:

- 1- تایید، تحکیم و نظارت بر آتش بس
 - 2- کمک به طرفین برای حل مسائل محلی که احتمالاً در مورد تعیین دقیق خطوط مرزی و عقب نشینی به مرزهای بین المللی و یا تیراندازی اتفاقی پدید آید.
 - 3- کمک به طرفین برای ایجاد یک منطقه حائل در طول مرزهای دو کشور
- آغاز مذاکرات صلح
- نخستین دور مذاکرات صلح بین ایران و عراق با نظارت سازمان ملل متحد، در سوم شهریور 1367 به طور رسمی در ژنو آغاز شد. در این مذاکرات دولت عراق دو پیش شرط را مطرح کرد:

- 1- لایروبی اروند رود
 - 2- آزادی کشتیرانی در خلیج فارس
- در مقابل ایران اعلام نمود که نه پیش شرطی را مطرح خواهد کرد و نه پیش شرطی را از طرف مقابل خواهد پذیرفت. عراق با در اختیار داشتن بخشی از خاک ایران، تصور می کرد که می تواند برای گرفتن امتیاز، ایران را تحت فشار قرار دهد. از طرف دیگر، طرح آزادی کشتیرانی در خلیج فارس مطابق با درخواست دولتهای غربی بود و به همین جهت از عراق حمایت می کردند.

به علت پافشاری عراق در مورد درخواستهایش و عدم پذیرش آن از طرف ایران پیشرفتی در مذاکرات صورت نگرفت. از این رو برای شکست بن بست مذاکرات، دبیر کل سازمان

ملل متحد در 9 مهر 1367 طرحی مشتمل بر 4 ماده به دولتین ایران و عراق پیشنهاد کرد که رؤس آن عبارتند از:

1- آزادی کشتیرانی در خلیج فارس

2- دادن اولویت به حل و فصل مساله شط العرب (اروند رود)

3- توافق در مورد مراحل مبادله اسرای جنگی

4- عقب نشینی نیروهای دو کشور به مرزهای بین المللی

دبیر کل سازمان ملل در این طرح خواستهای عراق را مورد توجه قرار داده بود، اما این طرح نیز با شکستهای مواجه شد. به دنبال آن، دبیر کل، (یان الیاسون) نماینده ویژه خود را مامور پیگیری اجرای قطعنامه 598 نمود. وی در سالهای 1367 و 1368 دوبار به تهران و بغداد سفر کرد، اما نتوانست موافقت دولتین ایران و عراق را برای آغاز مذاکرات صلح و اجرای قطعنامه 598 به دست آورد.

ایران در سال 1368 برای شکستن بن بست مذاکرات، پیشنهاد عقب نشینی همزمان نیروها و مبادله اسرا را مطرح کرد، اما دولت عراق بار دیگر پیشنهاد عقب نشینی نیروها را به مرزهای شناخته شده بین المللی موکول به حل مساله اروند رود کرد. دولت عراق در این زمینه اعلام داشت:

تا زمانی که ایران حق حاکمیت عراق بر اروند رود را نپذیرد، عقب نشینی نیروها انجام خواهد شد.⁽⁷⁰⁾

دولت عراق در اتخاذ این مواضع غیر اصولی از حمایت کشورهای عربی نیز برخوردار بود. به عنوان مثال در قطعنامه کنفرانس سران عرب در مراکش در اواخر خرداد 1368 آمده است: کنفرانس همبستگی کامل خود را با عراق حفظ وحدت و یکپارچگی خاک خود و حاکمیت عراق بر شط العرب (اروند رود) را مورد تایید قرار می دهد.⁽⁷¹⁾ این مساله در اجلاس کمیته دائمی همکاریهای عربی - آفریقایی در کویت نیز تکرار شد.

حمایتهای یک طرفه رهبران کشورهای عربی از عراق موجب پافشاری این کشور در مواضع غیر اصولی خود و در نتیجه ادامه بن بست مذاکرات صلح بین ایران و عراق شد. علاوه بر آن برخی از دولتهای غربی نیز منافع خود را در ادامه بن بست مذاکرات صلح می دیدند. دولتهای مذکور بویژه آمریکا خواستار ادامه حالت (نه جنگ صلح) تا زمانی که تغییری در

سیاست خارجی ایران نسبت به غرب مشاهده نشود، بودند.

در این میان دولت اتحاد جماهیر شوروی سابق، از اجرای قطعنامه 598 حمایت می کرد و خواستار خروج نیروهای عراقی از اراضی اشغالی ایران بود. گنادی گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه شوروی در خرداد ماه سال 1368 اظهار داشت: اتحاد جماهیر شوروی از قطعنامه 598 سازمان ملل متحد حمایت می کند و تاکید دارد که نیروهای ارتش عراق باید ضمن خروج از سرزمینهای ایران در نوار مرزی تعیین شده در قرار داد 1975 الجزایر استقرار یابند. رویدادها و مناسبت ها)

مجاهدتهای ملت ایران در طول هشت سال دفاع مقدس

با شروع جنگ تحمیلی، ملت ایران با همه توان وامكاناتش به صحنه آمد. از یک طرف جوانهای برومند خود را روانه جبهه ها نمود. از طرفی کمکهای مالی خود را از کمترین اجناس تا مهم ترین آنها به جبهه ها ارسال نمود. از گاو و گوسفند گرفته تا میوه و مواد غذایی و نان و غیره. از پول نقد گرفته تا طلاآجات و لباس و پوشاک.

از طرف دیگر بمبارانها و موشکبارانهای صدامیان را تحمل نمود و صبر و استقامت کرد و در این جبهه هم شهدای فراوانی از کودک شیرخواره تا پیرزن فرتوت را از دست داد.

ملت ایران با خدا معامله کرد و آنچنان از رزمندگان اسلام پشتیبانی نمود که امام امت همیشه از آنان تعریف و اعلام رضایت می نمودند.

- ملتی که خواهران و مادران دلیرش، افتخار به مرگ جوانان برومندش می کند که در صف شهدا هستند، پیروز است.
- مادران شجاع فرزندان اسلام، خاطره جانبازی و رشادت زنان قهرمان را در طول تاریخ زنده کرده اند.
- اساساً تربیت از دامن پاک مادر و جوار پدر شروع می شود؛ و با تربیت اسلامی و صحیح آنان، استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه ریزی می شود.

یاوران انقلاب (خانواده شهدا، جانبازان، آزادگان)

- ما از خدا هستیم همه، همه عالم از خداست، جلوه خداست؛ و همه عالم به سوی او برخواهد گشت. پس چه بهتر که برگشتش اختیاری باشد و انتخابی، و انسان انتخاب کند شهادت را در راه خدا، و انسان اختیار کند موت را برای خدا و شهادت را برای اسلام.
- شما خانواده های شهدا، با شهادت افتخارآفرینان این مرز و بوم، به جهان فهمانید که از همه عزیزان در راه اسلام خواهید گذشت.
- (خطاب به خانواده شهدا:) شما چشم و چراغ این ملتید.
- امید است شما عزیزان خردسال، که یادگار فداکاران در راه خداوند تعالی و اسلام عزیز هستید، چون پدران بزرگوار خویش خود را برای دفاع از اسلام بزرگ و میهن عزیز مهیا سازید.
- خانواده های شهدا و اسرا و مفقودین و جانبازان، خود حافظ و نگهبان ارزش شهادت و ایثار بوده اند و بعد از این نیز - به یاری خدا - پاسدار آن خواهند بود.

شهداء و خانواده معظم آنان

{شهید} یکی از نامهای خداوند است. و به کسانی که در راه پروردگار کشته می شوند، شهید گویند. زیرا شهدا بعد از کشته شدن، زنده بوده و در پیشگاه خداوند روزی می خورند و شاهد اعمال امت هستند و در قیامت شفاعت می نمایند.

شهادت سعادت است که آرزوی مردان و زنان با خدا بوده است وعده ای از پیامبران به این رستگاری عظیم رسیده اند از جمله حضرت زکریا و حضرت یحیی. و روایت شده که بنی اسرائیل در یک روز هفتاد پیامبر را شهید کردند. همچنین رسول خدا بر اثر زهری که در غذا بوسیله زن یهودیه داده شد از دنیا رفت لذا اصحاب می گفتند پیامبر هم شهید شد.

امامان معصوم و دختر محبوب پیامبر هم به وسیله شهادت از دنیا رفتند و در بستر وبه مرگ طبیعی نمرندند و این اهمیت مسئله شهادت را نشان می دهد. شهادت باعث زنده بودن دین است و تاکنون اگر از دین و اسلام نامی باقی مانده و این چنین در حال گسترش است مرهون قلم دانشمندان و خون شهیدان است. انقلاب اسلامی نیز با خون هزاران شهید به پیروزی رسید و در راه تداوم خود نیز چه در دفاع مقدس و چه در سنگرهای دیگر شهدای بزرگواری را تقدیم راه اسلام عزیز نموده است

خوابی که تعبیر شد!

من (فرزند شاه آبادی بزرگ) من از ایامی که در نجف در خدمت امام بودم، خاطره جالی دارم. قبل از تشریف فرمائی امام به نجف، شبی خواب دیدم که در ایران آشوب و جنگ است. بخصوص در خوزستان.

سر تمامی نخلهای خرما یا قطع شده بود و یا سوخته بود. در این جنگ یکی از نزدیکانم شهید شده بود. - که البته برادرم حاج آقا مهدی در جنگ شهید شد. - جنگ که خیلی طولانی شده بود با پیروزی ایران تمام شد. در تمام مدت جنگ من چنین تصور می کردم که جنگ میان حضرت سید الشهداء (ع) و دشمنانش است. وقتی جنگ تمام شد، پرسیدم: آقا امام حسین (ع) کجا هستند؟ طبقه بالای ساختمانی را بمن نشان دادند که دواطاق داشت. یکی در سمت راست و یکی در سمت چپ بود. من به آنجا رفتم و خدمت حضرت سید الشهداء (ع) مشرف شدم و عرض ادب کردم. در همین حین از خواب بیدار شدم.

پس از تشریف فرمائی امام به نجف این خواب را برای ایشان تعریف کردم. ایشان تبسمی کرده فرمودند: این جریانها واقع خواهد شد. پرسیدم: چطور آقا؟ فرمود: بالاخره معلوم می شود این بساط! من دوباره اصرار کردم و سرانجام ایشان فرمودند: من یک نکته بتو بگویم ولی باید تا زمانی که زنده هستم جائی نگوئی! زمانی که در قم خدمت مرحوم والدت بودم، بسیار بایشان علاقه داشتم بطوریکه تقریباً نزدیکترین فرد بایشان بودم. و ایشان هم مرا نامحرم نسبت به اسرار نمی دانستند. روزی برای من مسیر حرکت و کار را بیان کردند. حالا البته زود است. و تا آن زمان که این مسیر شروع شود، زود است. اما می رسد. (پابه پای آفتاب ج 3 ص 261)

این خواب دلالت دارد بر اینکه شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی همانند شهدای کربلا هستند و امام راحل هم همانند امام حسین (ع) مدافع اسلام بودند.

امام راحل احیاگر فرهنگ شهادت طلبی

از کارهای بزرگی که انقلاب اسلامی ملت بزرگ ایران به رهبری امام راحل انجام داد این بود که باب شهادت را که بعد از غیبت صغری تقریباً بسته شده بود و جز تک و توکی از اولیاء خدا نصیب کسی

نمی‌شد را افتتاح نمود و شهدای پانزده خرداد و هفده شهریور و هزاران شهید قبل از انقلاب و شهدای بعد از انقلاب و شهدای دفاع مقدس همگی در این دانشگاه تربیت شدند.

امام راحل شهادت طلبی را رمز پیروزی می‌دانستند و می‌فرمودند:

- شهادت در راه اسلام برای همه ما افتخار است.
- شهادت برای ما فیض عظیمی است.
- این حس شهادت خواهی [و] فداکاری بود که يك ملت، که هیچ نداشت، بر طاغوت غلبه پیدا کرد.
- يك ملت که زن و مردش برای جانفشانی حاضرند، و طلب شهادت می‌کنند، هیچ قدرتی با آن نمی‌تواند مقابله کند.
- خون شهیدان ما امتداد خون پاك شهیدان کربلاست.
- ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است.
- يك همچو ملتی که آرزوی شهادت می‌کند، این ملت دیگر خوف ندارد.
- ملت ما خون داده است تا جمهوری اسلامی وجود پیدا کند.
- ملت ما عاشق شهادت بود، با عشق به شهادت پیش رفت این نهضت.
- ما از خدا هستیم همه، همه عالم از خداست، جلوه خداست؛ و همه عالم به سوی او برخواهد گشت. پس چه بهتر که برگشتش اختیاری باشد و انتخابی، و انسان انتخاب کند شهادت را در راه خدا، و انسان اختیار کند موت را برای خدا، و شهادت را برای اسلام.
- در بستر مردن، مردن است و چیزی نیست، لکن در راه خدا رفتن شهادت است و سرفرازی و تحصیل شرافت برای انسان و برای انسانها.
- مرگ سرخ بمراتب بهتر از زندگی سیاه است

□ سعادت را آنها بردند که آن چیزی را که خدا به آنها داده بود تقدیم کردند، و ما عقب مانده آنها هستیم.

□ بر ماست که با اعتراف به عجز خویش، از رزمندگان عزیزی که با شهادت طلبیها و رشادتهایشان از میهن اسلامی خود دفاع نموده، و با خون پاک خود چراغهایی فرا راه آزادی تمام ملت‌های دربند برافروختند، قدردانی نماییم.

□ گوارا باد بر این شهیدان، لذت انس و همجواری‌شان با انبیای عظام و اولیای کرام و شهدای صدر اسلام، و گواراتر بر آنان باد نعمت رضایت حق، که «رضوان من الله اکبر».

□ هان ای شهیدان! در جوار حق تعالی آسوده خاطر باشید، که ملت شما پیروزی شما را از دست نخواهد داد.

□ شما گواهان صادق و یادگاران عزمها و اراده‌های استوار و آهنین، نمونه‌ترین بندگان مخلص حقید، که مراتب انقیاد و تعبد خویش را به پیشگاه اقدس حق تعالی، با نثار خون و جان به اثبات رسانیدند.

□ کشوری که همه بیدار و همه مستعد برای شهادت هستند، اینها را از چه می‌ترسانند؟

□ هنر آن است که بی‌هیاهوهای سیاسی و خودنماییهای شیطانی، برای خدا به جهاد برخیزد؛ و خود را فدای هدف کند نه هوا؛ و این هنر مردان خداست.

□ به شما برادران مؤمن عرض می‌کنم: اگر ما با دست جنایتکار آمریکا و شوروی از صفحه روزگار محو شویم، و با خون سرخ، شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم سرخ شرق، و سیاه غرب، زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم.

□ هیچ هراسی به دلتان راه ندهید، که شما پیروزید - ان شاء الله . چه کشته بشویم و چه بکشیم حق با ماست . ما اگر کشته هم بشویم در راه حق کشته شدیم و پیروزی است، و اگر بکشیم هم در راه حق است و پیروزی است.

□ طبع يك انقلاب فداکاری است . لازمۀ يك انقلاب شهادت و مهیا بودن برای شهادت است .

□ مجاهد فی سبیل الله بزرگتر از آن است که گوهر زیبای عمل خود را به عیار زُخارف دنیا محك بزند .

□ دنیا با همه زرق و برق ها و اعتباراتش، بمراتب کوچکتر از آن است که بخواهد پاداش و ترفیع مجاهدان فی سبیل الله گردد .

□ ما خاکیان محجوب، یا افلاکیان، چه دانیم که این ارتزاق عندرب الشهداء چی است؟

□ ما اگر کشته شویم - ان شاء الله - بهشت می رویم، اگر بکشیم هم به بهشت می رویم .

□ کشته بشوید بهشتی هستید، بکشید هم بهشتی هستید .

□ ما بکشیم سعادت مندیم، کشته بشویم هم سعادت مندیم .

□ وقت آن است که ما که وارثان این خونها هستیم، و بازماندگان جوانان و شهدای به خون خفته هستیم، از پای نشینیم تا فداکاری آنان را به ثمر برسانیم .

□ شهادت يك هدیه ای است از جانب خدای تبارك و تعالی برای آن کسانی که لایق هستند .

خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است.

شرط قبولی در این دانشگاه یکی معرفت نسبت به جهان آخرت است و اینکه یقین داشته باشد که مرگ پلی است که او را از این دنیای خاکی به جهانی بزرگتر می برد. و یقین داشته باشد که ارواح بزرگ انبیاء و اولیاء و شهدای تاریخ با استقبال او می آیند و در کنار آنان روزی خوار در گاه مقرب الهی خواهد بود.

باید فرهنگ شهادت طلبی را گسترش داد در این صورت است که مستکبرین از شکست دادن ملت ما ناامید خواهند شد.

حماسه شهداء در دفاع مقدس

همانطور که خون شهدای کربلا باعث حفظ اسلام شد، خون پاک شهدای دفاع مقدس از سرداران دلاورش گرفته تا رزمندگان بسیجیش تا عزیزان ارتش و دیگر نیروهی مسلح، باعث حفظ نظام اسلامی گشت و ملت ایران از این آزمایش بزرگ الهی سربلند بیرون آمد.

در حالی که حضرت علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین و حضرت زینب و امام سجاد علیهم السلام مردم عراق را بخاطر یاری نکردن امامان علیه السلام، مذمت می کردند و هیچگاه از آنها راضی نبودند البته پیامبر هم در بستر بیماری از منافقینی که بین اصحابش بودند ناراحت بودند و با ناراحتی از دنیا رفتند

اما امام امت همیشه از ملت ایران تعریف می کردند و از آنها راضی بودند و بعد از ایشان هم مقام معظم رهبری همیشه از ملت همیشه در صحنه ایران تعریف می نمودند و راضی هستند.

و این بخاطر فداکاری عظیم شهدای دفاع مقدس است. حماسه هایی که آفریدند از حماسه محمد حسین فهمیده گرفته تا حماسه شهید علم الهدی در سوسنگرد تا حماسه شهید چمران و تا حماسه سید شهیدان اهل قلم شهید آوینی و هزاران حماسه دیگر بود که خون تازه به رگهای اسلام عزیز در این خطه مقدس جاری شد و باعث استواری بیشتر انقلاب اسلامی گردید.

عظمت شهدای دفاع مقدس آنقدر بزرگ است که امام بحال آنها غبطه می خوردند و می فرمودند این وصیتنامه شهدا تن انسان را می لرزاند.

در اینجا به فرازهایی از چند وصیتنامه از شهداء دفاع مقدس اشاره می نمائیم:

«شهادت» در کلام شهیدان

شهید ماشاءالله غرقى از تهران: «وقتى مرگ حق است كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ... و بهترین نوع مردن «شهادت» در راه خدا مى باشد، شهادت را انسان انتخاب مى کند، و مردن بر اساس انتخاب مى باشد نه مردنى که بر انسان تحمیل شود».

شهید محمد کچویی: «بدانید بهترین آرزویی که مرا سیراب می کند «شهادت» در راه خداست».

شهید علی پورمشیر از تهران: «این دنیا فانی است و همه چیز در فنا شدن است، همه چیز در طبیعت می میرد، ولی شهید زنده است و درپیش خدای خود روزی می خورد و فنا نمی شود. برای همین من این راه «شهادت» را انتخاب کرده ام».

شهید اسماعیل احمد لو از اراک: «این بنده حقیر تشخیص دادم که «شهادت» تصادفی نیست، بلکه سعادت بزرگی است، لذا آگاهانه راه خود را یافته ام و قدم در این راه نهاده ام».

شهید حمید بابایی روندگان از تهران: «احساس می کنم که «شهادت» اگر چه برای ما هدف نیست، بلکه وسیله ای برای اعلام اعتقادمان به وحدانیت حق و استقامت در ناملایمات می باشد، و راهی است بس نزدیک برای رسیدن به معشوی حقیقی».

شهید محمدابراهیم احمد پور از قم: «از آن جا که مرگ حق است... و هیچ کس را یارای مقابله و فرار از مقابل این حکم و منطق الهی نیست، و بالاخره روزی مرگ به سراغ همه خواهد آمد و همه طعم مرگ را خواهند چشید، پس چه بهتر که انسان مرگی را انتخاب کند که آغاز زندگی نوین و جدیدی باشد، زندگی و راهی که انسان با قبول «شهادت عارفانه و آگاهانه» انتخاب می کند، زندگی و راهی که سراسر آن معنویت و عشق و علاقه به الله باشد، زندگی و راهی که در آن صراط مستقیم الهی و رضایت و خشنودی پروردگار قرار گرفته، زندگی و راهی که به مراتب از عسل شیرین تر و باصفا تر از این زندگی مادی می باشد».

شهید محمد رضا تیغ بند از تهران: «مرگ‌های با عزت باعث دوام‌بخشیدن به انقلاب می‌شود، و «شهادت» هم یک مرگ با عزت است که هم در این دنیا و هم در آن دنیا پرارزش می‌باشد».

شهید غلامرضا طالب‌لو از تهران: «من چیزی را گواراتر از شربت «شهادت» نمی‌دانم. شهادت چیزی نیست که بتوان آن را با زبان بیان کرد. شهادت معامله‌ای است که انسان با خدا می‌کند، یعنی انسان جان خود را به فروش می‌گذارد و خریدارش هم فقط خداست».

شهید حسین بهزادپور از تهران: «از خداوند سبحان خواسته‌ام که نه‌اسیر شوم و نه معلول، بلکه تمامی پیکرم را خالق منان از من پذیرا باشد و اگر شهادت را نصیبم نمود در صف اول معرکه شهید شوم».

آرمان‌های شهداء

اگرچه شهدا در ظاهر در میان ما نیستند ولی آنها شاهد اعمال ما می‌باشند پس باید تلاش کنیم آرمان‌های آنها را ادامه دهیم.

شهدا چه آرمانهایی داشتند؟

1- احیاء دین اسلام و محافظت از ارزشهای اسلامی

2- پیروی از خط امام و رهبری

3- حرکت پشت سر روحانیت اصیل و در خط امام

4- مبارزه با مستکبرین و عدم تواضع در مقابل خواسته‌های ناحق آنها

5- حفظ عفاف در زنان و مبارزه با بدحجابی و بی بندوباری

6- زنده نگه داشتن فرهنگ شهادت‌طلبی و مهدویت که این دو عامل بقاء انقلاب اسلامی است.

7- مجاهدت در سنگرهایی که نظام اسلامی به آنها نیاز دارد از جمله سنگر علم و دانش پژوهش، سنگر هنر اصیل اسلامی، سنگر خدمت رسانی به مردم خوب ایران اسلامی و حضور در نماز جمعه و اجتماعات اسلامی و رزمایش‌های فرهنگی و نظامی و غیره.

عشق به شهادت در کلام بزرگان دین

- پیامبر خدا (ص): دوست دارم که در راه خدا بجنگم و کشته شوم و باز هم بجنگم و کشته شوم.

- سوگند به آن که جانم در دست اوست، دوست دارم که در راه خدا کشته شوم و سپس زنده گردم و باز کشته شوم و بار دیگر زنده گردم و باز کشته شوم.

شوق به شهادت

- امام علی علیه السلام: عرض کردم ای رسول خدا، مگر در روز احد که تعدادی از مسلمانان شهید شدند و من از شهادت محروم ماندم و این امر بر من گران آمد به من نفرمودی: مژده بادا تو را که در آینده به شهادت خواهی رسید؟ رسول خدا به من فرمود: همین طور است در آن صورت صبر تو چگونه خواهد بود؟ عرض کردم: ای رسول خدا!! این جا، جای صبر نیست بلکه جای شادی و شکر است!.

- اگر سخن بگویم، می‌گویند: برای حکومت حرص می‌زنی و اگر خاموش مانم، می‌گویند: از مرگ می‌ترسی. هیئات! به خدا سوگند که انس پسر ابوطالب با مرگ بیشتر از انس کودک با پستان مادرش می‌باشد.

- آن جا که یاران خود را به دلیل سستی در امر جهاد توبیخ می‌کند، می‌فرماید: برای من محبوبترین چیزی که ملاقاتش کنم مرگ است.

- زیرا به خدا سوگند که من بر حق هستم و عاشق شهادتم.

- به خدا سوگند اگر نبود که در هنگام رویارو شدن با دشمنم چشم طمع به شهادت دوخته‌ام و خود را برای آن آماده ساخته‌ام، دوست داشتم که حتی یک روز در کنار این مردم نمانم.

- به خدا سوگند اگر نبود امید من به شهادت در میدان جنگ بادشمن - البته اگر چنین مقدر باشد هر آینه بر مرکب خویش می‌نشینم و تا باد شمال و جنوب می‌وزد به سراغ شما نمی‌آدم.

- پس از ضربت خوردن به دست ابن ملجم، فرمود: سوگند به خداوند کعبه که رستگار شدم.

- بعد از ضربت خوردن به دست ابن ملجم، فرمود: به خدا سوگند وارد شونده‌ای از سوی مرگ ناگاه بر من وارد نشد که آن را ناخوش داشته باشم و نه آینده‌ای که آن را نشناخته و نخواسته باشم و (درعلاقه‌مندی به مرگ) نیستم مگر چون جویای آبی که به آب رسد و همانند جوینده‌ای که (مطلوب خود را) بیابد.

- کیست که به سوی خدا رهسپار شود، همانند تشنه‌ای که به آب می‌رسد؟ بهشت در زیر لبه نیزه‌هاست، امروز (صدق و کذب) خبرها (و گفتار هر کس) آزموده و معلوم می‌شود سوگند به خدا که اشتیامن به رویارویی با آنها (دشمنان) بیشتر از اشتیای آنان به خانه و کاشانه‌شان است.

کرامت شهادت

- امام علی علیه السلام در ترغیب به جنگ، می‌فرماید: هلا مردم! کسی که بایستد از چنگ مرگ نرهد و کسی که از مرگ بگریزد آن را عاجز نکند از مرگ گریز و گریزی نیست، کسی که کشته نشود، می‌میرد همانا برترین مرگ کشته شدن است سوگند به آن که جان علی در دست اوست، هزار ضربت شمشیر آسان‌تر است. از یک بار مردن در بستر.

- همانا گرامی‌ترین مرگ کشته شدن است سوگند به آن که جان‌پسر ابی طالب در دست اوست، هزار ضربت شمشیر بر سر آسان‌تر است از جان دادن در بستر که با طاعت خدا همراه نباشد.
- شما هم اگر کشته نشوید، می‌میرید سوگند به آن که جان علی در دست اوست، فرود آمدن هزار ضربت شمشیر بر سر آسانتر است از مردن در بستر.
- امام رضا علیه السلام، در پاسخ به سوال از این فرموده امیرالمومنین⁷ که خوردن ضربتی شمشیر آسانتر است از مردن در بستر، فرمود: منظور (ضربت شمشیر خوردن) در راه خداست.

سخنی دیگر در باب شهادت

- شهادت به معنای حاضر بودن، گواهی دادن، کشته شدن در راه خدا است.
- در فرهنگ قرآنی، از شهادت با تعبیر «قَتْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» یاد شده است:
- «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ».
- به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگوئید، بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما درک نمی‌کنید.
- نیز، خداوند مشتری اموال و جان‌های کسانی است که در راه خدا می‌جنگند، می‌کشند و کشته می‌شوند و پاداش بهشت از خداوند می‌گیرند: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ».

این فداکاری و از جان گذشتگی در راه خدا و دین، نهایت رستگاری انسان مؤمن است و آنان که جان خویش را بر سر دین می‌نهند، هم به کامیابی ابدی در آخرت می‌رسند، هم شهادتشان سرچشمه الهام والگوی فداکاری برای دیگران محسوب می‌شود. نخستین شهید اسلام، «سمیه» مادر عمار یاسر بود که با نیزه ابوجهل در زیر شکنجه به شهادت رسید. پس از او نیز مسلمانانی که چه زیر شکنجه‌ها،

چه در جبهه‌های نبرد با مشرکان و چه در دفاع از حق و مواجهه با حکام ستمگر جان باخته‌اند، همواره سرمشق آزادگان خداجوی بوده‌اند.

در علت نامگذاری چنین مرگی به «شهادت» گفته‌اند: «یا بدان جهت است که فرشتگان رحمت خدا در صحنه شهادت حضور می‌یابند، یا بدان سبب که خدا و رسول، به بهشتی بودن شهدا گواهی می‌دهند، یا این که شهید در قیامت، همراه انبیا بر امت‌های دیگر گواهی می‌دهد، یا این که شهید، زنده و حاضر است، به مقتضای «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»، یا بدان جهت که شهید، به شهادت حق قیام می‌کند تا کشته شود.»

فیض شهادت، چنان ارزشمند است که اولیاء دین همواره از خداوند، آرزوی آن را داشته‌اند. در دعا‌های ما نیز مکرر از خداوند، درخواست شهادت شده است و روایات بسیاری درباره شهادت و جایگاه شهید آمده است. رسول خدا صفرموده است: «فَوِ كُلِّ بَرٍّ بَرُّ حَتَّى يَقْتُلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَاذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ».

بالاخر از هر نیکی، نیکی است، تا آن که انسان در راه خدا کشته شود. پس چون در راه خدا کشته شد، بالاتر از آن، نیکی نیست. در احادیث است که: شهادت، برترین مرگ است. قطره خون شهید، نزد خدا از بهترین قطرات است. شهادت موجب آمرزش گناهان می‌شود.

شهید از سؤال قبر، مصون است و فشار قبر ندارد و در بهشت، با حوریان هم آغوش است. شهید، حق شفاعت دارد. شهدا اولین کسانی‌اند که وارد بهشت می‌شوند و همه به مقام شهیدان غبطه می‌خورند. شیخ مفید، شهادت را مقامی والا می‌داند که در راه خدا صبر و مقاومتی کند تا آن حد که خونس ریخته شود، روز قیامت از امنای مرتبه الهی محسوب می‌شود. نظر به وجه الله، از خصوصیات شهید است و این نتیجه نفی بُعد لجنی از وجود خویش و رسیدن به خلود و قداست کامل در سایه شهادت است.

در مکتب خاندان وحی، شهادت، مطلوب و معشو آنان است وامامان:، مقتول و یا مسموم بوده‌اند و مرگشان شهادت بوده است.

گرچه جان ائمه: و اولیاء خدا و بندگان خالص، عزیز است، ولی دین خدا عزیزتر است. بنابراین جان باید فدای دین گردد تا حق، زنده بماند و این، همان، سبیل الله، است.

شما راه خدا را باز کردید شهادت را شما آغاز کردید به خون خفتید، تا آیین بماند فدا کردید جان، تا دین بماند.

در دوران سیدالشهدا، شرایطی پیش آمده بود که جز با حماسه شهادت، بیداری امت فراهم نمی‌شد و جز با خون عزیزترین انسانها، نهال دین خدا جان نمی‌گرفت.

این بود که امام و اصحاب شهیدش، عاشقانه و آگاهانه به استقبال شمشیرها و نیزه‌ها رفتند تا با مرگ خونین خویش، طراوت و سرسبزی اسلام را تامین و تضمین کنند و این سنت، همچنان در تاریخ باقی ماند و «شهادت»، درس بزرگ و ماندگار عاشورا برای همه نسل‌ها و عصرها گشت.

به فرموده امام خمینی¹: «خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است». کسی می‌تواند به این جایگاه رسد، که رشته‌های علایق جسمانی و حیات مادی را گسسته باشد و عشق به حیات برتر، او را مشتاق شهادت سازد.

گذشتن از این موانع و رسیدن به آن وارستگی و رهایی از تعلقات، ایمانی بالا می‌طلبد و به همین جهت است که شهادت، نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به خدا و بهشت است.

زنده است هر که کشته شود در منای دوست بیگانه نیست آنکه شود آشنای دوست

گردن نهد به سلسله غم، اسیر عشق تیر بلا به جان بخرد مبتلای دوست

جان شب‌نم است و در پی خورشید، پر کشد گر بشنود نوای دل از نینوای دوست

بر لوح دهر، زنده جاوید می‌شود آنکس که عاشقانه بمیرد برای دوست
 در مروه مراد، شود کامیاب دل با پای سرهر آنکه دود در صفای دوست
 ارزنده‌تر ز گوهر، نایاب می‌شود جانی که خاک گردد و افتد به پای دوست
 بوسیدنی است سنگ مزار شهید عشق‌بوییدنی است تربیت پاک گدای دوست
 غیر از کشتگان میدان جهاد، در روایات اسلامی کسان دیگری هم که بنوعی رنج کشیده و تلاش
 داشته‌اند و جان در آن راه باخته‌اند، «شهید» محسوب شده‌اند.
 همچون کسی که در دفاع از مال، جان، شرف و ناموس خود و برای احقاق حق خویش کشته شود، یا
 آنکه در مهاجرت در راه خدا جان بسپارد، یا آن که با ایمان کامل و با محبت اهل بیت و در حال
 انتظار فرج برای حاکمیت عدل جان بدهد، نیز کسی که در راه طلب علم بمیرد یا در غربت مرگش فرا
 رسد، یا زنی که هنگام زایمان، جان بسپارد، یا آنکه در راه عمل به وظیفه امر به معروف و نهی از
 منکر کشته شود.

شهادت طلبی

آن دم که باخون خود وضو می‌کردم ز خدا چه آرزو می‌کردم؟
 ایکاش مرا هزار جان بود به تن تا آنهمه را فدای او می‌کردم.
 از الفبای برجسته نهضت عاشورا و از روحیات والای حسین بن علی علیه السلام و یارانش، عنصر
 «شهادت طلبی» بود، یعنی مرگ در راه خدا «راه احدی الحسینین» دانستن و دریچه‌ای برای وصول به
 قرب خدا و بهشت برین دیدن و از این رو شیفتگی و بی صبری برای درک فضیلت شهادت.
 امام حسین عذر خطبه «خط الموت...» به آن تصریح می‌کند و باجمله «من کان باذلاً فینا مهجته
 فلیرحل معنا» یاران شهید طلب را هم‌بر می‌گزیند و به مسلخ عشق، کربلا می‌برد.

اینگون به استقبال مرگ رفتن، چون مبتنی بر درک والاتری از فلسفه حیات است، با خودکشی متفاوت است.

خودکشی و خود را به هلاک افکندن، شرعا حرام و عقلا ناپسنداست، اما استقبال از مرگ به خاطر ارزشهای متعالی، مشروع و معقول است.

حتی اگر انسان بداند در یک حماسه و مبارزه به شهادت خواهد رسید، مرگ او خودکشی نیست، چون گاهی تکلیف ایجاب می کند که جان را فدای دین کند، چون دین، گرمی تر از انسان است.

دین خدا عزیزتر است از وجود ما این دست و پا و چشم و سر و صورت فدای دوست.

حل این معما (آگاهانه سراغ مرگ رفتن) تنها با درک و برداشت متعالی تر از زندگی والا و کرامت انسانی میسر است.

اینکه امام حسین (ع) از شهادت خود آگاه است و با همین علم، به کربلا می رود، به همین نکته برمی گردد. آن حضرت مرگ سرخ رابتر از زندگی ننگین می داند: «لا اری الموت الا سعادة و الحیاء مع الظالمین الا برما».

این فرهنگ، پذیرفته همه اقوام و ملتهاست و این نوع مرگ انتخابی و آگاهانه، مکمل حیات شرافتمندانه است، نه در تناقض با آن. چون مرگ، پایان نیست تا کسی با انتخاب مرگ، به پایان یافتن خویش کمک کرده باشد. مرگ سرخ و شهادت، نوع کمال یافته تری از حیات است. امام حسین عبا علم به شهادت در حادثه کربلا به آن قربانگاه رفت، تا در سایه شهادتش، اسلام زنده بماند و حق، حیات یابد. این، هدفی است ارزشمند که حسین علیه السلام هم قربانی آن گردد. سیدالشهدا 7 این راه را برگزید و آن را پیش پای بشریت گشود و روندگان این صراط جاودانه، همه شاگردان مکتب عاشورايند.

تو اسوه شهادتی، معلم شهامتی خوشا کسی که پا نهد به مکتب ولای تو

اصحاب امام حسین علیه السلام نیز در شب عاشورا، یک به یک برخاسته، این روحیه را ابراز می‌داشتند و از مرگ، هراسی در دلشان نبود. علی اکبر (ع) هم در مسیر راه کربلا، وقتی کلمه استرجاع را از زبان امام حسین علیه السلام شنید و حضرت خبر از آینده شهادت آمیز داد، پرسید: «السنا علی الحق؟» مگر بر حق نیستیم؟ فرمود: آری. علی اکبر گفت: «یا اَبهَ لانبالی بالموت» پس چه ترسی از مرگ؟ حضرت قاسم هم شب عاشورا وقتی از امام حسین عپرسید که آیا من نیز کشته خواهم شد؟ و امام پرسید مرگ در نظرت چگونه است؟ پاسخ داد. شیرین تر از عسل اینها همه نشان دهنده این روحیه و اندیشه است که مرگ در راه عقیده و شهادت در راه خدا، آرزوی قلبی و ارستگانی است که رشته تعلقات دنیوی را بریده و به حیات برین و رز الهی در سایه شهادت دل بسته‌اند.

در اشعاری هم که امام حسین (ع) روز عاشورا یا قبل از آن روز می‌خواند، این مفهوم مطرح بود. از جمله:

و ان یکن الابدان للموت انشات فقتل امرء بالسيف فی الله افضل

و نیز در رجزهای آن حضرت، مرگ را بر زندگی ذلت‌بار ترجیح دادن می‌درخشد:

«الموت اولی من رکوب العار».

حضرت زینب (س) در خطبه‌اش در مجلس یزید، بر این شهادت‌ها افتخار می‌کند:

«... فالحمد لله رب العالمین الذی ختم لاولنا بالسعادة و الرحمة و لاخونا بالشهادة و الرحمة».

حضرت سجاد (ع) نیز در برابر تهدیدی که ابن زیاد کرد که آن حضرت را بکشند، فرمود: «أبالقتل

تهددنی یا بن زیاد؟

اما علمت ان القتل لنا عادة و کرامتنا الشهادة» مرگ، برای ما عادت است و شهادت، افتخار ماست،

مرا از مرگ می‌ترسانی؟

امام خمینی ره فرمود: «مرگ سرخ، به مراتب بهتر از زندگی سیاه است و ما امروز به انتظار شهادت نشستیم، تا فردا فرزندانمان در مقابل کفر جهانی با سرافرازی بایستند.»

شهادت طلبی بسیجیان باعث اعجاب امام امت

رزمندگان جوان اسلام نشان دادند که با جهاد بانفس می توانند به قله های رفیع معنویت و معرفت دست یابند لذا امام امت آنها را تحسین می کردند و می فرمودند:

این مسئله ای که آن اشخاصی که در صدد تهذیب هستند، در صدد تزکیه نفس هستند. پنجاه سال زحمت می کشد، بعد از زحمت های فراوان پنجاه ساله به یک مقامی می رسند و این جوانها را خدای تبارک و تعالی آن طور در ظرف یک مدت بسیار کم، متحول کرد به یک مقامی که آن هایی که پنجاه سال زحمت کشیده اند، نرسیده اند به این مقام؛ نرسیده اند به آن جا که غیر از خدا اصلاً هیچی نخواهند، شهادت را این طور طالب باشند. این طور شهادت را در بر گیرند. این یک مسئله مهمی است. ما همیشه باید در نظر داشته باشیم که این مسئله، مسئله عادی نیست.

خداوند پیشنهاد یک تجارت به انسان ها داده است.

یا ایها الذین امنوا هل ادلکم علی تجارة تجیکم من عذاب الیم (10). تومنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون (11). صف

شهادت در این تجارت شرکت کردند و جان خود را با خدا معامله نمودند

من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبنی و من احبنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علی دیته فانا دیته

انکس که تو را شناخت جان را چه کند...فرزند و عیال و خانمان را چه کند؟

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی....دیوانه تو هر دو جهان را چه کند؟

شهدا راه صدساله را یکشبه طی کردند!..

علامه طباطبایی در اواخر عمرش فرمود: «راهی را که ما عمری با سختی ها و ریاضت ها رفتیم، این جوان ها و شهیدان انقلاب اسلامی، در یک شب سپری کردند!»

شهدا باب الحوائج هستند:

بعضی خانواده شهدا می گفتند وقتی دچار مشکل می شویم سر قبر شهیدمان می رویم و متوسل می شویم و حل می شود.

شهادت باعث زنده بودن دین است و تاکنون اگر از دین و اسلام نامی باقی مانده و این چنین در حال گسترش است مرهون قلم دانشمندان و خون شهیدان است. انقلاب اسلامی نیز با خون هزاران شهید به پیروزی رسید و در راه تداوم خود نیز چه در دفاع مقدس و چه در سنگرهای دیگر همچون شهدای هسته ای و شهدای مدافع حرم ، شخصیت های بزرگواری را تقدیم راه اسلام عزیز نموده است

شهید دستغیب خطاب به رزمندگان دفاع مقدس می گوید من حاضرم 70 سال عبادت، نماز و روزه خود را به دو رکعت نماز تو ای رزمنده عوض کنم؛ اما در این معامله این تویی که ضرر می کنی زیرا آن دو رکعت نمازی که تو در حال دویدن با لباس های نجس بدون وضو و تیمم در نبرد حق علیه باطل با چشم و ابرو خواندی ارزشش بیش از 70 سال عبادت نماز و روزه های من است.

زمزمه شهدا این بوده:

همه عالم یه طرف، حسین زهرا یه طرف

هرچی عشقه یه طرف، عشقه به مولا یه طرف

این کیه هر کی صداش می کنه دیونش میشه

دیگه جایی نمی ره گدای این خونش می شه

این کیه که اسمشو هر کی تو عالم می بره

همه ی وجودشو مصیبت و غم می بره

این کیه که عشق اون عالمو حیرون می کنه

غم کربلاش دل فاطمه رو خون می کنه

اسم اون حسینه و جونیه ما به فداش

خدا اون روزو بیاره که بریم به کربلاش

نمی دونم که چرا دلم براش پر می زنه

هر کی تو روزش بیاد به سینه و سر می زنه

یکی نیست تو کربلا خواهرشو یاری یاری بده

یکی نیست تو قتلگاه برا حسین زاری کنه

نمی دونم که چرا قامت خواهرش خمه

هر چی ما گریه کنیم برا حسین بازم کمه

دیگه چیزی نمی خوام حسین زهرا رو میخوام

گل و بستان نمی خوام خیمه مولا رو می خوام

❑ از ۱۳ سالگی تا به هنگام شهادت، ۲۳ سالگی نماز شبش ترک نشده بود.

❑ شب های بسیاری سر بر سجده عبادت با خدای خود نجوا میکرد و اشک میریخت...

❑ شهید احمد پلارک را میگویم!

❑ همان شهید معروف قطعه ۲۶ بهشت زهراى تهران!

❑ بعضی به "شهید عطری" میشناسندش!

❑ مادرش اینگونه نقل کرد که پسرش در مدت عمرش چهار عمل را هرگز ترک نکرد :

❑ 1 نماز شب

❑ 2 غسل روز جمعه

❑ 3 زیارت عاشورای هر صبح

❑ 4 ذکر ۱۰۰ صلوات در روز و ۱۰۰ بار لعن بنی امیه.

شہیدے کہ امام زمان (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف) کفنش کرد...

شہیدے بود کہ ہمیشہ ذکرش این بود، نمے دونم شعر خودش بود یا غیر...

یا بن الزهرا

یا بیا یک نگاہے به من کن

یا به دستت مرادر کفن کن

♥ از بس این شهید به امام زمان (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ) علاقہ داشت به دوست روحانے خود وصیت مے کند. اگر من شهید شدم دوست دارم در مجلس ختم من تو سخنرانے کنے...

□ □ روحانے مے گوید: ما از جبهہ برگشتیم وقتے آمدیم دیدیم عکس شهید را زده اند. پیش پدر و مادرش آمدم گفتم: این شهید چنین وصیتے کرده است آیا من مے توانم در مجلس ختم او سخنرانے کنم؟ و آنان اجازه دادند...

□ در مجلس سخنرانے کردم بعد گفتم ذکر شهید این بوده است:

یا بن الزهرا

یا بیا یک نگاهے به من کن

یا به دستت مرادر کفن کن

□ وقتی این جملہ را گفتم، یک نفر بلند شد و شروع کرد فریاد زدن. وقتی آرام شد گفت: من غسل هستم دیشب آخرہائے شب به من گفتند یکے از شهدا فردا باید تشییع شود و چون پشت جبہہ شہید شدہ است باید او را غسل دہے

□ وقتے کہ مے خواستم این شہید را کفن کنم دیدم یک شخص بزرگوارے وارد شد گفت: برو بیرون من خودم باید این شہید را کفن کنم.

□ من رفتم در وسط راہ با خود گفتم این شخص کہ بود و چرا مرا بیرون کرد؟؟؟

□ با عجلہ برگشتم و دیدم این شہید کفن شدہ و تمام فضاے غسلخانہ بوے عطر گرفتہ بود.

از دیشب نمے دانستم رمز این جریان چہ بود. اما حالا فہمیدم...شناختم...

□ روایت مقدس

به نقل از نگارنده کتاب "میر مهر" حجۃ الاسلام سید مسعود پور آقایی

جانبازان

جوانانی که سالم و برومند به جبهه رفتند و در راه خدا مجاهدت کردند و بر اثر اصابت گلوله یا خمپاره یا موج آن و امثال آن مجروح شدند و لقب جانباز به خود گرفتند. اینان دین خود را به اسلام و نظام اسلامی ادا کردند. و ملت ایران هرگز مجاهدتهای آنان را فراموش نمی کند. مخصوصا جانبازان عزیزی که تا آخر عمر درگیر جراحات جسمی یا روحی هستند و مرتب در رنج و درد می باشند.

درود خداوند و ملائکه و پیامبران و اولیاء بر جانبازان و خانواده صبور و مقاوم آنان.

- کارنامه نورانی شهادت و جانبازی عزیزان شما، گواه صادقی بر کسب بالاترین امتیازات و مدارج تحصیلی معنوی آنان است، که با مهر رضایت خدا امضا شده است؛ و کارنامه شما در گرو تلاش و مجاهدت شماست.
- زندگی در دنیای امروز، زندگی در مدرسه اراده است، و سعادت و شقاوت هر انسانی، به اراده همان انسان رقم می خورد.
- مفقودین عزیز محور دریای بی کران خداوندی اند، و فقرای ذاتی دنیای دون در حسرت مقام والایشان در حیرتند.
- سلام گرم و محبت خالصانه ام را به این سرمایه های گرانبهای انقلاب، این یادگاران معلمین جاوید دانشگاه عشق و شهادت ابلاغ نمایید.
- مبدا يك وقتی يك كلمه درشتی گفته بشود به این بازماندگان شهدا یا به این معلولین.
- مجروحین و معلولین خود چراغ هدایتی شده اند که در گوشه گوشه این مرز و بوم، به دین باوران راه رسیدن به سعادت آخرت را نشان می دهند.
- درود بر شما معلولان و مصدومان که اعضا و سلامت خود را در راه اعتلای قرآن کریم از دست دادید.
- شما خودتان زبان گویای افتخار هستید، زبان گویای اسلام هستید.
- آنهایی که برای خودشان و برای قدرت خودشان، خون شما جوانها را و شما معلولها را وسیله قرار می دهند از فطرت انسانی خارجند.
- هرچه انقلاب اسلامی دارد، از برکت مجاهدت شهدا و ایثارگران است.

آزادگان

یکی از امتحانات الهی، اسارت تعدادی از رزمندگان اسلام بدست بعثیان جنایتکار وقسی القلب بود. گویا این عده از رزمندگان اسلام، مقام وقرب الهی دارند که باید بیشتر بلا بکشند که هر که مقرب تراست، جام بلا بیشترش می دهند. باید شلاق وشکنجه حسمی وروحی که توسط جلادان بعثی بر آنان وارد واعمال می شد، راتحمل کنند. باید اسارت ودوری از خانواده وامام ودوستان را متحمل گردند. باید تشنگی و گرسنگی ودردها را بجان بخرند.

وچه خوب از این آزمون بیرون آمدند. مخصوصا با حضور روحانیون نورانی چون آیت صبر واستقامت ودرايت، حجه الاسلام والمسلمین ابوترابی، رزمندگان اسلام که اسرای دشمن بعثی بودند انرژی می گرفتند وتقویت می شدند وروحیه می گرفتند.

تعداد زیادی از اسرای اسلام، در مدت اسارت به دانشهای اسلامی دست یافتند. بیسوادها باسواد شدند وباسوادها با قرآن ونهج البلاغه و دعاها آشنا گردیدند. طعم شیرین وحلاوت مناجات با خدا را بهتر چشیدند وخدا را با دل بیشتر دیدند. محبوس بودن امام کاظم علیه السلام را در زندانهای هارون الرشید با همه وجود احساس نمودند.

رزمندگان اسلام

بعد از جنگهای صدر اسلام و جنگهای سه گانه زمان خلافت امیرالمومنین علی علیه السلام ، تاریخ ، حماسه هایی همانند حماسه های رزمندگان اسلام را بیاد ندارد.

در جبهه از همه اقشار حضور داشتند. از روحانیت. از دانشگاهی. از کارگران. از صنعتگران. از کارمندان. از بازاریان. از کشاورزان. از دانش آموزان. از پزشکان و پرستاران. از معلمان و غیره. از نوجوان دوازده ساله تا پیرمرد کهنسال و سالخورده.

در جبهه دیگر اثری از عناوین شغلی خبری نبود. از فرمانده گردان گرفته تا بسیجی ساده همه در یک سطح بودند.

همه به نوبت خادم الحسین می شدند و وظیفه پذیرائی و شستشوی ظروف و تهیه چایی را بعهده داشتند.

در جبهه همه برادر بودند و از یکدیگر درسها می آموختند. جبهه دانشگاه عظیمی بود که فارغ التحصیلانش یا شهداء بودند یا جانبازان یا آزادگان یا رزمندگان سرافراز عارف دل و متحول شده معنوی.

یاد خدا در جبهه کاملاً محسوس بود و از دنیا و زخارف و لذات آن خبری نبود و در شبها و سحرها سجاده ها پهن می شد و مناجاتها و دعاها و نمازها اقامه می شد.

افرادی بودند که از این فضای معنوی آنچنان متحول می شدند که یکشنبه راه صدشبه را می پیمودند. جبهه ها محیط انسان سازی بود. و هزاران انسان و ارسته در این محیط ها تربیت شدند.

در جبهه ها بود که شخصیت سرداران غیور و فرماندهان شجاع کشف می شد و شخصیتهایی چون زین الدین، حاج احمد خرازی، باکری، همت، حاج احمد متوسلیان، صیاد شیرازی، بابائی، کشوری و دیگران نورافشانی کردند و الگوی

دیگر رزمندگان اسلام شدند.

امام فرمودند: نگذارید پیشکسوتان جهاد و شهادت و خون، در پیچ و خم زندگی روزمره به فراموشی سپرده شوند.

در آیات (19 - 22) سوره «توبه» می خوانیم

أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا :
يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ
أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا
؛ «نَعِيمٌ مُقِيمٌ * خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

(آیا سیراب کردن حجاج و آباد ساختن مسجدالحرام را همانند [عمل] کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟! [این دو،] نزد خدا مساوی نیستند! و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی کند! * آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد نمودند مقامشان نزد خدا برتر است؛ و آنها پیروز و رستگارند! * پروردگارتان آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت [خویش]، و باغ هائی از بهشت بشارت می دهد که در آن، نعمت های جاودانه دارند. * همواره و تا ابد در این باغ ها [و در میان این نعمت ها] خواهند بود؛ زیرا پاداش عظیم نزد خداوند است).

شان نزول:

در شأن نزول آیات فوق، روایات مختلفی در کتب اهل سنت و شیعه نقل شده است، که از میان آنها آنچه صحیح تر به نظر می رسد، ذیلاً می آوریم.

دانشمند معروف اهل سنت «حاکم، ابوالقاسم حسکانی» از «بُرَيْدَة» نقل می کند: «شَيْبَة» و «عباس» هر کدام بر دیگری افتخار می کردند و در این باره مشغول به سخن بودند که علی (علیه السلام) از کنار آنها گذشت، پرسید:

به چه چیز افتخار می کنید؟

عباس گفت: امتیازی به من داده شده که احدی ندارد، و آن مسأله آب دادن به حجاج خانه خدا است. شیبیه گفت: من تعمیر کننده مسجدالحرام (و کلید دار خانه کعبه) هستم.

علی (علیه السلام) گفت: با این که از شما حیا می کنم باید بگویم با این سن کم افتخاری دارم که شما ندارید، آنها پرسیدند: کدام افتخار؟

فرمود: من با شمشیر جهاد کردم تا شما ایمان به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) آوردید. عباس خشمناک برخاست و دامن کشان به سراغ پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد (و به عنوان شکایت) گفت:

آیا نمی بینی علی (علیه السلام) چگونه با من سخن می گوید؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: علی (علیه السلام) را صدا کنید، هنگامی که به خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد، فرمود:

چرا این گونه با عمویت (عباس) سخن گفتی؟

علی (علیه السلام) عرض کرد: ای رسول خدا! اگر من او را ناراحت ساختم با بیان حقیقتی بوده است، در برابر گفتار حق هر کس می خواهد ناراحت شود، و هر کس می خواهد خشنود

جبرئیل نازل شده، گفت: ای محمد! پروردگارت به تو سلام می فرستد، و می گوید: این آیات را بر آنها

؛ «...أَجْعَلْكُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ» بخوان

(آیا سیراب کردن حجاج و عمران مسجدالحرام را هم چون ایمان به خدا و روز رستاخیز و جهاد در راه
(او قرار دادید؟ هرگز مساوی نیستند

همین روایت، به همین مضمون، یا با تفاوت کمی، در کتاب های فراوانی از اهل سنت نقل شده، مانند
«تفسیر طبری» و «ثعلبی»، «اسباب النزول واحدی»، تفسیر «خازن بغدادی»، «معالم التنزیل» علامه
(2). بغوی، «مناقب» ابن مغزلی، جامع الاصول «ابن اثیر»، تفسیر «فخر رازی» و کتاب های دیگر
به هر حال، حدیث فوق از احادیث معروف و مشهوری است که حتی افراد متعصب به آن اعتراف کرده
اند.

در بیان مقام و منزلت رزمندگان اسلام آیات بسیاری وجود دارد که ما به آوردن همین چند آیه بسنده
می نمائیم و برای اینکه مطلب جامع تر باشد چند حدیث و روایتی ردر این موضوع نیز می آوریم:
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

اخبرنی جبرئیل بامر قرت به عینی و فرح به قلبی، قال: یا محمد من غزی من امتک فی سبیل الله
فاصابه قطره من السما او صداع، کتب الله له شهاده یوم القیامه⁽³³⁾

به من خبر داد جبرئیل به امری که چشمم روشن و دلم شاد شد، که ای محمد! هر کس از امت تو
در راه خدا جهاد کند، و در این مبارزه و پیکار تنها قطره آبی از آسمان بر او اصابت کند، یا سر درد
شود، خداوند متعال در روز رستاخیز مقام شهید نصیب او می گرداند.

اینکه به خاطر برخورد قطره آبی و یا مبتلا شدن به درد سر، به جهاد گران (فی سبیل الله) مقام شهید
اعطا می شود، پیدا است که مقام جانبازان و معلولین میدان رزم و یا به خون خفتگان معرکه جهاد، چه
اندازه عالی است.

و امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

(و من انکره بالسیف لتکون کلمه الله هی العلیا و کلمه الظالمین هی السفی فذلک الذی اصاب سبیل
الهدی و قام علی الطریق و نور فی قلبه الیقین⁽³⁴⁾)

و آنکس که با شمشیر برای بزرگداشت نام خدا و سرکگونی ظالمان به مبارزه برخیزد او به راه هدایت راه یافته و بر جاده حقیقی گام گذارده و نور یقین در قلبش تابیده است.

آری، چه کسی از آن رزمنده سلاح به دوش فداکار، که به جهت اعتلای کلمه (الله) و نابودی زورگویان با آنها در ستیز است. و جز برای پیاده نمودن دستورات الهی نمی اندیشیدند و غیر از نجات ستمدیدگان از زیر سلطه ستمگران هدفی ندارد، به راه راست و (صراط مستقیم) هدایت یافته و قلبش از نور حق روشن شده است؟

و امام صادق علیه السلام می فرماید:

(ثلاثة دعوتهم مستجابة احدهم الغازی فی سبیل الله فانظروا کیف تخلفونه⁽³⁵⁾)

سه طائفه اند که دعای شان مستجاب می گردد، یکی از آن سه دسته، مجاهد در راه خدا است، پس بینید چگونه پشت سرش با او رفتار می کنید.

یعنی بنگرید، به رزمنده ای که پیشگاه پروردگار این قدر مقام و منزلت دارد که خواسته اش رد نمی شود، هنگامی که او در جبهه است، شما پشت سر و در غیابش با وی و بستگانش چگونه عمل می نمائید، آیا با نوازش و سرکشی از خانواده و بستگانش روحیه اش را در معرکه نبرد تقویت می کنید، یا با اذیت و آزار فامیل و دودمانش سبب شکستن روحیه اش می گردید. آیا از او به نیکی یاد می نمائید، یا تهمت و بر چسب و حرف می زنید.

آیات وارده در لزوم و عظمت جهاد فی سبیل الله

مضافاً إلى قوله تعالى: إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ

وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمِ اللَّهِ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

آیه 111، از سوره 9: التَّوْبَةُ

و قوله تعالى: لَا يَسْتَوِي الْقَا ' عِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَ الْمُجَا ' هِدُونَ فِي

سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَا ' هِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَا '

عِدِينَ دَرَجَةً وَ كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى ' وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَا هِدِينَ عَلَى الْقَا ' عِدِينَ أَجْرًا

عَظِيمًا © دَرَجَا ' تِ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا. آیه 95 و 96، از

سوره 4: النِّسَاء

آن کسانی که اُولی الضَّرَر هستند و بواسطهٔ آسیب و گزندى که به ایشان رسیده است

نمی‌توانند در راه خدا جهاد کنند، تکلیف از آنها ساقط است. و اما آن کسانی که مؤمنند

و ضررى به آنها نرسیده و متمکن از جهاد هستند (چون جهاد واجب کفائی بوده و

واجب عینی بر یکایک افراد نیست) ایشان اگر به اختیار خود جهاد نکنند و قاعد باشند

(یعنی به اعمال دیگر مانند نماز و روزه و حجّ و سائر کارهای خیر مشغول شوند) درجهٔ

این افراد با مجاهدین فی سبیل‌الله بأموالهم و أنفسهم یکسان نخواهد بود. خداوند

مجاهدین فی سبیل الله بأموالهم و أنفسهم را بر نشستگان فضیلت بخشیده و یک درجه آنها را بالاتر قرار داده است. و خداوند به همه وعده نیک داده است (چه قاعدین، چه مجاهدین) أَمَّا: فَضَّلَ اللهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا؛ مجاهدین را بر قاعدین به أجر بزرگی که عبارتست از علو درجه و رحمت و مغفرتی از جانب پروردگار تفضیل و برتری داده است.

در این آیه، سه فضیلت برای آنها به سه عبارت بیان شده است:

أَوَّلُ: فَضَّلَ اللهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً.

دوّم: وَكُلًّا وَعَدَ اللهُ الْحُسْنَى! هر دو را خداوند بواسطه عمل نیکی که انجام داده و می دهند وعده نیک فرموده است.

سَوّم: وَفَضَّلَ اللهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا. ولیکن به آن کسانی که

مجاهدند بر قاعدین أجر عظیمی عنایت فرموده، که عبارت است از: دَرَجَةً تَمْنَاهُ وَ

مَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللهُ غَفُورًا رَحِيمًا. درجات و مغفرت و رحمتی که شامل آنان

می گردد.

وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيٍّ قَا ' تَلَّ مَعَهُ وَرَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا

ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ. آیه 146، از سوره 3: آل عمران

«و چه بسیار از پیغمبران بودند که افراد مهذب و تربیت یافته مکتب توحید در رکاب

آنان کارزار می کردند و در مقابل آنچه که در راه خدا به آنها إصابت می کرد، هیچ

سستی نکرده و إظهار ضعف نمودند (هیچگاه إظهار شکست و تذلل و انفعال نکرده،

بلکه پا برجا و ثابت قدم، در معیت با آن پیغمبران قتال کردند.) و خداوند صابرين را

دوست دارد.»

پیروز گردد، در هر صورت، ما در آینده اجر عظیمی به او عنایت خواهیم کرد.»

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاءُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ.

آیه 142، از سوره 3: آل عمران

«آیا چنین گمان می‌کنید که داخل بهشت می‌شوید، در حالیکه هنوز خداوند مقام

آنها را از شما که در راه خدا جهاد کرده‌اند، و آنها را که صبر نموده‌اند، معلوم

نگردانیده باشد؟!»

قَدْ تِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا

يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ 'بَ حَتَّى' يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَا'

غُرُون. آیه 29، از سوره 9: التوبة

«به جنگ و کارزار بر خیزید با آن کسانی که به ایشان کتاب داده شده است (أهل

کتاب) اَمَا به خدا و به روز قیامت ایمان ندارند؛ و آنچه را که خدا و رسول خدا حرام

شمرده‌اند، حرام نمی‌شمارند؛ و به دین حق متدین و متعهد نیستند. جهاد و کارزار کنید

تا اینکه با دستهای خود از روی ذلت و مسکنت جزیه بپردازند.»

وَقَا ' تَلُوهُمْ حَتَّى ' لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَا ' نَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ '

لَمِینَ آیه 193، از سوره 2: البقره.

وَقَا ' تَلُوهُمْ حَتَّى ' لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ

بَصِيرٌ. آیه 39، از سوره 8: الانفال

«با افراد مشرک و کافر کارزار کنید تا وقتی که ریشه و اساس فتنه در عالم منقطع

گردد. یعنی تا هنگامی که فتنه از میان برخیزد و دین اسلام به تمام معنی الکلمه (امر و

نهی و فرمان و تعهد و میثاق و سنت و دأب و عادت) همه‌اش برای خدا باشد، و دین

حق و دین پروردگار در عالم استقرار پیدا کند.»

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا. آیه 74، از سوره 4: النساء

«حتماً در راه خدا باید جنگ کنند آن کسانی که دنیا را به آخرت می‌فروشند (یَشْرُونَ

أَيُّ يَبِيعُونَ. شراء به معنی بیع است؛ یعنی فروختن. وَ شَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمٍ

مَعْدُودَةٍ آیه 20، از سوره 12: یوسف؛ یعنی برادران یوسف، یوسف را فروختند؛ به

خلاف اَشْتَرَى که به معنی خریدن است). بر آن کسانی که دنیا را به آخرت می‌فروشند (آخرت را در برابر دنیا بدست آورده‌اند) واجب است که در راه خدا کارزار کنند.

کسانی که دنیا را به آخرت می‌فروشند و دست از دنیا برداشته، به دنبال آخرت می‌روند؛ و آن کسانی که ایمان دارند و به پیغمبر گرویده‌اند؛ اشخاصی هستند که قلبشان متحقق به حقّ است. اینها هستند که آخرت را خریده و دنیا را فروخته‌اند؛ و اینان هستند که باید در راه خدا کارزار نمایند. و هر کسی که در راه خدا مقاتله کند، خواه کشته شود و یا آنکه بر دشمن پیروز گردد، در هر صورت، ما در آینده اجر عظیمی به او عنایت خواهیم کرد.»

ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص {صف}

قال الذين يظنون انهم ملاقوا الله كم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله والله مع

الصابرين

فرق رزمندگان اسلام با سربازان دشمن

- 1- رزمندگان اسلام در راه خدا مبارزه می کنند ولی سربازان دشمن در راه طاغوت
- 2- فرماندهی کل قوا در لشکر اسلام در هشت سال دفاع مقدس، به عهده نایب امام زمان عج بود ولی فرماندهی دشمن به عهده صدام بعثی وعفلقی بود.
- 3- رزمندگان اسلام از زمانی که بسوی جبهه ها حرکت می کنند مورد رحمت وپاداش الهی قرار می گیرند تا زمانی که برگردند یا شهید شوند ولی سربازان لشکر دشمن از زمانی که برای جنگ حرکت می کنند مورد لعن ملائکه هستند تا برگردند یا به هلاکت برسند.
- 4- رزمندگان اسلام وقتی به شهادت برسند تمام گناهانش پاک می گردد ولی سربازان دشمن وقتی کشته می شوند مورد عذاب الهی قرار می گیرند.
- 5- رزمندگان اسلام اگر کشته شوند شهید لقب می گیرند وباعث افتخار خانواده اش می شود ولی سربازان دشمن اگر کشته شوند مرده معمولی بوده وباعث سرشکستگی خانواده اش می شود.
- 6- رزمندگان اسلام با سلاحشان برای خدا می جنگند ولی سربازان دشمن برای دفاع از ظلم وستم وکفر وانحراف مبارزه می کند.
- 7- رزمندگان اسلام در مبارزه اش به یکی از احدی الحسنیین یعنی شهادت یا پیروزی دست می یابد ولی سربازان کفر به هلاکت یا زندگی با شقاوت دست می یابد.
- 8- هم رزم رزمندگان اسلام، اولیاء خدا هستند ولی هم رزم سربازان دشمن، اعداء الله هستند.

9- رزمندگان اسلام شب عابد و روز شیران غرنده هستند ولی سربازان دشمن در شب به لهو و لعب و گناه مشغول بوده و روزها هم در هراس و رعب از لشکر اسلام بسر می برد.

آثار و برکات هشت سال دفاع مقدس

جنگ تحمیلی از یک طرف خسارت های جبران ناپذیری بر ملت ایران اسلامی وارد کرد ولی از طرفی برکات بزرگی هم برای این ملت بزرگ داشته است که به بعضی اشاره می شود:

1- احیاء شجره طوبه بسیج

این هشت سال جنگ تحمیلی، برای ملت ما خسارات و برکاتی داشت. از جمله برکات آن تشکیل نیروی عظیم بسیج مستضعفین به فرمان امام امت بود. و علت اصلی پیروزی رزمندگان اسلام، حضور بسیجیان در کنار سایر نیروهای نظامی در جبهه ها بود.

امام خمینی قدس سره درباره این شجره طیبه می‌فرماید:

بسیج، شجره طیبه و درخت تناور و پُر ثمری است که شکوفه‌های آن، بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می‌دهد. بسیج، مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته‌های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده‌اند. (صحیفه نور: 21 / 52)

و فرمودند:

ملتّی که در خطّ اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه و آله و مخالف با استکبار و پول پرستی و تحجّر گرایي و مقدّس نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند؛ چرا که در هنگامه خطر، ملتّی سربلند و جاوید است که اکثریت آن، آمادگی لازم رزمی را داشته باشد.

{صحیفه نور: 21 / 52 – 53}

امام خمینی قدس سره، نه تنها بسیجیان ایران، بلکه بسیجیان جهان اسلام را به آماده شدن برای جهاد در راه خدا توصیه می‌کند:

باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است؛ چرا که بسیج، منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد {صحیفه نور: 21 / 53}

ب - بسیج

- بسیج لشکر مخلص خداست .
- بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاك اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی‌نشانی گرفته‌اند .
- بسیج شجره طیه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین [و] حدیث عشق می‌دهد .
- بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته‌های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده‌اند .
- من دست یکایک شما پیشگامان رهایی را می‌بوسم ؛ و می‌دانم که اگر مسئولین نظام اسلامی از شما غافل شوند به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت .
- حقیقتاً اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار و خلوص و فداکاری، و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه دهیم، چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود؟
- تشکیل بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران، یقیناً از برکات و الطاف جلیه خداوند تعالی بود که بر ملت عزیز و انقلاب اسلامی ایران ارزانی شد .
- من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی، الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملت‌های مسلمان عالم باشد ؛ و قرن پانزدهم قرن شکستن بت‌های بزرگ، و جایگزینی اسلام و توحید به جای شرک و زندقه، و عدل و داد به جای ستمگری و بیدادگری، و قرن انسان‌های متعهد به جای آدمخواران بی‌فرهنگ باشد .

با بسیجیان محشورم گرداند، چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی ام.

□ خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام، و در انتظار فوز عظیم شهادتم.

□ من وقتی مطالعه روحیه مردان و زنان "جوان از دست داده" را می‌کنم که شجاعانه در مقابل مصائب ایستادگی کرده و می‌کنند، برای خود احساس شرمندگی می‌کنم.

□ هم برادرهای ما و هم خواهرهای ما، همه سربازهای اسلام هستیم. و من امیدوارم که در آن کتابی که بناست اسم سربازها را بنویسند، اسم ماها را هم به نام سرباز بنویسند.

□ من امیدوارم به فوز احدی الحسینین نایل شوم: یا پیشرفت مقصود و اقامه عدل و حق، یا شهادت در راه آن که راه حق است.

□ قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می‌دهد، و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابره‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگانی که برستم و ظلم خویش اصرار می‌نمایند سلب خواهد کرد.

□ هیئات که خمینی در برابر تجاوز دیو سیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد - صلی الله علیه و آله - و پیروان ابراهیم حنیف، ساکت و آرام بماند، و یا نظاره‌گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد.

□ نهضت ما قائم به شخص نیست، نهضت ما همگانی است، همه ملت رهبرند، همه بیدار شده‌اند.

ج - سپاه پاسداران

□ نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بحق از بزرگترین سنگرهای دفاع از ارزشهای الهی نظام ما بوده و خواهد بود.

□ ای کاش من هم يك پاسدار بودم.

□ شما آینه مجسم مظلومیتها و رشادتهای این ملت بزرگ در صحنه نبرد، و تاریخ مصور انقلابید.

□ روز مبارك سوم شعبان المعظم روز پاسدار است، و روز تحقق پاسداری از اسلام، از حقیقت، از مكتب الهی؛ روز تولد بزرگ پاسداری که با خون خود و فرزندان و اصحابش مكتب را زنده کرد.

□ ای پاسدارهای عزیز! و ای سربازهای اسلام! در هر جا هستید از خودتان هم پاسداری کنید، تا به پیروزی بر نفس خودتان و پیروزی بر همه شیاطین نایل شوید.

□ درود بر پاسداران اسلام که با خون خود و مشتهای گره کرده خویش انقلاب اسلامی را به ثمر رساندند.

□ اگر سپاه نبود کشور هم نبود.

□ من سپاه پاسداران را بسیار عزیز و گرامی می دارم، چشم من به شماست، شما هیچ سابقه ای جز سابقه اسلامی ندارید.

□ من از سپاه راضی هستم و به هیچ وجه نظرم از شما بر نمی گردد.

داستان بسیج، داستان عاشقان روح الله است. داستان روندگان راه قمر بنی هاشم و علی اکبر و قاسم و حبیب بن مظاهر است. داستان اصحاب رسول الله است. داستان انسان های بزرگی است که جبهه های جنوب و غرب را به مسجد و عبادتگاه و مکان مقدسی تبدیل کردند آن چنان که هنوز صدای مناجات

آنها بگوش حق طلبان می رسد و همه ساله راهیان نور به جبهه ها می روند تا از زمینهای مقدس جبهه ها نور بگیرند و روح عارفان بسیجی حامی آنها در زندگی شان باشند.

2- احیاء مکارم اخلاقی چون شجاعت، ایثار، فداکاری و جوانمردی

جوانانی که بعضا ترسو بودند، یا اهمیتی به کرامت‌های اخلاقی نمی دادند در جبهه ها متحول شدند و شجاعت‌های آنان و ایثار آنان زبانزد خاص و عام گردید و در کتابها نوشته شد.

3- تقویت رابطه امام با امت و تبعیت امت از امام

وقتی جنگ شروع شد و امام مردم را به رفتن به جبهه ها امر کردند مردم اطاعت کردند و فرزندان و پاره های تن خود را به جبهه ها فرستادند.

لذا امام نسبت به بسیج خیلی علاقه مند بود و از اینکه از نوجوان گرفته تا پیرمرد به ندای ایشان لبیک گفته و به جبهه می رفتند خیلی خوشحال و راضی بودند.

بسیجیان هم با عشق امام در جبهه ها حضور باشکوه داشتند و در همه حال ارادت خود را به امام که او را جلوه ای از امام حسین علیه السلام می داشتند.

بسیجیان در وصیتنامه های خود از ملت می خواستند امام را تنها نگذارند و همیشه پشتیبان امام باشند.

4- تکرار عاشورا در صحنه های بیاد ماندنی جبهه ها

داستان های عجیبی از استقامت و فداکاری و شهادت طلبی و شجاعت و ایمان رزمندگان اسلام روایت شده که به یکی از آنها اشاره می شود.

خاطره ای از عملیات خیبر :

در عملیات خیبر بود بعد از آنکه عزیزان ما در خاک دشمن پیش روی کرده بودند نیروهای اسلام در آنجا شروع به خاک ریز زدن کردند. بعد از 5 الی 6 روز عده ای متوجه شدند که صدائی از پشت خاکریزها بگوش آنان می رسد به طرف صدا حرکت کردند و از دور مشاهده نمودند که مجروحی در آنجا افتاده است ، و صدا می زند آیا شما ایرانی هستید؟ یا عراقی ؟ گفتیم ما ایرانی هستیم . بطرف آن عزیز حرکت کردیم دیدیم بدنش پر از خون است ما گفتیم چه می خواهی برایت آماده کنیم ، رفتیم دنبال آب و غذا، وقتی برگشتیم این عزیز مجروح گفت ! فقط یک تقاضا دارم و آن این است ، مقداری آب برایم تهیه کنید که آلان 5 الی 6 روز است با این بدن مجروح اینجا افتاده ام و نماز نخواندم و ما برایش آب تهیه کردیم وضو گرفت و اول نمازش را خواند. [{] رهگشای جوانان - علی رستمی {

حماسه حسینی تاثیرات بسیار شگرفی در تحول معنوی رزمندگان اسلام داشت.

5- ایجاد انقلاب و تحول معنوی در اقشار مختلف مردم

افرادی به جبهه می رفتند که گاه آدمهای مومنی نبودند وبا مسجد و روحانی وامثال آن بیگانه بودند ولی در جبهه با اینها مانوس می شدند و متحول می گردیدند و هزاران نفر به این صورت دچار انقلاب روحی گردیدند. به نمونه ای توجه فرمائید:

داستان حسن لاته!

یادش بخیر آن روزهایی که در جبهه بودیم ، همه اش بیاد خدا بودیم ، قرآن می خواندیم ، نماز شب می خواندیم مناجات می کردیم یک حال عجیبی داشتیم ، به خدا نزدیک بودیم ، بدنبال گناه و معصیت نبودیم ، جمع خوبی داشتیم دور هم جمع می شدیم زیارت عاشورا و دعای کمیل و دعای ندبه و دعای توسل و... می خواندیم واقعا یادش بخیر یک رفیقی داشتیم که خیلی آدم خوبی بود با خدا بود حال عجیبی داشت همه اش در حال ذکر بود توی خودش بود اسمش حسن لاته بود.

یک روز آمد تو سنگرم گفت : حاج آقا یک وصیت نامه دارم دوست دارم شما هم یک توجهی روی آن کنید اگر می شود همین الان تشریف بیاورید توی سنگرم ، گفتم چشم برویم ، آمدم تو سنگرش گفتم : حاج آقا این وصیت نامه من است ولی یک سرّی بین من و خدا می باشد و شما قول بده تا وقتی که زنده هستم به کسی بازگو نکنی ، قول دادم ، گفتم حاج آقا من قبل از انقلاب آدم خیلی بدی بودم و از آن لاتهای قهار سرمرحله ها و همه را می زدم و گاهی اوقات شدت شقاوتم زیاد می شد که بی باکانه داخل حمام های عمومی زنان می شدم و مشغول گناه و معصیت می شدم ، خیلی کارهای دیگر...

تا اینکه انقلاب شد و همه بساط گناه و عرق خواری و مشروب خواری و... جمع شد بعد هم جنگ شد یک روز داشتم از کنار مسجدی رد می شدم دیدم جوانهای که هنوز صورتشان گرد موزده بود توی صف ایستاده اند ، گفتم : آقا برای چه ایستاده اید آیا صف مرغ یا گوشت و روغن و ... چیزهای دیگر است گفت : نه این صف دیدار با خداست ، صف عاشقان الی الله است ، این حرف چنان در من اثر گذاشت که از خود بی خود شدم ، بخود گفتم : ای وای بر تو ای حسن همه به دیدار خدا می روند و تو هنوز از غافله عقبی همه عاشق می شوند و تو هنوز خوابی تاکی می خواهی در گندآب دنیا غرق باشی

... خلاصه من هم عاشق شدم تا خدا را ببینم و حال آدمم و از کردهای خود پشیمانم توبه کرده ام ، ناراحتم الا ن فهمیده ام هر کسی که می خواهد میهمانی حق رود باید بالباسهای نو و لطیف برود ولی من باباری از گناه و معصیت هستم لباسهایم آلوده به کثافات دنیوی است ، حاج آقا روی بدنم را ببین

یکوقت دیدم پیراهن خود را بالازد، دیدم روی بدنش عکس زنی را لخت باعورت خالکوبی کرده اند خیلی ناراحت شدم ، گفت حاج آقا کجایش را دیدی ، پیراهن پشت سرش را بالازد عکس مردی را لخت باعورت روی کمرش خال کوبی کرده اند من خیلی عصبانی شدم گفت حاج آقا کجایش را دیدی ، دیدم روی تمام دست و پایش عورتهای مرد و زن را خال کوبی کرده اند من با عصبانیت او را ترک کردم یکوقت صدا زد حاج آقا راضی نیستم سر مرا به کسی بازگو کنی ، من توجهی نکردم و به سنگر فرماندهی رفتم فرمانده را ندیدم آدمم سنگر خودم رُفقا دورم جمع شدند و هر کدام از دری سخن گفتند یادم رفت که به حسن لاته سر بزنم .

سه و چهار ساعت از این ماجرا گذشت دوستان یکی یکی متفرق شدند من هم از سنگر خارج شدم که سری به حسن لاته بزنم یکی از دوستان صدازد حاج آقا، حاج آقا! گفتم : بله ،

گفت : الا ن حسن لاته شهید شد .

گفت : یک ساعت پیش سوار ماشین شد که برود جلوی دیو که یک وقت خمپاره ای از طرف عراقیهای صدّامی توی ماشین می افتد و حسن لاته شهید می شود، دیدم یک کیسه پلاستیک دستش بود نشان داد گفت این هم بدنش است من خیلی جا خوردم ، گفتم : حسن شهادت گوارایت باشد، خدا چه کسانی را می برد کسی که توبه کند مثل کسی است که تازه از مادر به دنیا آمده باشد، این با آن همه گناه توبه کرد و شهید شد گریه کنان بطرف سنگرش آدمم وصیت نامه اش را برداشتم آوردم دیدم چه عالی نوشته که سه جمله توجه مرا بیشتر جلب کرد:

یکی : اینکه نوشته بود، مادر نارحت نشوی حسن لاته توبه کرد و آخر عاقبت بخیر شد.

دوم : این که در مناجاتش با خدا میگفت : خدایا بناست بمیریم و اما ای خدا دوست دارم در راه تو شهید شوم و تو را ملاقات کنم می دانم گناه زیاد کردم نافرمانی تو را بسیار نمودم اما بیا و دل این بنده گنه کار خودت را نشکن چون به امید دیدار تو آدمم مرا ناامید نکن ای کسی که غفّار گناهانی بخشنده ذنوبی .

سوّم اینکه : خدایا حال که بناهست بمیرم ، بدنم را روی سنگ غسلخانه بگذارند این عکسهای مبتذل

روی بدنم هست بیا و آبرویم را بخر تا مردم بدنم را لخت با این عکسها روی سنگ غسالخانه نبینند
 یک نگاهی به بدن سوخته و از هم متلاشیش کردم دیدم خدا آبروی حسن لاته را خریده و توبه او را
 قبول کرده و دعایش را مستجاب نموده و آخر عاقبتش را ختم به خیر نموده. { قصص التوابین یا
 داستان توبه کنندگان }

6- آگاهی بیشتر ملت ایران از نقش روحانیت در دفاع از کشور و نظام
 حضور روحانیت در جبهه ها از طلبه سطح پایین گرفته تا مجتهدی همچون آیه الله میرزا جواد تهرانی
 به شهادت رسیدن تعدادی از آنها که به نسبت تعداد، بیشترین شهید مربوط به روحانیت است، باعث
 شد که اعتماد مردم و ارتباط ملت با روحانیت عمیق تر گردد.
 از هر هزار نفر روحانی، 40 نفر شهید شدند که جمعا 3700 نفر روحانی در دفاع مقدس به شهادت
 رسیدند. غیر از روحانیونی که فرزند یا برادر ایشان شهید شدند.
 تعدادی از روحانیون در جبهه ،فرمانده گردان، تیپ، لشکر یا قائممقام قرارگاه بودند مانند شهید میثمی
 که مسئولیت بالایی در جبهه داشت. شهید صالحی که قائم مقام لشکر 27 محمد رسول الله بود. سردار
 ملک نیز فرمانده بود و شهید ردانی پور نیز فرمانده بود.
 حضور روحانیت در جبهه ها باعث شد روح معنویت و شهادت طلبی و اخلاص و توسل و توجه به اهل
 بیت علیه السلام در رزمندگان اسلام تقویت شود.

تأثیرات دیگر داخلی و بین المللی هشت سال دفاع مقدس

دفاع مقدس حاوی درس ها و عبرتهای فراوانی است. این دوران به ظاهر تلخ و ناگوار، دستاوردهای
 ارزشمندی را برای ملت ایران، انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی در پی داشت.

دوران دفاع مقدس که دوران دفاع از آب و خاک و ناموس و هویت دینی و ملی کشورمان بود با وجود همه مصائب و خسارت‌های مادی که همراه داشت دارای برکات فراوانی بود که به بخش‌هایی از آن اشاره داریم.

الف) مروری بر مهم‌ترین دستاوردهای دفاع مقدس در داخل

اعتماد به نفس و خودباوری

از برکات مهم دفاع مقدس، تقویت اعتماد به نفس و خودباوری بوده است. ما در کوران دفاع مقدس به این نتیجه رسیدیم که باید خود را باور کنیم و با تکیه بر توانمندی‌های خود به ویژه جوانان خداجو، کشور را اداره نماییم. تأثیر این خودباوری، بعد از جنگ در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فناوری‌های نوین دفاعی، نمود فزاینده‌ای داشت.

در جنگ و دفاع مقدس هشت ساله، به این نتیجه رسیدیم که باید بر روی پای خود بایستیم و به این خودباوری دست یافتیم که، می‌توان سالیان سال علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها مبارزه کرد؛ همچنان که حضرت امام (رحمت الله علیه) فرمودند: «ما در این جنگ، اُبَهِت دو قدرت شرق و غرب را شکستیم.»

شکستن اُبَهِت دو قدرت شرق و غرب، نه فقط در صحنه‌های نبرد و جنگ، بلکه در تمامی صحنه‌ها به دست آمد. با خودباوری و اعتماد به نفس ایجاد شده در مردم، به پیشرفت‌ها و ابتکاراتی دست زدیم که تحسین دوست و دشمن را برانگیخت. در تحریم اقتصادی، صبورانه با روحیه قناعت و صرفه‌جویی مقاومت کردیم و اقدام به ساخت وسایل و قطعات مختلف نموده، تا مرز خودکفایی در کالاها و محصولات اساسی پیش رفتیم و در یک جمله؛ ملت ما ثابت کرد که، اگر بخواهیم، می‌توانیم و این‌ها همه از برکات جنگ تحمیلی و تحریم‌های مختلف بود که به قول امام (رحمت الله علیه): «این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم؛ و این وصیت رهبر خودباور جامعه است که «انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به

هدف، که همان اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است، کمک کند. خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد، قیام کنید.»

تولد تفکر بسیجی

تفکر بسیجی که ایدئولوژی کارآمد دفاع مقدس بود، در مدرسه عشق امام راحل عینیت یافت و تربیت‌یافتگان این مدرسه، زیباترین حماسه‌ها را در تاریخ رقم زدند و امروز قداست و طهارت بسیج مرهون ایثار و شهادت‌طلبی‌های بسیجیان دوران دفاع مقدس است، که هرگز نباید مورد مصرف سیاسی و صنفی قرار گیرد.

بعد از اشغال لانه جاسوسی آمریکا در ایران توسط دانشجویان پیرو خط امام، حضرت امام در طی یک سخنرانی خطاب به اعضای ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فرمودند که باید ارتش 20 میلیونی تشکیل شود. امام (رحمت الله علیه) با اشاره به این مطلب که «مملکت اسلامی همه‌اش باید نظامی باشد» و این که «اگر کشوری 20 میلیون جوان دارد، باید 20 میلیون تفنگدار داشته باشد»، توجه فرماندهان سپاه را به این امر مهم معطوف داشتند. به دنبال فرمان امام، در طی مدت کوتاهی حدود یک میلیون و دویست هزار نفر در سراسر کشور در واحدهای سپاه ثبت‌نام کردند، که بعداً به چندین میلیون نفر رسید. این‌ها از اقشار مختلف مردم بوده و اغلب در جریان انقلاب آموزش‌هایی هم دیده بودند.

بعد از رهنمود امام، ستاد ویژه‌ای تحت عنوان واحد بسیج مستضعفین در سپاه به وجود آمد و امر آموزش و سازماندهی نیروهای مردمی را در سراسر ایران به طور ضربتی به عهده گرفت.

رشد فضایل اخلاقی و معنوی

از برکات دیگر دفاع مقدس، رشد فضایل اخلاقی و معنوی در افراد و تقویت ارزش‌های اجتماعی بود؛ به طوری که همه اقشار ملت تحت تأثیر اخلاق رزمندگان و فضایل انسانی خانواده آنان قرار داشتند؛ به ویژه موقعی که مراسم تشییع شهدا برگزار می‌شد، همگان شرکت فعال داشته، از فضای معنوی آن بهره‌مند می‌شدند.

بسیار دیده‌ایم یادگاران عزیز جنگ را که بر سوگ از دست دادن جبهه و جنگ سخت می‌گیرند. گریه آنان در حسرت خونریزی و خشونت جنگ نیست، بلکه برای از دست رفتن آن فضای روحانی و معنوی است. بچه‌های جنگ در آن فضای معنوی به تصفیه و تزکیه می‌پرداختند و دل خود را به نور حق مصفا می‌کردند و به فرموده امام راحل (رحمت الله علیه) راه صد ساله را یک شبه می‌پیمودند؛ بدان گونه که «پیر میکده عشق» آن رزمنده سیزده ساله را رهبر خویش می‌خواند و در «نماز عشق خود» به او اقتدا می‌کند. این بُعد از جنگ، یکی از زیباترین ابعاد جنگ است، از این رو آشنایی با آن و زمینه ایجاد شناخت آن، نیاز مبرم جامعه خصوصاً جوانان است و این مستلزم عبور از سطح ملموس جنگ و نقب به بطن و حقیقت جنگ است.

تحول در صنایع دفاعی کشور

جنگ تحمیلی با توجه به نوپایی آن، نتایج بسیار با ارزش و مؤثری به همراه داشت. شرایط جنگی و فوق‌العاده کشور، فشارها و نیازها، یکی از بهترین فرصت‌ها برای رشد صنایع و واحدهای تولیدی کشور محسوب گردید و باعث شد جوانان متعهد، با خلاقیت و ابتکار دست به فعالیت‌های وسیعی جهت رفع نیازهای روزمره جامعه خصوصاً جنگ تحمیلی بزنند، که در این میدان مبارزه، با حداقل سرمایه و امکانات دست به نوآوری‌های بزرگی زدند که همین جرقه‌های کوچک و ناچیز در

اوایل جنگ نضج پیدا کرد و امروز در دوران سازندگی، استمرار آن خلاقیت‌ها را در حرکت‌های کلان اقتصادی و صنعتی به وضوح مشاهده می‌کنیم.

یکی از مهم‌ترین برکات جنگ، همین ابتکارات و نوآوری‌ها در جنگ بود که باعث شد شعار زیبای نیاز ایرانی باید به دست ایرانی برطرف گردد، از حالت آرمانی به واقعیت تبدیل شود و اولین جرقه‌های امید در دل جوانان این مرز و بوم که «می‌توان به خود متکی بود و کشوری مستقل داشت»، درخشیدن بگیرد.

معاملات تسلیحاتی در دنیای کنونی، معادلات خاصی دارد؛ به طوری که کشور فروشنده با فروش تسلیحات به کشور خریدار، نوعی وابستگی نظامی را به خریدار تحمیل می‌کند و به گونه‌ای عمل می‌شود که بدون کشور فروشنده، تسلیحات بدون استفاده باقی بماند. اگر به روابط تسلیحاتی کشورهای جهان سوم و خصوصاً کشورهای عربی خلیج فارس نگاه کنیم، به وضوح صحت این مطلب را می‌بینیم. تمام این کشورها با خرید تسلیحات، مجبور شده‌اند چندین پایگاه نظامی خود را به کشورهای فروشنده تسلیحات واگذار نمایند.

تجارب فرهنگی

مهم‌ترین تجارب فرهنگی در دوران دفاع مقدس، مهار فرهنگ سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی و ترویج فرهنگ زهد و ساده‌زیستی بود؛ چرا که بستر فرهنگی مبارزه با دشمن بر اساس تعالیم اسلام، زهد و قناعت و ساده‌زیستی است. امام راحل (رحمت الله علیه) نیز به شدت مراقب نفوذ تفکر سرمایه‌داری در بدنه نظام و دفاع مقدس بودند، که در تعبیری زیبا فرمودند: «آنان که رفاه‌طلبی با مبارزه را قابل جمع می‌دانند، آب درهاون می‌کوبند و با الفبای مبارزه بیگانه‌اند.»

افسوس که بعد از دفاع مقدس این فرهنگ زیبا که می‌توانست بستر سازندگی کشور هم باشد، مورد آماج دنیاخواهی سرمایه‌داران و مدیران رفاه‌طلب قرار گرفت و اکنون اثری از آن باقی نیست.

تحکیم وحدت ملی

از برکات مهم دفاع مقدس، تحکیم وحدت ملی بین آحاد ملت به ویژه گروه‌ها و احزاب سیاسی کشور بود؛ به طوری که همگان منافع حزبی و صنفی خود را در خدمت مصالح نظام و امنیت کشور قرار داده بودند.

آن چه که توانست به انقلاب اسلامی ما مصونیت لازم را ببخشد، برکات و اثرات مثبت جنگ تحمیلی بود، که خداوند در سایه رهبری حکیمانه و خردمندانه امام (رحمت الله علیه) به مردم ایران ارزانی داشت و درحقیقت، هشت سال جنگ حق، بیمه‌ای بود که باید پرداخت می‌شد تا انقلاب اسلامی در مسیر اسلام ناب محمدی پایدار بماند و الحق خون بهای تمامی شهدای جنگ تحمیلی، تداوم و استمرار حرکت اصیل انقلاب اسلامی بود؛ چنان که امام (رحمت الله علیه) در خصوص جنگ می‌فرمایند: «هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ صادر نموده‌ایم؛ ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم؛ ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم؛ ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناختیم؛ ما در جنگ ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم؛ ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامی‌مان را محکم کردیم؛ ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم؛ ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد؛ و از همه این‌ها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی، در پرتو جنگ تحقق یافت.»

رسوایی لیبرال‌ها و منافقین

یکی از خطرهایی که به طور جدی، انقلاب اسلامی را تهدید می‌کرد، افتادن انقلاب به دام لیبرال‌ها بود؛ چنان که امام (رحمت الله علیه) می‌فرمایند: «من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی، همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعضی تصمیمات اول انقلاب، در سپردن پست‌ها و امور مهم کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود... و الان هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کم‌تر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و حرکت به سوی آمریکای جهان‌خوار، قناعت نمی‌کنند... و ما هنوز چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروه‌ها و لیبرال‌ها می‌خوریم.»

در این مسیر، می‌بینیم که یکی از برکت‌های جنگ تحمیلی، سپردن نقش اصلی نظام در تصمیم‌گیری‌ها به دست نیروهای انقلابی است و این جنگ تحمیلی است که لیبرال‌ها و مرفهان بی‌درد را رسوا می‌سازد؛ همان گونه که در صدر اسلام نیز رسوا ساخت.

آزمون روشنفکری

جنگ، عرصه امتحانی سخت را برای جریان روشنفکری ایران فراهم نمود، تا آیندگان با مرور بر کارنامه برخورد جریان روشنفکری با دفاع مقدس، بیماری روشنفکری در ایران را دریابند و هرگز به دام آن گرفتار نشوند.

مخاطب ما، روشنفکری که نخواهد در سنت روشنفکری خویش تجدید نظر نماید، نیست، بلکه مخاطب ما آیندگان هستند و نیز به اصطلاح روشنفکرانی که جرأت و اراده نقد دیدگاه‌های خویش را داشته باشند. روشنفکری در ایران هرگز اصیل و ریشه‌دار نبوده است. جریان روشنفکری در ایران همزاد غربزدگی بوده است؛ چرا که در بستر اندیشه و تفکر غرب تولد یافت. روشنفکری در ایران بیش از آن که جریان اصیل و ریشه‌دار باشد، جریان مقلد به شمار می‌رود. روشنفکر؛ تقلید کورکورانه، مردم‌گریزی و سنت‌ستیزی را ویژگی ذاتی روشنفکری می‌داند. دردها، دغدغه‌ها و آرزوهای

روشنفکر نیز از جنس دیگر است. روشنفکر غربی از واقعیات به دور بوده و با توهّمات خویش مأنوس می‌باشد. او هرگز در میان توده مردم راه پیدا نکرد و توده مردم نیز هرگز از روشنفکر بیمار پیروی نمود. هر چند این واقعیت در انقلاب ظهور یافت، اما هشت سال دفاع مقدس، غبار هر گونه شک و تردید را در این باره بر طرف نمود. روشنفکر اگر در انقلاب حرف مردم را با شگفتی و ناباورانه به نفع خویش تفسیر می‌کرد، در جنگ به گوشه‌ای خزید و مردم‌ستیزی خویش را آشکار نمود.

جنگ، تجلیگاه ارزش‌های انقلاب بود و از همین رو به خوبی ثابت نمود که دردهای روشنفکر در انقلاب، دردهای دیگری بود و راه روشنفکر از راه مردم از همان ابتدا جدا بود. ای کاش دغدغه روشنفکر، درد مردم بود، که در آن صورت می‌گفتیم در شناخت درد مردم دچار بیراهه شده‌اند، اما چه کنیم که روشنفکر بیمار، روش خود را بر دشمنی با دین، سنت‌ها و اعتقادات مردم بنا نموده است. روشنفکر در هشت سال دفاع مقدس، نه تنها به زبان نیز مردم را همراهی و یاری نکرد، بلکه گاه زبان به ملامت و شکایت نیز می‌گشود؛ حتی آنان که دایم خود را دردمند وطن و ایران نشان می‌دادند، در آزمون تاریخی دفاع مقدس مردود شدند.

آزمون کارآمدی نظام جمهوری اسلامی

هنوز مدت زیادی از پیروزی انقلاب سپری نشده بود و نظام دینی نخستین تجربه‌های خود را پشت‌سر می‌گذاشت که جنگ به عنوان پدیده‌ای فراگیر، خود را در ابعاد وسیع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بر جامعه تحمیل نمود و زمینه آزمونی سخت را برای کارآمدی نظام نوپای جمهوری اسلامی فراهم آورد. به چالش کشاندن نظام جمهوری اسلامی از آغاز پیروزی انقلاب، همواره هدف قدرت‌های استکباری بود؛ چرا که انقلاب در ایران و گسترش آن در منطقه، منافع آنان را به خطر افکنده بود و آنان در پیگیری این هدف شوم، به تأثیر مخرب جنگ امید زیادی داشتند. جنگ در حالی آغاز شد که مشکلات اقتصادی و محرومیت‌ها، نزاع‌های سیاسی، کارشکنی گروهک‌ها، ترور و

خرابکاری، کمبود نیروی انقلابی و متخصص و تحریک قومیت‌ها، نظام را رنج می‌داد و انقلاب را تهدید می‌کرد.

با مروری بر حوادث و رویدادهای آن زمان، در می‌یابیم که همان عواملی که در پیروزی انقلاب نقش ایفا نمودند، همان‌ها نیز بزرگ‌ترین سهم را در حفظ انقلاب و نجات آن در شرایط بحرانی بعد از پیروزی داشتند: «اسلام، مردم، امام (رحمت الله علیه)». ایمان مردم، بار دیگر به منزله «سیمان اجتماعی» فراتر از روحیه‌های تفرقه‌انگیز برخاسته از تفاوت‌های زبانی، نژادی و مذهبی، مردم را به یکدیگر پیوند داد و از آنان جمعیتی واحد ساخت. آن چه ایران را نجات داد، نه «ایران» و نه «زبان»، بلکه «اسلام» بود. این نکته در طول دوران دفاع مقدس بروز و ظهور کامل یافت. در این مورد وصیت‌نامه‌های شهدا به عنوان اسنادی تاریخی و ارزشمند، هیچ جای شک و تردید باقی نمی‌گذارد.

حضور مستمر و پرقوت مردم در همه عرصه‌های سخت، حکایت از این واقعیت دارد که بزرگ‌ترین پشتوانه برای دولت‌ها مردم هستند.

تأثیر در حوزه هنر و ادبیات

آموزه‌های حماسی به ویژه اخلاق و سیره رزمندگان، تأثیری مستقیم در حوزه هنر و ادبیات کشور داشته است و به جرأت می‌توان گفت که ادبیات حماسی عرفانی در این دوره تولدی دوباره یافت و حتی فضای ذهنی هنرمندان و فیلم‌نامه‌نویسان را تحت تأثیر و تصرف خود در آورد. اگر چه هنر کلاسیک و آکادمیک در هماهنگی خود با ادبیات دفاع مقدس بسیار کند حرکت می‌کرد، اما هنرمندانی که فارغ از معیارهای کلاسیک به خلق سوژه‌های ادبی و هنری دست زدند، به خوبی درخشیدند. ادبیات مقاومت، شاخه‌ای از فرهنگ و هنر جنگ است. شعر، داستان کوتاه، رمان، خاطره و فرهنگ جبهه، همه بخش‌هایی از ادبیات جنگ هستند. این نوع ادبیات از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است. شاید نخستین محور به لحاظ ترتیب منطقی، تبیین مفهوم یا تعریف آن باشد.

عده‌ای ممکن است آن را ادبیات جبهه و جنگ، یعنی ادبیات حماسی صرف تلقی کنند، یا ممکن است گروهی دیگر هویت وجودی چنین مقوله‌ای را در عرصه ادبیات منکر شوند و با بی‌اعتنایی از کنار آن بگذرند، ولی واقعیت این است که ادبیات مقاومت همزمان با شروع جنگ تحمیلی پا به عرصه وجود نهاد و برخاسته از فضای معنوی و حماسی ویژه جبهه‌ها و نیز شرایط حاکم بر جامعه بود، که در آن، بخشی از افکار، اعتقادات، روابط و عاداتی که در جبهه‌ها وجود داشت، تجلی پیدا کرد. این ادبیات در عرصه گفتار (زبان)، نوشتار (قلم) و رفتار به عنوان فرهنگ عمومی جبهه‌ها، نشان دهنده قسمت اعظم رفتار و محتویات ذهنی، روحیه و افق فکری، و ذوق و سلیقه رزمندگان جبهه‌ها در طول سالیان دفاع مقدس است.

تکامل سازمان ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

نیروهای نظامی اسلام باید در نهایت قدرت و کفایت آماده مقابله و نبرد مقدس خود باشند. اما متأسفانه اکثریت جوامع اسلامی این مسأله مهم را فراموش کرده، دولت‌های آنان در خدمت استکبار جهانی درآمده است. در حال حاضر تنها در ایران است که نیروهای نظامی دارای ایمان و عقیده درست بوده، به طور مستقل و در جهت مواضع اسلام و منافع کشور عمل کرده و تن به فرمان هیچ سلطه‌جوی مستکبری نسپرده‌اند. بعد از انقلاب اسلامی، رژیم شاهنشاهی تبدیل به جمهوری اسلامی گردید و بدین ترتیب، ایدئولوژی مقدس اسلام جای خود را در همه جا باز کرد. مردم که خود عاشقانه به سوی اسلامی کردن کشور گام برداشته بودند، نمی‌توانستند ارزش‌های قبلی را پذیرا باشند. از این رو تحولات معنوی در همه ابعاد به وجود آمد. در ارتش نیز عامل جدیدی چهره نشان داد و آن عنصر عقیده و مکتب بود، که هم در داخل اقشار ارتش و هم در نیروهای مؤمن و مخلص و جوان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دیده می‌شد. سپاه پاسداران که نهادی جوشیده از متن انقلاب و نیازها و ضرورت‌های آن بود، در ابتدا تجربیات لازم رزمی را نداشت. البته ارتش هم که دارای تجربیات کلاسیک بود، در عمل توان کافی برای مقابله با صدامیان نداشت. با شروع جنگ تحمیلی بود

که سپاه و ارتش توانستند در جبهه مراحل تکاملی خود را طی کنند و بدون هیچ تردیدی همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش، نقش بسیار والایی در تحصیل پیروزمندی‌های رزمندگان داشت. این رزمندگان توانستند با پایمردی و ایثار خون و جان خود، کلیه جبهه‌ها را از حالت انفعالی و تدافعی اولیه خارج ساخته، ابتکار عمل را در دست گیرند.

ب) دستاوردهای بین‌المللی و منطقه‌ای دفاع مقدس

1. تثبیت اقتدار جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران ناخودآگاه به جنگی تمام عیار فراخوانده شد که بر اساس پیش‌بینی کارشناسان نظامی و سیاسی، توان مقابله ایران سه روزه بود. اما پس از هشت سال دفاع دلیرانه رزمندگان، نه تنها دشمن نتوانست یک وجب از خاک کشورمان را اشغال کند، بلکه در اوج درماندگی و عجز قرار گرفت و همگان به عظمت، پایداری و اقتدار جمهوری اسلامی ایران اعتراف نمودند. امام راحل (رحمت الله علیه) در این باره فرمودند: «ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامی‌مان را محکم کردیم.»

تحقیقاً اگر آمریکا طی هشت سال، اقتدار ملت ما را ندیده بود، در سال 2003 به جای حمله به عراق، ایران را مورد حمله قرار می‌داد. اما آنچه که همواره موجب انصراف دشمن از حمله شده، تثبیت اقتدار جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس بوده است.

2. تضمین استقلال کشور

کشوری که مقتدر است، استقلال دارد. دشمن بعثی طی هشت سال، استقلال و آزادی ما را به چالش کشاند، اما با اثبات اقتدار نظام توسط رزمندگان، استقلال کشور نیز تضمین شد. اگر همه آحاد ملت و به خصوص احزاب سیاسی کشور، استقلال و آزادی ایران اسلامی را مرهون مجاهدت رزمندگان و خون مقدس شهدا ندانند، می‌توان گفت با الفبای سیاست آشنایی ندارند.

3. تولد استراتژی نوین دفاعی

امروزه استراتژی‌های دفاعی و تهاجمی بر اساس مبانی کلاسیک و علوم نظامی تعریف می‌شوند؛ اما در دفاع مقدس، دنیا با شکلی از دفاع مواجه شد که نیروی انسانی و اراده درونی او نقش اول را در دفاع داشت. عنصر ایمان و عشق به خدای متعال، امروزه مقوله‌ای است که در محافل علمی و نظامی جهان به عنوان یک استراتژی نوین مورد مطالعه است.

4. ایجاد الگوی مبارزه با قدرت‌های بزرگ

از برکات هشت سال دفاع مقدس، ارایه الگویی از مبارزه برای کشورهای اسلامی و جهان مستضعفان است. امام راحل، یکی از برکات جنگ را الگوگیری کشورهایی چون فلسطین، افغانستان و... در مبارزه علیه ستمگران و سلطه‌گران دانسته‌اند. اینک به برکت دفاع مقدس، کابوس شکست‌ناپذیری قدرت‌های بزرگ در اذهان جهانیان شکسته شده است؛ به طوری که امام راحل فرمودند: «ما در جنگ، ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم.»

5. اثبات مظلومیت ایران در جهان

جمهوری اسلامی ایران که مورد هجوم ناجوانمردانه دشمن قرار گرفته بود، فریاد مظلومیت خود را به گوش جهانیان و مجامع بین المللی رسانده بود، ولی توجه جدی به خواسته‌های ایران نمی‌شد؛ گویی همگان می‌خواستند صدام پیروز میدان شود، اما صدور قطعنامه 598 و اعلامیه دبیرکل وقت سازمان ملل و نیز تجاوز عراق به کویت که اعتراف رسانه‌ها و کشورهای مختلف مبنی بر متجاوز بودن عراق را در پی داشت، سند مظلومیت جمهوری اسلامی ایران را امضا نمود و همگان به حقانیت ایران اعتراف کردند.

6. رشد روابط سیاسی و دیپلماسی با کشورها

وقتی کشورهای جهان، به ویژه کشورهای منطقه، اقتدار و ثبات نظام جمهوری اسلامی را در دوران دفاع مقدس مشاهده کردند، خواهان توسعه روابط همه جانبه با ایران اسلامی شدند. حتی کشورهایی که تحت تأثیر تبلیغات دروغین استکبار جهانی قرار گرفته بودند، در دوران دفاع مقدس دریافتند که انقلاب اسلامی، نه تنها قابل شکست نیست، بلکه ریشه در اعتقادات دینی و مذهبی مردم دارد.

حجم فعالیت دیپلماسی و تردد نمایندگان سیاسی کشورها، به ویژه هنگامی که رژیم عراق به کویت حمله کرد، رشد قابل ملاحظه‌ای یافت؛ حتی اعتراف بعضی از کشورها به حمایت از صدام در جنگ و متجاوز بودن رژیم عراق، از جمله مباحث دیدارهای دیپلماسی بوده است.

7. اعتقاد به نقش ایران در تأمین امنیت منطقه

در دوران دفاع مقدس، همه کارشناسان مسایل استراتژیک به این نتیجه رسیدند که تأمین امنیت منطقه خاورمیانه، به ویژه خطوط کشتیرانی در خلیج فارس، بدون حضور کشور قدرتمندی مثل ایران ممکن نیست، از این رو به کشورهای متبوع خود توصیه می کردند که نقش ایران را در تضمین امنیت منطقه نادیده نگیرند. همین امر سبب شد که کشورهای منطقه به ویژه همسایگان در معادلات سیاسی و روابط منطقه ای خود، این موضوع را مورد توجه قرار دهند و ایران اسلامی را محور امنیتی منطقه قلمداد کنند.

8. اثبات کارآمدی دین اسلام

همه کارشناسان مباحث استراتژیک و سیاسی در دوران دفاع مقدس اعتراف کردند که ایران با بهره گیری از تعالیم و آموزه های دینی، توانست جوانان را برای دفاعی همه جانبه بسیج کند و بار دیگر ثابت نماید که عنصر دین و عشق به خدا، می تواند جبهه ای مستحکم و نفوذناپذیر به وجود آورد که طی هشت سال در برابر تهاجم همه جانبه دشمن مقاومت کند. به راستی اندیشه دفاعی امام راحل که ایدئولوژی مقاومت رزمندگان و ملت شهید پرور بود، برخاسته از متن قرآن و سیره نبوی و علوی بود. توانایی این اندیشه در هدایت و فرماندهی همه زوایای دفاع مقدس، در واقع کارآمدی دین اسلام را به اثبات رسانده است و بر فرضیه کسانی که مدیریت دینی را در برابر مدیریت علمی مدرن، ناکارآمد جلوه می دادند، عملاً خط بطلان کشیده است.

9. شکست اهداف زمان‌بندی شده اسرائیل در خاورمیانه

اسرائیل غاصب که برای منطقه خاورمیانه خواب و خیال درازی دیده بود، با ظهور انقلاب اسلامی در منطقه و عبور از چالش عظیم جنگ تحمیلی، با خطر شکست مواجه گردیده و در گرداب انتفاضه فلسطین گرفتار شده و تمامی اهداف شیطنانی‌اش عقیم مانده است. موج اسلام خواهی که به تعبیر امام راحل برخاسته از جنگ هشت ساله است، خشم و نفرت عمومی جهان به ویژه مسلمانان را علیه اسرائیل جنایتکار برانگیخته است.

10. شکست استراتژی مهار دو جانبه آمریکا

آمریکا با اعلان بی طرفی، در آغاز جنگ سعی داشت که دو کشور ایران و عراق را در چنگ خود داشته باشد. ماجرای مک فارلین و ایران گیت در راستای استراتژی مهار دو جانبه بود، اما آمریکا عملاً با شکست مواجه شد و با جانبداری و حمایت همه جانبه از عراق، در صف دشمنان ما قرار گرفت و سرانجام کار را به جایی رساند که آمریکا صدام را در حمله به کویت عامل بحران منطقه و مخالف منافع استراتژیک خود تشخیص داد و با لشکرکشی به عراق، در صدد رفع این بحران بر آمد و ایران اسلامی سرافراز و استوار باقی ماند و با ثبات‌تر از گذشته به عنوان کشوری بزرگ و مقتدر، نقشی حیاتی در تضمین امنیت منطقه پیدا کرد.

11. ارزیابی عملکرد سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

یکی از نتایج بین المللی و منطقه‌ای دفاع مقدس، ارزیابی عملکرد سازمانها و نهادهای بین المللی به ویژه شورای امنیت سازمان ملل است که وظیفه مستقیم تأمین امنیت و صلح جهانی را بر عهده دارد. متأسفانه، عملکرد سازمان ملل متحد طی هشت سال تجاوز عراق به ایران، نشان داد که این سازمان قدرت تصمیم‌گیری عادلانه در حل مناقشات جهانی را ندارد و حتی در مقاطعی با جانبداری از عراق، اصل بی طرفی را نقض کرد و حیثیت بین المللی خود را خدشه دار نمود، و عملاً نشان داد که تحت نفوذ قدرت‌های سلطه‌گر جهانی است و قدرت تصمیم‌گیری مستقل را ندارد.

رجوع به کتاب‌هایی که قطعنامه‌های صادر شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل را بررسی و تحلیل کرده‌اند، به خوبی نشان می‌دهد که این سازمان بیش‌تر در خدمت منافع قدرتهای بزرگ است و عدالت و صداقت و دفاع از حقوق مل‌تهای مظلوم که فلسفه وجودی آن است به فراموشی سپرده شده است.

12. مطرح شدن بیش‌تر انقلاب اسلامی در سطح جهانی

یکی از توطئه‌های امپریالیسم در قبال انقلاب اسلامی، این بوده و هست که آن را از لحاظ خبری و پیام‌رسانی محاصره کند و با استفاده از کلی‌هی شبکه‌های خبررسانی که در اختیار دارد، از رسیدن صدای انقلاب ایران به گوش ستم‌دیدگان جهان جلوگیری نماید و اگر قرار باشد خبری در جهان درباره ایران نقل شود، همان باشد که خود آن‌ها نقل می‌کنند.

اما جنگ تحمیلی تا حدودی این محاصره را شکست و مردم جهان با حداقل اخباری که از جنگ به گوششان می‌رسید، این مسأله برایشان به صراحت مطرح می‌شد که انقلاب اسلامی تسلیم‌پذیر نیست. باید توجه داشته باشیم که بیش‌ترین تلاش ابرقدرتها، در راستای شکستن اراده شکست‌ناپذیر ملت ما بوده است. آن‌ها همواره خواسته‌اند عقب‌نشینی حداقل یکبار هم که شده، ما را وادار به عقب‌نشینی کنند و یا ما را پشت میزهای مذاکره بنشانند، زیرا آنان «عقب‌نشینی از خواسته‌هایمان» یا «تسلیم»

گفتن «لا» می‌دانند که یکی از جذبه‌های جهانی انقلاب اسلامی، در سازش ناپذیری و سرسختی و به ابرقدرت‌هاست.

ما باید کاملاً به این نکته توجه کنیم که امپریالیسم و صهیونیسم، در مورد انقلاب ایران حتی از اخبار تحریف شده و دروغین نیز ابا ندارند و اصولاً چنین عملی در مرحله دوم اهداف آنها قرار دارد و مرحله اول و مهمتر برای امپریالیسم این است که اصولاً از انقلاب اسلامی، خبری در جهان نباشد؛ چرا که هر گونه خبر از آن، خود به خود نشانه آن است که انقلاب و پخش خبر آن در جهان، برای امپریالیسم مرگ‌آور است؛ چرا که مستضعفان جهان امروز حداقل می‌دانند که ملت ایران به نام اسلام به پا خاسته و با این سلاح، شاه را برانداخته و با آمریکا و اسرائیل و اقمار آنها مبارزه می‌کند.

13. شکست طرح‌های توسعه طلبانه دشمنان انقلاب اسلامی

یکی دیگر از نتایج مفید دفاع مقدس به تعبیر امام عزیزمان، شکست طرح‌های توسعه طلبانه دشمنان اسلامی‌مان است با توجه به این که انقلاب شکوهمند اسلامی یکی از مردمی‌ترین قیام‌ها در طول تاریخ علیه بیداد و ظلم بوده، دشمنان به عناوین گوناگون دست‌اندرکار تهیه طرح و توطئه علیه انقلاب شدند، ولی بحمدالله و با هوشیاری امام راحل همگی آن توطئه‌ها نتیجه عکس داد و نه تنها ملت و انقلاب ما را تسلیم بیدادگری نکرد، بلکه ملت، چنان با دشمنان مبارزه نمود که امروز ثمرات آن را با افتخار شاهد هستیم. دشمنان ما و در رأس آنها آمریکای جنایتکار و کمونیسم خون‌آشام، کمر به نابودی این انقلاب بسته‌اند و در صدد ضربه زدن به آن هستند؛ چرا که امروز همین انقلاب سد راه توسعه طلبی آنان شده است؛ چنان که امام عزیزمان فرمودند:

ما با یک ابرقدرتی در طرف غرب، آمریکا و یک ابرقدرتی در طرف شرق، شوروی مواجه هستیم که هر دو این‌ها می‌خواهند ما را ببلعند. ما به خواست خداوند تبارک و تعالی و همت برادرها و خواهران

ایمانی ایران، در مقابل همه این‌ها، ابرقدرت‌ها با کمال قاطعیت ایستاده‌ایم و اجازه نخواهیم داد که هیچ قدرتی با ما مواجهه کند و تصرف در مقدرات ما کند.

14. آزمون حقوق بشر

زمانی که رژیم جنایتکار صدام از زمین، هوا و دریا به جمهوری اسلامی ایران تجاوز کرد و روستاهای محروم جنوب و غرب را با خاک یکسان نمود و به زنان و کودکان بی دفاع ما رحم نکرد و به طرز وحشیانه‌ای آنان را به خاک و خون کشید، صدای کشورها و حتی مجامع بین‌المللی به دفاع از حقوق بشر برخاست و حتی با سکوت معنادار خود، دشمن متجاوز را به قتل و غارت بیش‌تر تشویق می‌کردند و رژیم سفاک بعثی، بدون اعتنا به معاهدات بین‌المللی درباره حقوق انسان‌ها در زمان جنگ، بی‌رحمی و تجاوز را در حق ملت مظلوم ما به حد اوج رساند. بمباران بیمارستان‌ها و مدرسه‌ها و مناطق مسکونی که به شهادت صدها شهروند مظلوم و بی‌دفاع منجر شد، گوشه‌ای از جنایات ضد بشری صدام است. متأسفانه سازمان ملل به ویژه کمیسیون حقوق بشر در این آزمون سخت‌مردود شدند و حتی انجمن‌هایی که داعیه حقوق بشر به ویژه دفاع از حقوق زنان و کودکان را داشته‌اند، به وظیفه خود عمل ننمودند. همچنین در سیاهچال‌های رژیم صدام، حقوق اسرای ما رعایت نشد. شکنجه‌های سخت و فشارهای روحی و جسمی که گوشه‌ای از آن توسط آزادگان سرافراز ما افشا شده است، انسان را ضمن احساس وحشت، در حیرتی عظیم فرو می‌برد که پس سازمانها و دولت‌های مدعی دموکراسی و حقوق بشر چه کرده‌اند؟

و این سؤال، چالش عظیمی را پیش روی مدعیان حقوق بشر قرار می‌دهد و جواب آن تنها این است که همگان در آزمون دفاع از حقوق بشر مردود شده و اعتماد خود را در برابر افکار عمومی جهان از دست داده‌اند.

15. بیداری جهان اسلام

دفاع هشت ساله ملت شهید پرور ایران در برابر تجاوز رژیم سرسپرده صدام، زنگ خطر را در جهان اسلام به صدا درآورد، و این واقعیت را به اثبات رساند که آمریکا و اذنباش با اسلام مخالفاند و هر دولتی که نظام سیاسی و اداره کشورش را بر اساس اصول و آموزه‌های دینی پی‌ریزی کند، به اتهام بنیادگرایی مورد هجوم آمریکا قرار می‌گیرد؛ چرا که آمریکا در راستای طرح خاورمیانه بزرگ به دنبال تحقق لیبرال دموکراسی و حذف اسلام است. {بر گرفته از گزارش هفتگی شورای سیاستگذاری
ائمه جمعه }

مقام معظم رهبری در رابطه با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران فرمودند:

در مورد قضیه اصل جنگ؛ اولاً این جنگ، یک جنگ دفاعی بود. جنگ دفاعی با جنگ تهاجمی دو فرق عمده در معنا و مضمون دارد؛ یک فرق این است که جنگ تهاجمی، حاکی از خوی تجاوزطلبی است، اما جنگ دفاعی این‌طور نیست.

دوم این که جنگ تدافعی و دفاعی، محل بروز غیرت و تعصب و وفاداری عمیق انسانها به آرمانهایی است که به آن‌ها پایبند است، حالا یا این آرمانها وطن است یا بالاتر از آن، یعنی دین و عقیده و اسلام.

در جنگ تهاجمی، این مطرح نیست. فرض کنید آمریکا که به عراق حمله می‌کند، سرباز آمریکایی نمی‌تواند ادعا کند که این کار را دارد برای عشق به وطن خود می‌کند، عراق به وطن او چه ربطی

دارد؟! در خدمت اهداف دیگری است. اما اگر عراقی در داخل کشور خود، در مقابل این حمله و این هجوم نظامی و حضور نظامی ایستادگی کرد، معنای این ایستادگی، دفاع از وطن، دفاع از هویت ملی و دفاع از ارزشهایی است که این به آن پایبند است. جنگ دفاعی و جنگ هجومی، این دو تفاوت را دارد.

جنگ ما، جنگ دفاعی بود. ملت ایران نشان نداد که مایل به تجاوز و تعرض است. ملت ایران نشان داد آنجایی که پای دفاع از هویت ملی و آرمانهای عزیزتر از هویت ملی در میان است، ایستادگی او، ایستادگی درس آموز است، ایستادگی معمولی نیست، ایستادگی ای است که می تواند برای ملت های دیگر، به عنوان الگو و سرمشق به حساب بیاید، کما این که به حساب آمد، هم فلسطینیها به ما گفتند که ما از شما یاد گرفتیم، هم لبنانیها در طول این سالها مکرر به ما گفتند که ما از شما یاد گرفتیم، هم ملت هایی که نامسلمان بودند و مسلمان شدند یا مسلمان بودند و پیرو مکتب اهل بیت (ع) شدند، مکرر در مکرر از جاهای مختلف گفته اند که ما از جنگ شما، از دفاع شما و از ایستادگی شما، به صدق شما پی بردیم. حقیقتا دوران دفاع مقدس، چنین دورانی بود و دفاع مقدس، حامل یک چنین مضمونی بود. (26)

مظهر ایثار و ایستادگی

هشت سال دفاع مقدس ما صرفا یک امتداد زمانی و فقط یک برهه زمانی نیست، گنجینه عظیمی است که تا مدتهای طولانی ملت ما می تواند از آن استفاده کند، آن را استخراج کند و مصرف کند و سرمایه گذاری کند.

حادثه عظیم این هشت سال، مجموعه‌ای است از صفات والا، فرهنگهای پسندیده و برگزیده و ممتاز، عقاید و معارف والایی که ملت ما در طول تاریخ ارث برده یا استعدادش را در خودش حفظ کرده بوده که با انقلاب اسلامی این استعدادها بروز کرد. یک گنجینه‌ای از همه این‌ها است.

آنچه در جمع‌بندی دفاع مقدس، انسان می‌تواند بگوید، این است که این هشت سال، مظهری از برترین صفاتی است که یک جامعه می‌تواند به آن‌ها ببالد و از جوانان خودش انتظار داشته باشد، یعنی دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی است، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است. (27)

مظهر اتکا و اعتماد به خود

دفاع مقدس، جهاد بزرگ دینی و ملی ملت ایران بود. ملت ایران روح اعتماد به نفس ملی را به وسیله هشت سال دفاعِ قدرتمندانه توانست در خود تقویت کند، توانست استعدادها را در خود شکوفا کند، توانست ظرفیتهای ناشناخته خود را بشناسد. جوانهای ما در جنگ تحمیلی، چه در نیروهای مسلح - ارتش و سپاه - و چه در بسیج عظیم مردمی - بسیج مستضعفان - توانستند چهره‌ای را از ایران نشان بدهند که ده‌ها سال بود - شاید بشود گفت دویست سیصد سال بود - که از ایران چنین چهره‌ای دیده نشده بود. اگر شما می‌بینید امروز ملت ما و جوانان ما با ظرفیت عظیم استعداد خود در میدانهای دانش و فناوری حضور دارند، بخش عمده‌ای از این، مرهون دفاع مقدس است. آنجا بود که ملت ایران آگاه شدند، دانستند که چه ظرفیتی دارند، چه قدرتی دارند. آن‌هایی که به جمهوری اسلامی حمله کردند، به خودشان وعده دادند که سه روز دیگر، یک هفته دیگر، یک ماه دیگر، تهران را فتح خواهند کرد(!)

امروز از آن روزها نزدیک به سی سال گذشته است، ملت ایران روزبه‌روز مقتدرتر و قوی‌تر شده است، این درخت روزبه‌روز تناورتر و ریشه‌دارتر شده است و آن مفلوک‌هایی که آن خیالهای باطل را کردند، هر کدامشان در کنجی به زباله‌دان افتادند و نابود شدند. بعد از این هم همین جور خواهد بود. (28)

لزوم آشنایی جوانان با دفاع مقدس

شاید بسیاری از شما جوانهای عزیز، دوران دفاع مقدس را درک نکردید، در آن دوران نتوانستید، نبودید که وسط آن میدان بیایید.

همه باید با اوضاع داوطلبان و جوانان مؤمن آن روز آشنا شوند، مخصوص شما نیست. همه باید بدانند که در دوران دفاع مقدس، چه معجزات عظیمی از حضور مؤمنانه و پر تلاش نیروهای بسیجی در صحنه‌های جنگ اتفاق افتاد، این را باید همه بدانند. نوشته‌هایی هست، کتابهای خوبی نوشته شده است، من توصیه می‌کنم این کتابهایی که در شرح حال سرداران است یا آنچه در گزارش روزهای جنگ و سالهای دشوار اول بالخصوص نوشته شده، این را جوانها بخوانند، خود را سیراب کنید از معرفت به آنچه در تاریخ انقلاب گذشته است. (30)

بیانات رهبری در روزهای:

1385/7/29 (26)

1388/6/24 (27)

1388/6/29 (28)

1386/10/13 (29)

1387/2/14 (30)

مصاحبه با حاج احمد خمینی (ره) درباره دفاع مقدس

حاج احمد: تلخترین خاطره‌ای که به یاد دارم پذیرش قطعنامه، و شیرین‌ترین خاطره مربوط به فتح خرمشهر است.

فتح خرمشهر زمانی اعلام شد که ساعت حدوداً چهار بعدازظهر بود و امام در حال قدم زدن بودند. امام هر روز سه مرتبه و هر مرتبه حدوداً نیم ساعت قدم می‌زدند و رادیو هم در دستشان بود چون ما از قبل می‌دانستیم که رزمندگان اسلام در حال انجام این کار هستند و درگیری هم از شب قبل شروع شده بود که خیلی هم شدید بود.

امام در حال قدم زدن بودند که گوینده رادیو خبر آزادسازی خرمشهر را اعلام کرد. با شنیدن صدای گوینده، من به امام نگاه کردم و متوجه شدم که احساس خوبی به ایشان دست داد.

*سوال: به جرأت می‌توان گفت از بزرگترین دستاوردهای دفاع مقدس، ارزشها روحیات و فرهنگ ارزشمند و گرانقدری است که رزمندگان اسلام در صحنه‌های نبرد و میادین خون و شهادت به نمایش گذاشتند. از نگاه شما برای پاسداری از این ارزشها و بهره‌گیری از آنها در مقابل با تهاجم فرهنگی استکبار باید چه تدابیری اتخاذ شود؟

*حاج احمد: مسئله‌ای که به ذهن می‌رسد این است که اگر جنگ نبود این خطری را که دو یا سه سال پس از پایان جنگ ما با آن مواجه بودیم ممکن بود زودتر دچار شویم. یکی از اثرات بزرگ جنگ، تثبیت انقلاب بود یعنی در سایه جنگ بود که انقلاب تثبیت شد و ضد انقلابها رانده شده و به دست نیروهای انقلاب از نظام کنار گذاشته شدند و روی هم رفته آنچه که مهم است همان تثبیت انقلاب است. من نمی‌گویم که اگر جنگ نبود انقلاب شکست می‌خورد اما اگر جنگ نبود بعد فرهنگی و مکتبی بودن انقلاب ما، در دنیا شناخته نمی‌شد و جنگ موجب شد که اکثر خبرهای دنیا در هشت سال جنگ در مورد ایران از رسانه‌های گروهی پخش می‌شد. قدرت انقلاب، تفکر امام، برخورد انقلاب با ارزشهای ترسیم شده از سوی غرب و.... در لابلای جنگ به دنیا منتقل شد. وقتی اینطور شد، در تمام

دنیا نیروهای اسلامی و هسته‌های مقاومت که نقاط بسیار قوی ادامه جنگ بودند پدید آمد.

اگر شما می‌بینید که در جریان سلمان رشدی، مسلمانان دنیا به خیابانها می‌ریزند و فتوای امام چنان واکنشهایی بوجود می‌آورد، این آگاهی است که در خلال هشت سال جنگ توسط دشمنان ما به آنها منتقل شده است. چون امام که محور تمام اخبار بودند تفکرشان تفکر اسلامی بود. اسلام و دیدگاه‌های اسلامی امام به بهترین وجه در آن دوران برای تمام دنیا و مسلمانانی که در اقصی نقاط جهان هستند مخابره شد.

امروز شما می‌بینید که انقلاب ما همان انقلاب است اما چون جنگ نیست و موضعگیریه‌ها، موضعگیریه‌های جنگی نیست رسانه‌های غربی حرفهای کم‌رنگ ما را پررنگ می‌کنند و اگر خدایی نکرده اشتباهی در صحبتی باشد آن را پررنگ می‌کنند و ما مورد خاصی نداریم که خبرگزاریها بر سر آن رقابت کنند. مثل آسوشیتدپرس، رویتر و... لذا موضع ما در مقابل اسرائیل، ارتجاع منطقه و... نیز در میان خبرها و گزارشات بیان می‌شد. وقتی حرف امام منتقل می‌شود که «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» و «ما دندانهای آمریکا را در دهانش خرد می‌کنیم» و... توسط خبرگزاریها منتقل و به وسیله رادیوها، تلویزیونها، مطبوعات و... بیان می‌شد و باعث می‌گردید که مسلمانها خویشتن را بازیابند. این درست است که حرف امام بود اما سیم ارتباطی حرف امام با تک‌تک مسلمانان دنیا، جنگ بود. وقتی ما یک موشک به عراق می‌زدیم در حقیقت این خط رابط با حاملی می‌شد برای انتقال افکار امام به جهان. وقتی بچه‌های ما با یک قایق به ناوهای غول‌پیکر حمله می‌کردند آنها می‌گفتند جنگهای امروز جنگ الکترونیک است و قایقی که سه نفر در آن نشسته‌اند و یک «آر.پی.جی» بر دوش دارند به سمت یک ناو می‌رود و به آن حمله کرده و ضربه می‌زند هرچقدر هم که این ضربه کوچک باشد یک حال خاصی پس از شنیدن این خبر در مسلمانان دنیا پدید می‌آید و این فکر منتقل می‌شود که با دست خالی هم می‌توان کارهایی کرد. این چیزها باعث شد که انقلاب ما شکل بگیرد و حرفهای ما زده شود و آن چیزی که امروز ما رویش حرف داریم این است که ما بسیجی به دست آوردیم این ارزشها نباید خدشه‌دار شود. لذا باید سعی کنیم که آنچه نظر بنیانگذار این انقلاب بوده

در نظر داشته باشیم و به سمت اهداف امام برویم.

*سوال: جنگ برای انقلاب و جمهوری اسلامی از یک سو و جبهه استکبار و ایادی منطقه‌ای آن از سوی دیگر چه نتایج و تبعات سویی را به همراه داشته است؟

*حاج احمد: جنگ نه از نظر مادی بلکه از نظر معنوی ابهت غرب را شکست جنگ اگر نبود پیام امام به گورپاچف معنا نداشت و جنگ موجب شد که این برداشت که با فرهنگ غرب و آن چیزی که به عنوان اسوه و اساس حرکتهای مادی یعنی دیدگاههاست و با آنها نمی‌توان جنگید جنگ ما این تصور را باطل کرد والا ما می‌دانیم که اگر آمریکا بخواهد ما را نابود کند او خیلی اسلحه دارد و ما نداریم اما اینکه ملتی به خاطر اینکه اسلحه ندارد چیزی نگوید را در دنیال باطل کرد.

*سوال: در شرایط بمباران و موشکباران و... حضرت امام در ارتباط با خانواده در آن شرایط چه برخوردی داشتند؟

*حاج احمد: وقتی جنگ شروع شد مدتی طول کشید تا کار به بمباران شهرها کشید. در ابتدای جنگ ستاد مشترک کسی آمد که مربوط به تیم مهندسی بود و یک مکان ضد بمب و مستحکم برای امام درست کرد اما حضرت امام فرمودند من به اینجا نمی‌روم و هرچه هم که من گفتم حداقل شما بیایید و اطاق مذکور را ببینید ایشان فرمودند من از همین بیرون که آنجا را دیده‌ام و به آنجا نخواهم آمد و تا وقتی که تهران زیر موشکباران دشمن قرار گرفت در اطاق معمولی خودشان بودند و خیلی معمولی برخورد می‌کردند.

وقتی هم که من خیلی اصرار کردم ایشان قسم خوردند که من این کار را نخواهم کرد و بین من و بقیه افراد هیچ تفاوتی نیست. ایشان می‌گفت اگر بمبی به خانه من بخورد و پاسدارهای اطراف منزل کشته شوند و من در اطاق ضد بمب زنده بمانم دیگر من به درد رهبری نمی‌خورم. من زمانی می‌توانم مردم را رهبری کنم که زندگی من مثل آنها باشد و همه در کنار همدیگر باشیم. از نظر خانوادگی هم من به شما بگویم که سالها پیش وقتی مأمورین ساواک به خانه م ریختند که امام را بگیرند مادر من در حیاط ایستاده بود که من از خانه بیرون دویدم و ایشان به من گفت «پدرت را بردند اگر می‌خواهد او را ببینی زودتر برو» کلاً مادرم و خواهرانم اهل این حرفها نیستند و ترسو نیستند و فقط نگرانیشان

در مورد حال امام بود. نکته دیگر این است که امام اصلاً مایل نبودند که یک چنین صحبت‌هایی در آن زمان بشود.

یک نکته‌ای به خاطر آمد که برایتان نقل کنم. یک روز که تهران شدیداً زیر بمباران و موشکباران بود مادرم وارد اطاق شدند و دیدند که یک پتویی کج افتاده است با نهایت خونسردی مرا صدا زدند که بیا و سرپتو را بگیر تا آن را درست کنیم و امام از این حرف خنده‌اش گرفت.

منبع: سایت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

هدف از تحمیل جنگ به ایران

طبق بررسی‌های به عمل آمده و اعترافات فرماندهان حزب بعث و استراتژیست‌های کاخ سفید، هدف از تحمیل جنگ به ایران موارد زیر بوده است:

- نابودی انقلاب اسلامی و یا حداقل کنترل آن؛

- تشکیل عربستان بزرگ؛

- تصرف خوزستان و گرفتن کل شط العرب؛

بدین ترتیب در 31 شهریور 1359 صدام به این نتیجه رسیده بود که حکومت ایران به دلیل انقلاب، از نظر توان نظامی بسیار ضعیف شده، لذا از آن موقعیت استفاده کرده و با حمایت و تحریک قدرت‌های استعماری جنگ را بر ما تحمیل کرد. حالا این سؤال مطرح است که آیا دشمن پس از فتح خرمشهر متنبه شده و هدف «نابودی انقلاب اسلامی» را رها کرده بود یا خیر؟

اصولا دشمن از جنگ به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کرد. اما جمهوری اسلامی بعد از فتح خرمشهر، مقتدرتر شده بود و به همین جهت خطر آن در نزد دشمنان نیز افزون‌تر شده بود. بنابراین دشمن چون به هدف خود نرسیده بود، به دنبال این بود که این نظام تقویت شده را به انحاء مختلف تضعیف نماید.

نکته دیگری نیز مطرح بود و آن این که، دشمن از اهدافش دست برنداشته بلکه نسبت به اهدافش هوشیارتر هم شده و حمایت‌های دیگری هم ممکن بود جلب نماید. در این حال، چه تضمینی وجود داشت که با توقف جنگ دیگر اقدام به تجاوز مجدد نکند؟ بنابراین منطق نظامی در آن شرایط، حکم می‌کرد که برای رفتن به پشت میز مذاکره و توقف جنگ، ایران پشتوانه‌ای به عنوان تضمین صلح داشته باشد و این پشتوانه چیزی جز پیشروی در قسمتی از خاک عراق نمی‌توانست باشد.

خوی تجاوزگری صدام و حزب بعث

در سال 1361 در شرایطی زمزمه‌های صلح و آتش بس از سوی عراق و متحدان منطقه‌ای آن مطرح شد که جمهوری اسلامی به عنوان پیروز جنگ، توانسته بود در مقابل عراق، قدرت نمایی کند و به همین جهت نیز به هیچ وجه حاضر به دادن کوچک‌ترین امتیاز به طرف مقابل نبود و شرایط ملی هم به او چنین اجازه‌ای نمی‌داد.

از طرف دیگر، صدام در جنگ به شدت تضعیف شده و در طی دو سال نیروهایش به شکل مفتضحانه یا فرار کردند یا اسیر شدند و یا کشته شدند که این ضربه بزرگی به حزب بعث و ارتش عراق بود به شکلی که سازماندهی ارتش عراق در آن مقطع زمانی به کلی بهم ریخت و نیز اهدافی که زمان شروع جنگ در ذهن استراتژیست‌های نظامی بغداد بود هیچ کدام محقق نشده و طبیعی بود که صدام به عنوان رئیس حزب بعث عراق می‌بایست توجیهی برای قول‌هایی که در ابتدای جنگ به مردمش داده بود می‌داشت.

با توجه به روحیه روانی و خوی تجاوزگری صدام قطعاً بعضی‌ها به دنبال صلح دایم نبودند، اما زمزمه‌های صلح را مطرح می‌کردند تا با این تاکتیک ضمن تجهیز قوا، ارتش به هم ریخته خود را سر و سامانی داده و پس از آن اقدام به تجاوز مجدد نمایند. صدام توجیه اولیه‌اش برای شروع جنگ این بود که: «قرارداد 1975 الجزایر به ما تحمیل شد؛ چون از یک طرف توان نظامی و تسلیحاتی ما به شدت کاهش یافته بود و از طرف دیگر چون عقبه استراتژیکی ایران با توجه به حمایت‌های شدید آمریکا بسیار قوی بود، ما مجبور به انعقاد قرار داد شدیم و به همین جهت امروز اعلام می‌کنیم که قرار داد مزبور مورد قبول ما نیست و ناگزیر هستیم از طریق قوه قهریه و جنگ به حق و حقوق تضییع شده خود برسیم» و به همین بهانه به خاک جمهوری اسلامی ایران حمله کرد. لذا اگر ایران پس از فتح خرمشهر هم حاضر می‌شد آتش بس نماید و تن به صلح بدهد، قطعاً زمانی که عراق احساس می‌کرد نقاط ضعف خود را برطرف نموده است، مجدداً به ایران حمله می‌کرد و این بار موفق هم می‌شد، چرا که صحنه جنگ در جبهه ایران به علت آتش بس و صلح سرد شده بود و نیروها به عقب برگردانده می‌شدند و به دلیل احساس پیروزی، شور و شوق جنگ در آنان کم شده، امکان فراخوانی مجدد آنان به جبهه‌ها غیر ممکن و یا بسیار مشکل بود. به همین جهت لشکر ایران اسلامی در مقابل ارتش تازه نفس عراق تن به شکست می‌داد.

حالا اگر چنین وضعیتی رخ می‌داد چه تضمینی برای احقاق حق ملت ایران وجود داشت؟

کدام مرجع بین المللی از ایران حمایت می‌کرد؟ بدین ترتیب می‌بینیم که ما با توجه به شرایط روحی و روانی صدام و خوی تجاوزگری او، چاره‌ای جز **دفاع** و استمرار جنگ و حتی پیشروی در خاک عراق برای به دست آوردن امتیازی که این خوی تجاوزگری را تعدیل نماید نداشتیم.

حالا ممکن است کسی بگوید مگر این خوی تجاوزگری در سال 1367 (زمان قبول قطعنامه) در صدام و حزب بعث نبود؟ پس چرا به ایران حمله نکرد؟

در جواب باید گفت که

اولاً) پس از قبول قطعنامه 598 از سوی ایران، عراق اقدام به حمله وسیعی در مناطق جنوبی ایران کرد و موفق شد مجدداً قسمت‌هایی از خاک ایران را به تصرف درآورد، اما در همان زمان ایران خیلی زود توانست توازن قوا را در جبهه‌ها به وجود آورده و تک عراق را با قدرت جواب دهد و او را یک بار دیگر به عقب براند و شرایط را به گونه‌ای تغییر دهد که دیگر صدام نتواند اقدام به تجاوز نماید و به تن دهد 598 همین جهت نیز ناچار شد به پذیرش قطعنامه

ثانیاً) در سال 1367 ایران پشتوانه بین المللی به نام قطعنامه 598 سازمان ملل متحد داشت که تا حدودی او را حمایت می‌کرد، اما در مقطع زمانی سال 1361 هیچ سند رسمی که بتواند ایران را در صحنه بین الملل پشتیبانی کند وجود نداشت

ثالثاً) این خوی تجاوزگری صدام پس از قبول قطعنامه 598 و ناامیدی از حمله مجدد به ایران او را درگیر جنگی در خلیج فارس با کویت کرد که منجر به کاهش شدید قدرت او در منطقه گردید و دیگر توانایی مقابله با ایران را از دست داده بود

دستاوردهای دفاع مقدس به روایتی دیگر

الف) دستاوردهای داخلی

1- تثبیت انقلاب: یکی از ثمرات بزرگ دفاع مقدس، تثبیت انقلاب بود، یعنی در سایه جنگ بود که انقلاب تثبیت شد و ضد انقلاب‌ها رانده شدند و نیروهای وابسته به شرق و غرب کم کم شناخته شده به دست نیروهای انقلاب از نظام کنار گذاشته شدند. مصداق بارز این ادعا، روشن شدن شخصیت تروریستی و ضد دینی گروهک مجاهدین خلق (منافقین) برای ملت ایران بود که در سایه جنگ محقق گردید. در سایه جنگ ملت ایران بهتر از گذشته توانستند حق را از باطل، خودی را از غیر خودی تشخیص داده و در راستای آفت زدایی انقلاب گام بردارند. و نتیجه این هوشیاری تثبیت انقلاب بود.

2- تثبیت تمامیت ارضی: استمرار جنگ پس از فتح خرمشهر منجر به تثبیت تمامیت ارضی و امنیت مرزی جمهوری اسلامی در منطقه شد. نگاهی به تاریخ گذشته ایران نشان می‌دهد که در طول دو قرن گذشته، این تنها جنگی بوده، است که ایرانیان حتی یک وجب از خاک میهن اسلامی خود را به بیگانگان نداده‌اند، در قرون گذشته طی دو جنگ ایران و روس، قسمت اعظمی از قلمرو ایران به بیگانگان واگذار گردید و همین امر، یعنی عدم توانایی حکومت ایران در مقابل دست اندازی بیگانگان به خاک خود، باعث گردید که در سال 1350 نیز با یک سناریوی شیطانی، استان چهاردهم یعنی بحرین را از ایران جدا ساخته در صحنه بین المللی استقلال آن را اعلام نمایند. اما در این جنگ، با این که بسی عظیم تر و حساس تر از جنگ‌های گذشته بود تمامیت ارضی کشور به تمام و کمال حفظ گردید. یک کشور با غیرت ممکن است خسارات زیادی را بپذیرد، اما حاضر نیست ناموس ملی خودش را بدست بیگانگان بدهد.

3- افزایش توان نظامی: یک ارتش منظم و کلاسیک، دست کم یک دهه زمان نیاز دارد تا بتواند خودش را سازماندهی و تقویت نماید در صورتی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توانست در کوتاه‌ترین مدت ممکن سه نیروی مقتدر زمینی، دریایی و هوایی را سازماندهی کرده و با جدیدترین روش‌های نظامی به کارگیری نماید. همچنین انبوهی از تجربیات را طی این هشت سال، توشه خود سازد. علاوه بر این صنایع نظامی به حد مطلوبی توسعه داده شد و در برخی موارد به حد خودکفایی

رسید. حضرت امام هم در این زمینه می‌فرمایند: ما تنها در جنگ بود که توانستیم صنایع نظامی خود را به حد مطلوبی از رشد برسانیم

پس از اتمام جنگ نیز تجربیات هشت سال دفاع مقدس، قدرت نظامی ایران را تا حد کشورهای پیشرفته منطقه افزایش داده و یک حالت بازدارندگی بسیار قوی در مقابل قدرت‌های نظامی منطقه به جود آورد. ساخت موشک دوربرد شهاب 3 و آزمایش موفقیت‌آمیز آن، چنان دشمنان ما از جمله رژیم اشغالگر قدس را شگفت زده کرد که سبب شد موضع‌گیری‌های تندی در قبال این حرکت مقتدرانه جمهوری اسلامی در صحنه بین‌المللی از خود بروز دهند

ساخت تانک ذوالفقار با قدرت مانور بالا، بازسازی هواپیماهای جنگی، تولید قطعات هواپیما و سلاح‌های سنگین و خودکفایی در ساخت سلاح‌های سبک و نیمه سنگین، ساخت هواپیمای بدون سال دفاع مقدس نصیب مملکت 8 سرنشین و... بسیاری موارد دیگر از جمله ثمراتی است که در سایه ما شد.

تجربه در امر مهندسی جنگ، راه سازی، سد سازی، کشتی سازی، صنایع الکترونیک، پزشکی، داروسازی و مانند آن، از دیگر ثمرات دفاع مقدس است که از آن‌ها در امر بازسازی کشور به نحو مطلوب استفاده شده و می‌شود.

(ب) دستاوردهای بین‌المللی دفاع مقدس

1- تثبیت انقلاب اسلامی در صحنه بین‌المللی؛ در صحنه بین‌الملل، جهان توانست بفهمد انقلاب ما یک انقلاب اصیل با پشتوانه الهی و مردمی و تصور انهدام انقلاب در کوتاه مدت یک امر واهی است.

هشت سال دفاع خستگی‌ناپذیر و مخلصانه که تثبیت کامل و مقتدرانه نظام را به همراه داشت، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را واداشت تا نظام جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخته و به حقوق ملی و بین‌المللی آن به عنوان یک نظام مستقل سیاسی و قدرتمند اعتراف نمایند. درخواست رسمی و مکرر امریکا جهت ایجاد ارتباط با ایران مصداق بارز چنین فرضیه‌ای است.

2-شناساندن بعد فرهنگی و مکتبی انقلاب در صحنه بین‌الملل؛ در سایه دفاع مکتبی، بعد دینی انقلاب به مردم جهان شناسانده شد. و این امر موجب شکل‌گیری حرکت‌های آزادی‌بخش در جهان گردید و مسلمانان را به بازگشت به خویشتن فراخواند

3-دستاوردهای بین‌المللی دفاع مقدس از دیدگاه امام؛ حضرت امام همواره 8 سال دفاع مقدس را موهبتی الهی می‌دانستند و معتقد بودند در سایه آن، ثمرات عظیمی نصیب این کشور شد؛ از جمله

ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نمودیم، ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم، ما در جنگ دوستان و دشمنان مان را شناخته‌ایم... ما در جنگ ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم... ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد. جنگ ما کمک به فتح افغانستان را به دنبال داشت، جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت، جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت ... کنند جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت و

بدین ترتیب می‌بینیم که خسارات مادی و معنوی جنگ، در مقابل برکاتی که به واسطه دفاع مقدس نصیب ملت غیور ایران و میهن اسلامی ما گردید، بسیار ناچیز است.

{نقل از پایگاه حوزه}

منابع:

کتاب روزها و رویدادها جلد 2 -تهیه و تنظیم : علی بری دیزجی ، علی اصغر کریمی شرفشاده ، مجید صفایی ، محمد نبی ابراهیمی و وحید صفایی

سایت حوزه علمیه

سایت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس

ماهنامه کوثر {آستان مقدسه حضرت معصومه س}

سایت های مختلف